فهرست ادعیهٔ این مجموعهٔ مبارکه

شرح دعای صباح حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

نقل کرد سید حسیب نجیب یحیی بن قاسم علوی رضی الله عنه
که فیروزی یافتم بر تربه سفینه طولانیه که در آنجا مکتوب
بود بخط سید و جد من امیر المؤمنین و قائد الغر المحجلین
لیث بنی غالب علی بن ابی طالب علیه افضل الصلوات
و اکمل التحیات و صورت آنچه در آنجا نوشته بود
ترجمه اش این بود که دعاییست که تعلیم کرد مرا
پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و آنحضرت میخواندند
این دعا را در هر صباح و در هر لیله و بعد از نقل
دعا در آخرش مکتوب بود کلماتی که ترجمه اش اینست که
نوشته است این دعا را علی پسر ابی طالب در آخر روز پنجشنبه
یازدهم ماه ذی حجه در سال بیست و پنجم از هجرة و سید

مذکور میگوید که من نقل کردم دعا را
از خط مبارک آنحضرت که نوشته بودند بقلم
کوفی و بر ورق آهو در بیست و هفتم شهر ذیقعده
و در سال هفتصد و سی و چهار از هجرت و از آنحضرت
علیه السلام مرویست حدیثی که ترجمه اش اینست که کسی که
مداومت نماید بر خواندن این دعا و حال آنکه عالم بر آن باشد
از بلاها هر که ضرری بمداومت کننده آن نرساند و در نظر
خلائق معزز و مکرم گردد و هیچ دشمنی را و ظفر نیابد و هر که
قصد دشمنی او کند عداوت بصاحبش گردد و مداومت
کننده آن ایمن باشد از مرگ مفاجات و روزی بر وی فراخ
شود و در وقت مردن با ایمان باشد و فرشته بر سر قبر او آمده
او را بر آن براق سوار کرده داخل بهشت عنبر سرشت نماید

دعای صباح حضرت امیر

بسم الله الرحمن الرحیم

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشنده بسیار مهربان

اللّهمّ یا من دلع لسان الصّباح بنطق

بارخدایا ای آنکی که بیرون آورده زبان صباح را بگویایی

تبلّجه ◆ وسرّح قطع اللّیل المظلم بغیاهب

روشن شدن آن ورها کرده پارهای شب تاریک را بتاریکیهای

تلجلجه ◆ واتقن صنع الفلک الدّوّار

بهم درشدن آن واستوار کرده آفرینش چرخ گردنده را

فی مقادیر تبرّجه ◆ وشعشع ضیاء الشّمس

در اندازهای اظهار زینت او وآمیخته روشنی آفتاب

بنور تأجّجه ◆ یا من دلّ علی ذاته بذاته

بنور افروختگی آن ای آنکه دلالت کرده بر ذات خود بذات خود

وتنزّه عن مجانسة مخلوقاته ◆ وجلّ

وپاکست از هم جنسی آفریدگان خود وبلندست

عن ملائمة کیفیّاته ◆ یا من قرب

از مناسبت چگونگیهای خود ای آنکه نزدیکست

من خطرات الظّنون ◆ وبعد عن ملاحظة

از اندیشهای دانشها ودورست از نگریستن

العیون ◆ وعلم بما کان قبل ان یکون

چشمها ودانسته آنچه را بوده پیش از آنکه یافت شود

یا من ارقدنی فی مهاد امنه وامانه ◆

ای آنکه خوابانیده مرا در بستر امن وامان خود

وایقظنی الی ما منحنی به من مننه واحسانه

وبیدار کرده مرا بسوی آنچه بخشش فرموده مرا بآن از نعمتهای خود واحسان خود

رز

وَكَفَّا كُفَّ السُّوءِ عَنِّي بِيَدِهِ وَسُلْطَانِهِ

دباز داشت سرپنجهای بدی را ازمن بقوت خود وپادشاهی خود

صَلِّ اللّٰهُمَّ عَلَى الدَّلِيلِ إِلَيْكَ فِي اللَّيْلِ

رحمت بفرست خداوندا بر راهنمایی بسوی تو درشب

الْأَلْيَلِ ❖ وَالْمُسْتَمْسِكِ مِنْ أَسْبَابِكَ بِحَبْلِ

بسیار تاریک ودست زننده ازجملهٔ وسیلهای تو بریسمان

الشَّرَفِ الْأَطْوَلِ ❖ وَالنَّاصِعِ الْحَسَبِ فِي

بزرگواری بسیار بلند وصاحب حسب در

ذِرْوَةِ الْكَاهِلِ الْأَعْبَلِ ❖ وَالثَّابِتِ

بلندی روشن ستبر وثابت

الْقَدَمِ عَلَى زَحَالِيفِهَا فِي الزَّمَنِ الْأَوَّلِ ❖

قدم برمکانهای شریف لغزندگان در زمان اول

وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الْأَبْرَارِ الْمُصْطَفَيْنَ

وبر آل او که پاکان نیکوکاران برگزیدگان

الاخيار

الْأَخْيَارِ ❖ وَافْتَحِ اللّٰهُمَّ لَنَا مَصَارِيعَ

نیکانند وبگشای خدایا ازبرای ما درهای

الصَّبَاحِ بِمَفَاتِيحِ الرَّحْمَةِ وَالْفَلَاحِ ❖

صباح را بکلیدهای رحمت ورستگاری

وَأَلْبِسْنَا اللّٰهُمَّ مِنْ أَفْضَلِ خِلَعِ الْهِدَايَةِ

وبپوشان مارا خداوندا ازبهترین خلعتهای رهنمایی

وَالصَّلَاحِ ❖ وَاغْرِسِ اللّٰهُمَّ لِعَظَمَتِكَ

وشایستگی وبکار خداوندا ازبرای بزرگی تو

فِي شِرْبِ جَنَانِي يَنَابِيعَ الْخُشُوعِ ❖ وَأَجْرِ

دربهرهٔ آب دل من چشمهای فروتنی را وروان کن

اللّٰهُمَّ لِهَيْبَتِكَ مِنْ آمَاقِي زَفَرَاتِ الدُّمُوعِ

خداوندا ازبرای ترس خود ازگوشهای چشم من نالهای اشکهارا

وَأَدِّبِ اللّٰهُمَّ نَزَقَ الْخُرْقِ مِنِّي بِأَزِمَّةِ

وادب کن خداوندا تندی خوی مرا بمهارهای

الْقُنُوعِ ❖ اِلٰهِي اِنْ لَمْ تَبْتَدِئْنِي الرَّحْمَةُ

خواری ای خدای من اگر ابتدا نکند مرا برحمت

مِنْكَ بِحُسْنِ التَّوْفِيقِ ❖ فَمَنِ السَّالِكُ بِي

از جانب تو بنیکوئی توفیق پس که می آورد مرا

اِلَيْكَ فِي وَاضِحِ الطَّرِيقِ ❖ وَاِنْ اَسْلَمَتْنِي

بسوی تو در روشن ترین راهی واگر واگذارد مرا

اَنَاتُكَ لِقَائِدِ الْاَمَلِ وَالْمُنىٰ ❖ فَمَنِ الْمُقِيلُ

حلم تو بکشندهٔ آرزوها وخواهشها پس کهٔ در گذراند

عَثَرَاتِي مِنْ كَبَوَاتِ الْهَوىٰ ❖ وَاِنْ خَذَلَنِي

لغزشهای مرا از سر در آمدنهای هوس واگر خوار کند مرا

نَصْرُكَ عِنْدَ مُحَارَبَةِ النَّفْسِ وَالشَّيْطَانِ ❖

نصرت تو نزد کارزار نفس وشیطان

فَقَدْ وَكَلَنِي خِذْلَانُكَ اِلىٰ حَيْثُ النَّصَبِ

پس بتحقیق که واگذاشته خواهد بود مرا خوار کردن تو بسوی جای تعب

وَالْحِرْمَانِ ❖ اِلٰهِي اَتَرَانِي مَا اَتَيْتُكَ اِلَّا

ونومیدی ای خدای من آیا می بینی تو مرا که نیامده ام بسوی تو مگر

مِنْ حَيْثُ الْاٰمَالِ ❖ اَمْ عَلِقْتُ بِاَطْرَافِ

از محل آرزوها یا در نیاویخته ام بکنارهای

حِبَالِكَ اِلَّا حِينَ بَاعَدَتْنِي ذُنُوبِي عَنْ

ریسمانهای تو مگر هنگامی که دور کرد مرا گناهان من از

دَارِ الْوِصَالِ ❖ فَبِئْسَ الْمَطِيَّةُ الَّتِي

سرای وصال پس بد شتریست که سوار شده بر آن

امْتَطَتْ نَفْسِي مِنْ هَوٰيهَا ❖ فَوَاهاً لَهَا

نفس من از هواهای خود پس آه از برای نفس من

لِمَا سَوَّلَتْ لَهَا ظُنُونُهَا وَمُنَاهَا ❖ وَ

بسبب آنچه زینت داده از برای او گمانهای او وآرزوهای او و

تَبّاً لَهَا لِجُرْاَتِهَا عَلىٰ سَيِّدِهَا وَمَوْلٰيهَا ❖

هلاک باد از برای او بسبب جرأت او بر مخالفت سید او وآقای او

الهى قرعت باب رحمتك بيد رجائى

اى خداى من كوبيده ام در رحمت را بدست اميد خود

وهربت اليك لاجئا من فرط اهوائى

وگريخته ام بسوى تو در حالتى كه پناه آورنده ام از حد درگذشتن خواهشهاى خود

وعلقت باطراف حبالك انامل ولائى

وآويخته ام بكنارهاى ريسمان تو سرانگشتان محبت خودرا

فاصفح اللهم عما كان اجرمته من

پس درگذر خداوندا از آنچه بوده است بدكرده ام از

زللى وخطائى واقلنى اللهم من صرعة

لغزش من وخطاى من ودرگذران از من خداوندا از افتادن من

ردائى وعثرة بلائى فانك سيدى و

برخاك مذلت ولغزشى كه بسبب جهل ونادانى است پس بدرستى كه تو سيد منى و

مولاى ومعتمدى ورجائى وغاية

آقاى منى ومحل اعتماد من واميد منى ونهايت

مطلوبى ومناى فى منقلبى ومثواى

مطلوب من وآرزوهاى منى در محل بازگشت من وجاى قرار من

الهى كيف تطرد مسكينا التجأ

اى خداى من چگونه ميرانى بيچاره را كه پناه آورده باشد

اليك من الذنوب هاربا ام كيف

بسوى تو از گناهان گريزان يا چگونه

تخيب مسترشدا قصد الى جنابك

نوميد ميكنى راه راست جوينده را كه رو آورده باشد بسوى جناب تو

ساعيا ام كيف ترد ظمآنا ورد الى

شتابان يا چگونه رد ميكنى تشنه را كه وارد شده باشد بسوى

حياضك شاربا كلا وحياضك

حوضهاى تو آب خوران حاشا كه چنين باشد وحوضهاى تو

مترعة فى ضنك المحول وبابك

لبالبست در تنگ خشكسال ودرگاه تو

مفتوح للطلب والوغول ❖ وانت

کشاده است ازبرای طلب کردن وداخل شدن وتو

غاية السؤل ونهاية المامول ❖ الهي هذه

نهایت سؤال ونهایت امید داشته شده ای خدای من این

ازمة نفسي قد عقلتها بعقال مشيتك

مهارهای نفس منست بتحقیق که بند کرده ام آنرا به بندهای ارادهٔ تو

وهذه اعباء ذنوبي درأتها برحمتك

واین گرانیهای گناهان منست که دفع کرده ام آنهارا برحمت خود

ورافتك ❖ وهذه اهوائي المضلة

ومهربانی خود واین خواهشهای گمراه کنندهٔ منست

وكلتها الى جناب لطفك ورافتك

واگذاشته ام آنهارا بجناب لطف خود ومدارای تو

فاجعل اللهم صباحي هذا نازلا علي

پس بگردان خداوندا این صباح مرا فرود آینده بر من

بضياء الهدى والسلامة في الدين و

بروشنی راهنمایی وسلامت در دین و

الدنيا ❖ ومسائي جنة من كيد العدى

دنیا وبگردان شام مرا سپری از مکر دشمنان

ووقاية من مرديات الهوى ❖ انك

ونگاهدارنده از هلاک کنندهای هوس را بدرستی که تو

قادر على ما تشاء تؤتي الملك من تشاء

توانایی برآنچه میخواهی میدهی پادشاهی را بهرکه میخواهی

وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء

ومیگیری پادشاهی را ازهرکه میخواهی وعزیز میکنی هرکرا میخواهی

وتذل من تشاء بيدك الخير انك على

وخوار میکنی هرکه را میخواهی بدست تست خیر بدرستی که تو بر

كل شيء قدير ❖ تولج الليل في النهار

همه چیز توانایی داخل میکنی شب را در روز

وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ

وداخل میکنی روزرا در شب وبیرون می آوری زنده راز

الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ

مرده وبیرون می آوری مرده رااززنده وروزی میدهی

مَنْ تَشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ❖ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ

هرکه رامیخواهی بیحساب نیست خدایی مگر تو

سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ مَنْ ذَا يَعْرِفُ

تسبیح میکنیم ترا خداوندا در حالتی که مشغولیم بحمد تو کیست انکه بشناسد

قُدْرَتَكَ فَلَا يَخَافُكَ ❖ وَمَنْ ذَا يَعْلَمُ مَا

قدرت ترا پس نترسد از تو وکیست انکه بداند که کیستی

اَنْتَ فَلَا يَهَابُكَ اَلَّفْتَ بِقُدْرَتِكَ الْفِرَقَ

تو پس بیم نداشته باشد از تو الفت داده بقدرت کاملهٔ خود گروه متخالفه را

وَفَلَقْتَ بِرَحْمَتِكَ الْفَلَقَ ❖ وَاَنَرْتَ

وپاره کرده برحمت خود گریبان صبح را وروشن کرده

بِكَرَمِكَ دَيَاجِيَ الْغَسَقِ ❖ وَاَنْهَرْتَ

بکرم خود تاریکیهای شب را وروان کردی

الْمِيَاهَ مِنَ الصُّمِّ الصَّيَاخِيدِ عَذْبًا وَاُجَاجًا

آبها را از سنگهای صلب میان ریخت شیرین وشور وتلخ

وَاَنْزَلْتَ مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَآءً ثَجَّاجًا ❖

وفرو فرستادی از ابرهای رحمت خود آبهای متقاطر تواتر را

وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لِلْبَرِيَّةِ سِرَاجًا

وگردانیدی آفتاب را وماه را ازبرای خلایق چراغی

وَهَّاجًا ❖ مِنْ غَيْرِ اَنْ تُمَارِسَ فِيمَا ابْتَدَاْتَ

افروخته بی آنکه بکاربری در آنچه ابتدا کرده

بِهٖ لُغُوبًا وَلَا عِلَاجًا ❖ فَيَا مَنْ تَوَحَّدَ

بآن نه تعبی ونه علی پس ای آنکه یگانه شده

بِالْعِزِّ وَالْبَقَآءِ ❖ وَقَهَرَ عِبَادَهُ بِالْمَوْتِ

بغلبه بزرگ وپایندگی ومغلوب ساخته بندگان خود را بمرگ

وَالْفَنَاءِ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَتْقِيَاءِ

و فنا رحمت بفرست بر محمد و آل او که پرهیزکارانند

وَاسْتَمِعْ نِدَائِي وَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَ

و بشنو فریاد مرا و مستجاب کن دعای مرا و

حَقِّقْ بِفَضْلِكَ أَمَلِي وَرَجَائِي يَا خَيْرَ

یقین گردان بفضل خود آرزوی مرا و امیدمرا ای بهترین

مَنْ دُعِيَ لِكَشْفِ الضُّرِّ وَالْمَأْمُولِ مِنْ

کسی که خوانده شده بجهت برطرف شدن بدحالی و امید داشته شده از

كُلِّ عُسْرٍ وَيُسْرٍ بِكَ أَنْزَلْتُ حَاجَتِي فَلَا

هر دشواری و آسانی بتو فرود آورده ام حاجت خود را پس

تَرُدَّنِي مِنْ سَنِيِّ مَوَاهِبِكَ خَائِبًا يَا كَرِيمُ

برمگردان مرا از بزرگی بخشش خود در حالت ناامیدی ای بخشنده

يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا

ای بخشنده ای بخشنده نیست قدرت و نه قوتی مگر

و کلمه ... بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ متضمن اسم اعظم

خدای تعالی بخدای بلند مرتبه بزرگ ... است

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَىٰ مَا

خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا بنامهای تو که نیکو میند بحق آنچه

عَلِمْتُ مِنْهَا وَمَا لَمْ أَعْلَمْ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

دانسته ام از آنها و بحق آنچه ندانسته ام آنرا و سوال میکنم ترا بحق نام تو

الْأَعْظَمِ الَّذِي إِذَا دُعِيتَ بِهِ أَجَبْتَ وَ

که بزرگترین نامهاست آن نامی که هرگاه خوانده شوی تو بآن نام اجابت میکنی تو

إِذَا سُئِلْتَ بِهِ أَعْطَيْتَ فَإِنَّ لَكَ الْحَمْدَ لَا إِلٰهَ

هرگاه سوال کرده شوی بآن نام می بخشی تو پس بدرستی که برای تست ستایش نیست خدایی

إِلَّا أَنْتَ الْمَنَّانُ بَدِيعُ السَّمٰوَاتِ وَ

مگر تو که بخشنده و تازه به پدید آورنده آسمانها و

الْأَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

زمین تو ای صاحب بزرگی و بخشش

دعاء شريف [illegible] المخاوف

بسم الله الرحمن الرحيم

إن ربي الله الذي لا إله إلا هو عليه
توكلت وهو رب العرش العظيم حسبي
الله ونعم الوكيل ولا حول ولا قوة إلا بالله
العلي العظيم ما شاء الله كان وما لم يشأ
لم يكن أشهد أن الله على كل شيء قدير وأن

شرح دعای جلیل القدر
این دعاییست در محافظت
نمودن خود و احتراز کردن
از آفات و عاهات و بلیاترا
روایت کرده است ابو حمزه
ثمالی از حضرت امام محمد باقر
صلوات الله وسلامه علیه
و آنحضرت فرموده است که هر که
مداومت نماید بر این دعا [illegible]
چنانکه در آداب دعا است
اجتماع نمایند و امکان
و دعا اینست

الله قد أحاط بكل شيء علما وأحصى كل
شيء عددا اللهم إني أعوذ بك من شر نفسي
ومن شر كل دابة ربي آخذ بناصيتها
إن ربي على صراط مستقيم بسم الله
الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين الرحمن
الرحيم مالك يوم الدين إياك نعبد و
إياك نستعين اهدنا الصراط المستقيم
صراط الذين أنعمت عليهم غير المغضوب
عليهم ولا الضالين بسم الله الرحمن
الرحيم قل أعوذ برب الفلق من شر ما خلق

وَمِن شَرِّ غَاسِقٍ اِذَا وَقَبَ وَمِن شَرِّ النَّفّٰثٰتِ
فِي الْعُقَدِ وَمِن شَرِّ حَاسِدٍ اِذَا حَسَدَ
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ
النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ اِلٰهِ النَّاسِ مِن شَرِّ
الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ
النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ بِسْمِ اللّٰهِ
الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ اللّٰهُ الصَّمَدُ
لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُن لَّهُ كُفُوًا اَحَدٌ
اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَاْخُذُهُ سِنَةٌ
وَلَا نَوْمٌ لَّهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ

مَن ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ اِلَّا بِاِذْنِهِ يَعْلَمُ
مَا بَيْنَ اَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ
بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ اِلَّا بِمَا شَآءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ
السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَلَا يَؤُدُهُ حِفْظُهُمَا
وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لَا اِكْرَاهَ فِي الدِّينِ
قَد تَّبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَن يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ
وَيُؤْمِن بِاللّٰهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ
الْوُثْقٰى لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللّٰهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ
اللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِينَ اٰمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمٰتِ
اِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا اَوْلِيَآؤُهُمُ الطَّاغُوتُ

يخرجونهم من النور الى الظلمات اولئك
اصحاب النار هم فيها خالدون لو انزلنا
هذا القرآن على جبل لرايته خاشعا
متصدعا من خشية الله وتلك الامثال
نضربها للناس لعلهم يتفكرون
هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب و
الشهادة هو الرحمن الرحيم هو الله الذي لا
اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن
المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان
الله عما يشركون هو الله الخالق البارئ

المصور

المصور له الاسماء الحسنى يسبح له
ما في السموات والارض وهو العزيز
الحكيم ان ربكم الله الذي خلق السموات
والارض في ستة ايام ثم استوى على
العرش يغشي الليل النهار يطلبه حثيثا
والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره
الا له الخلق والامر تبارك الله رب
العالمين ادعوا ربكم تضرعا و
خفية انه لا يحب المعتدين ولا تفسدوا
في الارض بعد اصلاحها وادعوه خوفا

وَطَمَعًا اِنَّ رَحْمَتَ اللّٰهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَالصَّافَّاتِ

صَفًّا فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا فَالتَّالِيَاتِ

ذِكْرًا اِنَّ اِلٰهَكُمْ لَوَاحِدٌ رَبُّ السَّمٰوَاتِ

وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ

اِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةٍ الْكَوَاكِبِ

وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ لَا

يَسَّمَّعُونَ اِلَى الْمَلَاِ الْاَعْلٰى وَيُقْذَفُونَ مِنْ كُلِّ

جَانِبٍ دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ

اِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَاَتْبَعَهُ شِهَابٌ

ثَاقِبٌ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا

يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ

لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

يس وَالْقُرْاٰنِ الْحَكِيمِ اِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ

عَلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ

لِتُنْذِرَ قَوْمًا مَا اُنْذِرَ اٰبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ

لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلٰى اَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

اِنَّا جَعَلْنَا فِي اَعْنَاقِهِمْ اَغْلَالًا فَهِيَ اِلَى

الْاَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ

اَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَاَغْشَيْنَاهُمْ

فهم لا يبصرون ۞ وسواء عليهم ءانذرتهم
ام لم تنذرهم لا يؤمنون ۞ انما تنذر من
اتبع الذكر وخشى الرحمن بالغيب فبشره
بمغفرة واجر كريم ۞ قل ادعوا الله او ادعوا
الرحمن ايا ما تدعوا فله الاسماء الحسنى
ولا تجهر بصلوتك ولا تخافت بها وابتغ
بين ذلك سبيلا ۞ وقل الحمد لله الذى لم
يتخذ ولدا ولم يكن له شريك فى الملك
ولم يكن له ولى من الذل وكبره تكبيرا
ان فى خلق السموات والارض واختلاف

الليل والنهار لايات لاولى الالباب
الذين يذكرون الله قياما وقعودا و
على جنوبهم ويتفكرون فى خلق السموات
والارض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانك
فقنا عذاب النار ۞ ربنا انك من تدخل
النار فقد اخزيته وما للظالمين من
انصار ۞ ربنا اننا سمعنا مناديا ينادى
للايمان ان امنوا بربكم فامنا ربنا
فاغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا
مع الابرار ۞ ربنا واتنا ما وعدتنا على

رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا
تُخْلِفُ [illegible] الْمِيعَادَ
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَأَلْجَأْتُ
ظَهْرِي إِلَى اللّٰهِ وَمَا تَوْفِيقِي وَاعْتِصَامِي إِلَّا
بِاللّٰهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ وَمَا بِنَا
مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللّٰهِ وَمَا صَبْرِي إِلَّا بِاللّٰهِ
حَسْبِيَ اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ
النَّصِيرُ وَأَسْتَعِينُ بِاللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ إِنَّهُ
مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

أَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ وَأْتُونِي مُسْلِمِينَ وَرَفَعْنَاهُ
مَكَانًا عَلِيًّا وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا قَالَ
رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيْهِمَا
ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ
فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ وَعَلَى اللّٰهِ فَتَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ
مُؤْمِنِينَ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ
أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلّٰهِ مَا هٰذَا بَشَرًا إِنْ
هٰذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي
بِهِ أَسْتَخْلِصْهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ
إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ قَالُوا

أَتُحَدِّثُونَهُم بِمَا فَتَحَ اللهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُم
بِهِ عِندَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۞ يُحِبُّونَهُمْ
كَحُبِّ اللهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلّٰهِ ۞ وَمَن
يَعْتَصِم بِاللهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۞
قُل لَّن يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللهُ لَنَا هُوَ
مَوْلَانَا وَعَلَى اللهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۞
وَإِن يَمْسَسْكَ اللهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ
لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِن يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ
يُصِيبُ بِهِ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ
الرَّحِيمُ ۞ وَمَا مِن دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى

اللهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا
كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ۞ إِنِّي تَوَكَّلْتُ
عَلَى اللهِ رَبِّي وَرَبِّكُم مَا مِن دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ
آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۞
وَكَأَيِّن مِن دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللهُ
يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۞
مَا يَفْتَحِ اللهُ لِلنَّاسِ مِن رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ
لَهَا وَمَا يُمْسِكْ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِن بَعْدِهِ وَهُوَ
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۞ وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ
السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُم

مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ اِنْ اَرَادَنِيَ اللّٰهُ
بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ اَوْ اَرَادَنِي
بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ
حَسْبِيَ اللّٰهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ
وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللّٰهُ بِبَدْرٍ وَاَنْتُمْ اَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا
اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ وَمَا النَّصْرُ اِلَّا
مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ بَلِ اللّٰهُ مَوْلٰيكُمْ
وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ
الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا اَشْرَكُوا بِاللّٰهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ
بِهِ سُلْطَانًا ثُمَّ اَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ

امنة

اَمَنَةً نُعَاسًا يَغْشٰى طَائِفَةً مِنْكُمْ وَطَائِفَةٌ
قَدْ اَهَمَّتْهُمْ اَنْفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللّٰهِ غَيْرَ
الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ اِنْ يَنْصُرْكُمُ اللّٰهُ فَلَا
غَالِبَ لَكُمْ وَاِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي
يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ
وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِاَعْدَائِكُمْ وَكَفٰى بِاللّٰهِ وَلِيًّا
وَكَفٰى بِاللّٰهِ نَصِيرًا رَبَّنَا اَخْرِجْنَا مِنْ هٰذِهِ
الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ اَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ
وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا وَتَوَكَّلْ
عَلَى اللّٰهِ وَكَفٰى بِاللّٰهِ وَكِيلًا عَسَى اللّٰهُ

أَنْ يَكُفَّ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللّٰهُ أَشَدُّ
بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنْكِيلًا ۝ إِنَّ رَبَّكُمُ
اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ فِي
سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي
اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ
وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا
لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ
عَلَى اللّٰهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَ
بَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ
إِنَّ وَلِيِّيَ اللّٰهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ

يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ ۝ إِنْ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ
جَاءَكُمُ الْفَتْحُ وَإِنْ تَنْتَهُوا فَهُوَ خَيْرٌ
لَكُمْ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللّٰهُ هُوَ الَّذِي أَيَّدَكَ
بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ
لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلَّفْتَ
بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ
إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ
اللّٰهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝ ثُمَّ نُنَجِّي
الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا
ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ آمَنُوا كَذٰلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا

نُنجِي الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ
عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ۝ فَاللَّهُ
خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ۝ وَ
لَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا
قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِن تَرَنِ أَنَا أَقَلَّ مِنكَ مَالًا وَ
وَلَدًا ۝ وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّي
وَلِتُصْنَعَ عَلَىٰ عَيْنِي وَنُوحًا إِذْ نَادَىٰ مِن
قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ
الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ۝ وَنَصَرْنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ
الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا

قوم

قَوْمَ سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ ۝ وَدَاوُدَ
وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَشَتْ
فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ ۝
فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا
وَعِلْمًا وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَ
الطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ ۝ وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ
لَبُوسٍ لَّكُمْ لِتُحْصِنَكُم مِّن بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنتُمْ شَاكِرُونَ ۝
وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنتَ
أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ۝ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا
مَا بِهِ مِن ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ

رحمة من عندنا وذكرى للعابدين ۝ وذا النون
اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر عليه
فنادى في الظلمات ان لا اله الا انت
سبحانك اني كنت من الظالمين ۝ فاستجبنا
له ونجيناه من الغم وكذلك ننجي المؤمنين ۝
وان الله على نصرهم لقدير ۝ ولينصرن الله من
ينصره ان الله لقوي عزيز ۝ لينصرنه الله
ان الله لعفو غفور ۝ واعتصموا بالله هو
مولكم ۝ نعم المولى ونعم النصير فافتح
۝ بيني وبينهم فتحا ونجني ومن معي من المؤمنين

وكفى

وكفى بربك هاديا ونصيرا ۝ رب انصرني
على القوم المفسدين ۝ وجعل بينكم
مودة ورحمة فانتقمنا من الذين اجرموا
وكان حقا علينا نصر المؤمنين ۝ ورد
الله الذين كفروا بغيظهم لم ينالوا خيرا
وكفى الله المؤمنين القتال وكان الله
قويا عزيزا ۝ وكفى بالله حسيبا ۝ الحمد
لله الذي اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور
شكور ۝ ان الله يمسك السموات والارض
ان تزولا ولئن زالتا ان امسكهما من

احد من بعده انه كان حليما غفورا
رب اغفر لي وهب لي ملكا لا ينبغي
لاحد من بعدي انك انت الوهاب جنات
عدن مفتحة لهم الابواب ان هذا لرزقنا
ما له من نفاد وينجي الله الذين اتقوا بمفازتهم
لا يمسهم السوء ولا هم يحزنون حتى اذا
جاءوها وفتحت ابوابها وقال لهم خزنتها
سلام عليكم طبتم فادخلوها خالدين
وافوض امري الى الله ان الله بصير بالعباد
ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر عسى الله

ان يجعل بينكم وبين الذين عاديتم
منهم مودة والله قدير والله غفور رحيم
وان قوتلتم لننصرنكم لانتم اشد
رهبة في صدورهم ومن يتوكل على الله
فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله
لكل شيء قدرا وفتحت السماء فكانت
ابوابا بسم الله الرحمن الرحيم انا فتحنا
لك فتحا مبينا ليغفر لك الله ما تقدم
من ذنبك وما تاخر ويتم نعمته عليك
ويهديك صراطا مستقيما وينصرك

الله نصرا عزيزا ۝ واخرى تحبونها نصر
من الله وفتح قريب ۝ لا تخف انك من الامنين
لا تخف نجوت من القوم الظالمين ۝ لا
تخافا انني معكما اسمع وارى ۝ لا تخاف
دركا ولا تخشى ۝ لا تخف ولا تحزن انا
منجوك واهلك ۝ لا تخف اني لا يخاف لدي
المرسلون ۝ والقيت عليك محبة مني
ولتصنع على عيني ۝ سيجعل لهم الرحمن ودا
۝ ولقد سبقت كلمتنا لعبادنا المرسلين
انهم لهم المنصورون وان جندنا لهم

الغالبون

الغالبون فوقيهم الله شر ذلك اليوم و
لقيهم نضرة وسرورا ولا حول ولا قوة
الا بالله العلي العظيم

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم اني اعوذ بك من صلوة لا ترفع
ومن دعاء لا يسمع ومن قلب لا يخشع و
من عمل لا ينفع ومن بطن لا يشبع ومن
عين لا تدمع واسئلك الدرجات العلى
من الجنة امين ۝ اللهم اني اعوذ بك
من غنى يطغيني ومن فقر ينسيني ومن عمل

يجزيني ومن هوى يرديني ومن قلب يعصيني
واسئلك الدرجات العلى من الجنة امين
اللهم اني اسئلك فما صائما وظهرا قائما
وشكرا دائما وفؤادا عالما وعيشا
سالما واسئلك الدرجات العلى من الجنة
امين اللهم اغنني بالحلال عن الحرام
وبالصحة عن الاسقام وبالبر عن الاثام و
باليقين عن الاوهام وبالنور عن الظلام و
اسئلك الدرجات العلى من الجنة امين
اللهم انت ذو العز والكبرياء فاطر

الارض والسماء سابغ النعماء عظيم
الالاء واسئلك الدرجات العلى من
الجنة امين اللهم لا تخيب رجائي
ولا تجهد بلائي ولا تسئ قضائي ولا تشمت
بي اعدائي واسئلك الدرجات العلى
من الجنة امين اللهم اني اسئلك صلوة
بالاسحار وصياما بالنهار ومجانبة الاشرار
وعملا لأدخل به الجنة وتبعد من النار
واسئلك الدرجات العلى من الجنة
امين اللهم استخرج حقي ووسع في

وصحح خلقي وحسن خلقي وصحح نطقي
واسئلك الدرجات العلى من الجنة
امين اللهم ارفع ذكري واشرح
صدري ويسر لي امري واحطط وزري
ووسع [illegible] واسئلك الدرجات العلى
من الجنة امين اللهم اني اسئلك
خير ما عمل وخير ما قيل وخير ما حمل
وخير ما نقل وخير ما سئل واسئلك
الدرجات العلى من الجنة امين اللهم
اني اسئلك خير المسئلة والدعاء وخير

القدر

القدر والقضاء وخير الاخرة و
الدنيا وخير الممات والمحيا وخير
المستقر والماوى واسئلك الدرجات
العلى من الجنة امين اللهم اني اعوذ
بك من الشرك والنفاق والشك والشقاق
ومساوي الاخلاق ومضايق الارزاق
والنار يوم التلاق واسئلك الدرجات
العلى من الجنة امين اللهم اني اسئلك
صدقا وصبرا وتواضعا وذكرا وصلوة
وشكرا وعافية وعمرا وجاها وقدرا

واسئلك الدرجات العلى من الجنة
امين ۞ اللهم اني اسئلك جد الاجتهاد
وورع الاقتصاد وحسن الاستعداد و
الاخذ بالسداد وترك الفساد واسئلك
الدرجات العلى من الجنة امين ۞

[illegible]

ان في خلق السموات والارض واختلاف
الليل والنهار لايات لاولي الالباب الذين
يذكرون الله قياما وقعودا وعلى جنوبهم
ويتفكرون في خلق السموات والارض

ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانك
فقنا عذاب النار ۞ ربنا انك من تدخل
النار فقد اخزيته وما للظالمين من انصار
ربنا اننا سمعنا مناديا ينادي للايمان
ان امنوا بربكم فامنا ربنا فاغفر
لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا
مع الابرار ۞ ربنا واتنا ما وعدتنا على
رسلك ولا تخزنا يوم القيامة انك لا
تخلف الميعاد دعاء [illegible] اللهم اني اسئلك
العفو والعافية والمعافاة في الدنيا والاخرة

[illegible]

از ... تعقیبات صلوات [illegible]

تعقیب نماز صبح

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَخْيَارِ الْأَتْقِيَاءِ

ورحمت کند خدا بر محمد وآل او که برگزیدگانند پاکیزگانند

الْأَبْرَارِ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ

نیکانند آنکسانی که برده است خدا از ایشان پلیدی را و پاکیزه گردانیده ایشان را

تَطْهِيرًا وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللهِ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللهِ

پاکیزه گردانیدنی و واگذاشتم امر خود را بسوی خدا و نیست توفیق من مگر بخدا

عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَمَنْ

بر او توکل کردم و اوست پروردگار عرش بزرگ و کسی که

يَتَوَكَّلْ عَلَى اللهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللهَ بَالِغُ أَمْرِهِ

که توکل میکند بر خدا پس خدا بس است او را بدرستی که خدا رساننده است امر خود را

قَدْ جَعَلَ اللهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا مَا شَاءَ اللهُ

بدرستی که گردانیده است خدا از برای هر چیزی اندازه آنچه را خواسته خدا

كَانَ حَسْبِيَ اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَأَعُوذُ بِاللهِ

شده است کافیست مرا خدا و خوب کارگزاریست و پناه می برم بخدای

السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَمِنْ هَمَزَاتِ

شنوای دانا از شر شیطان رانده شده و از وسوسهای

الشَّيَاطِينِ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ وَلَا

شیاطین و پناه می برم بتو ای پروردگار از اینکه حاضر شوند مرا بدی و نیست

حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ

گردیدنی و نه توانائی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ سپاس برای خداوند پروردگار

الْعَالَمِينَ حَمْدًا كَثِيرًا كَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَمُسْتَحِقُّهُ

عالمیان سپاس بسیار چنانچه او سزاوار است و شایسته آنست

وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله على

وچنانچه شایسته شرف ذات و غلبه بزرگی او بر

إدبار الليل وإقبال النهار الحمد لله الذي

پشت کردن شب و روی آوردن روز سپاس مر خدای را که

أذهب الليل مظلما بقدرته وجاء بالنهار

برد شب را در حالتیکه تیره بود بقدرت خود و آورد روز را

مبصرا برحمته خلقا جديدا ونحن في عافيته

در حالتیکه روشن است برحمت خود آفریده تازه و در حال آنکه ما هستیم در عافیت او

وسلامته وستره وكفايته وجميل صنعه

و سلامت او و پرده او و نگاه داشتن او و خوبی ساختن او

مرحبا بخلق الله الجديد واليوم العتيد و

مرحبا باد بآفریده خدا که تازه است و روز حاضر شده و

الملك الشهيد مرحبا بكما من ملكين كريمين

و فرشته گواه مرحبا بشما از دو فرشته که کریمند

وحياكما

وحياكما الله من كاتبين حافظين اشهدكما

و سلام فرستد بشما خدا از دو نویسنده که حفظ کننده اند گواه میگیرم شما را

فاشهدا لي واكتبا شهادتي هذه معكما

پس گواهی بدهید برای من و بنویسید گواهی مرا این با خودتان

حتى ألقى بها ربي أني أشهد أن لا إله إلا الله

تا اینکه ملاقات کنم با آن پروردگار خود را اینکه گواهی میدهم که نیست خدایی مگر خدای

وحده لا شريك له وأشهد أن محمدا عبده

یگانه نیست انبازی برای او و گواهی میدهم اینکه محمد بنده اوست

ورسوله أرسله بالهدى ودين الحق ليظهره

و رسول اوست فرستاده او را در حالتی که متلبس بود بهدایت و دین حق از برای اینکه غالب گرداند او را

على الدين كله ولو كره المشركون وأن الدين

بر دین همه آن و هرچند ناخوش داشته باشند مشرکان و اینکه دین

كما شرع والإسلام كما وصف والقول

چنانست که خدا قرار داده و دین اسلام چنانست که بیان کرده و قول

كما حدّث وانّ الله هو الحقّ المبين وانّ

چنانست كه بيان كرده واينكه خدا اوست وبس حق آشكار واينكه

الرّسول حقّ والقرآن حقّ والموت حقّ و

رسول حق است وقرآن حق است ومردن حق است و

مسآءلة منكر ونكير في القبر حقّ والبعث

سؤال منكر ونكير در قبر حق است وبرانگيختن

حقّ والصّراط حقّ والميزان حقّ والجنّة حقّ

حق است وصراط حق است وترازوی اعمال عباد حق است وبهشت حق است

والنّار حقّ والسّاعة اٰتية لا ريب فيها

وآتش حق است وقيامت آينده است نيست شكى در آن

وانّ الله يبعث من في القبور فصلّ على محمّد و

واينكه خدا برمى انگيزد هركه را در قبرهاست پس رحمت فرست بر محمد و

آل محمّد واكتب اللّهمّ شهادتي عندك

آل محمد وبنويس خداوندا گواهى مرا نزد خود

مع شهادة اولي العلم بك يا ربّ ومن ابى ان

با گواهى صاحبان علم بتو اى پروردگار من وهركه اباكند كه

يشهد لك بهذه الشّهادة وزعم انّ

گواهى دهد براى تو باين شهادت وگمان كند كه

لك ندّا او لك ولدا او لك صاحبة او لك

از براى تو مانندى باشد يا از براى تو فرزندى يا از براى تو همسرى يا از براى تو

شريكا او معك خالقا او رازقا لا اله

انبازى باشد يا با تو خلق كننده يا روزى دهنده باشد نيست خدائى

الّا انت تباركت وتعاليت عمّا يقول الظّالمون

مگر تو بزرگى تو وبرترى از آنچه ميگويند ستمكاران

علوّا كبيرا فاكتب اللّهمّ شهادتي مكان

برترى بزرگ پس بنويس خداوندا گواهى مرا بجاى

شهادتهم واحيني على ذلك وامتني عليه

گواهى ايشان وزنده دار مرا بر اين شهادت وبميران مرا بر آن

وابعثني عليه وادخلني برحمتك في عبادك

وبرانگيزان مرا بر آن ودرآور مرا برحمت خود درميان بندگان خود

الصالحين اللهم صل على محمد وال محمد

كه شايستگانند خداوندا درود فرست بر محمد وآل محمد

وصبحني منك صباحا صالحا مباركا

ودر آور صباح كن مرا از جانب خود صباحي شايسته بابركت

ميمونا لا خازيا ولا فاضحا اللهم صل على

صاحب ميمنت نه باخزي ونه بارسوايي خداوندا درود فرست بر

محمد واله واجعل اول يومي هذا صلاحا

محمد وآل او وبگردان اول روز مرا اين شايستگي

واوسطه فلاحا واخره نجاحا واعوذ بك

وميان آنرا رستگاري وآخر آنرا مطلب رسيدن وپناه ميبرم بتو

من يوم اوله فزع واوسطه جزع واخره

از روزي كه اول آن ترسناكي وميان آن جزع وآخر آن

وجع

وجع اللهم صل على محمد واله وارزقني

دردناكي باشد خداوندا درود فرست بر محمد وآل او وروزي من كن

خير يومي هذا وخير ما فيه وخير ما قبله

بهترين روز مرا اين وبهترين آنچه در آنست وبهترين آنچه پيش از آن

وخير ما بعده واعوذ بك من شره وشر

وبهترين آنچه بعد از آنست وپناه ميبرم بتو از شر آن وشر

ما فيه وشر ما قبله وشر ما بعده اللهم

آنچه در آنست وشر آنچه پيش از آن وشر آنچه بعد از آنست خداوندا

صل على محمد واله وافتح لي باب كل خير فتحته

درود فرست بر محمد وآل او وبگشا براي من در هر خيري را كه گشودي آنرا

على احد من اهل الخير ولا تغلقه عني ابدا

بر روي كسي از اهل خير ومبند آنرا بر من هرگز

واغلق عني باب كل شر فتحته على احد

وببند بر من در هر شري را كه گشوده بر كسي

من اهل الشر ولا تفتحه علي ابدا اللهم

از اهل شر ومکش آنرا برمن هرگز خداوندا

صل على محمد واله واجعلني مع محمد وال

درود فرست بر محمد وآل او وگردان مرا با محمد وآل

محمد في كل موطن ومشهد ومقام ومحل

محمد در همه جایگاهی وهر محل حضوری وهر مقامی وهر جای فرود آمدنی

ومرتحل وفي كل شدة ورخاء وعافية و

وکوچ کردنی ودرهر سختی وفراخی وعافیتی و

بلاء اللهم صل على محمد واله واغفر لي

بلایی خداوندا رحمت فرست بر محمد وآل او وبیامرز مرا

مغفرة عزما جزما لا تغادر لي ذنبا ولا

آمرزیدنی لازم وواجب که باقی نگذاری ازبرای من گناهی ونه

خطيئة ولا اثما اللهم اني استغفرك

خطایی ونه معصیتی خداوندا بدرستی که من طلب آمرزش میکنم ترا

من كل ذنب تبت اليك منه ثم عدت

از هر گناهی که توبه کردم بسوی تو ازآن پس عود کردم

فيه واستغفرك لما اعطيتك من نفسي ثم

درآن وطلب آمرزش میکنم ترا ازبرای آنچه داده ام بتو از نفس خود بعد ازآن

لم اف لك به واستغفرك لما اردت به

وفا نکردم ازبرای تو بآن وطلب آمرزش میکنم ترا ازبرای آنچه اراده کرده بودم بآن

وجهك فخالطه ما ليس لك فصل على محمد

ذات ترا پس آمیخته شده بود بآن آنچه نبود ازبرای تو پس رحمت فرست بر محمد

واله واغفر لي يا رب ولوالدي وما ولدا وما

وآل او وبیامرز مرا ای پروردگار من وازبرای پدر ومادر من واولادی که ازایشان بهم رسیده

ولدت وما توالدوا من المؤمنين والمؤمنات

واولاد من وآنچه توالد وتناسل نموده اند از مومنین ومومنات

الاحياء منهم والاموات ولاخواننا الذين

زندگان ازایشان ومردگان وازبرای برادران ما آنانکه

سَبَقُونَا بِالْاِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا

پیشی گرفته اند مارا بایمان و مگردان در دلهاے ما کینه

لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا اِنَّكَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ

از برای آنکسانی که ایمان آورده اند ای پروردگار ما بدرستی که تو مهربان صاحب رحمی سپاس مر خدا یرا

اَلَّذِي قَضٰى عَنِّي صَلٰوةً كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ

که ادا کرد از من نمازی را که بود بر مؤمنان

كِتَابًا مَوْقُوتًا وَلَمْ يَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ

فرضی وقت قرار داده شده و نگردانید مرا از جمله غافلان

تعقیب بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ نماز ظهر

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

يَا اَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَيَا اَبْصَرَ النَّاظِرِينَ وَيَا

ای شنواترین شنوندگان وای بیناترین بینندگان وای

اَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا اَجْوَدَ الْاَجْوَدِينَ وَيَا

زود حساب ترین حساب کنندگان وای بخشنده ترین بخشندگان وای

اکر

تعقیب نماز ظهر

اَكْرَمَ الْاَكْرَمِينَ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

کرم کننده ترین کرم کنندگان درود فرست بر محمد وآل محمد

كَاَفْضَلِ وَاَجْزَلِ وَاَوْفٰى وَاَكْمَلِ وَاَحْسَنِ

مثل افزونتر و بزرگتر و رساتر و کاملتر و نیکوتر

وَاَجْمَلِ وَاَكْثَرِ وَاَطْهَرِ وَاَزْكٰى وَاَنْوَرِ وَاَعْلٰى

و آراسته تر و بیشتر و پاکتر و افزاینده تر و روشن تر و برتر

وَاَبْهٰى وَاَسْنٰى وَاَنْمٰى وَاَدْوَمِ وَاَعَمِّ وَاَبْقٰى مَا

و درخشان تر و بلندتر و نشو و نما کننده تر و دایم تر و شاملتر و پاینده تر آنچه

صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَمَنَنْتَ وَسَلَّمْتَ وَتَرَحَّمْتَ

رحمت فرستادی و برکت دادی و انعام کردی و سلام فرستادی و رحمت کردی

عَلٰى اِبْرٰهِيمَ وَآلِ اِبْرٰهِيمَ اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اَللّٰهُمَّ

بر حضرت ابرهیم و آل ابرهیم بدرستی که تو ستوده شده بزرگواری خداوندا

اُمْنُنْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مَنَنْتَ عَلٰى مُوسٰى

انعام کن بر حضرت محمد و آل محمد چنانچه انعام کردی بر حضرت موسی

وَهٰرُونَ وَسَلِّمْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا سَلَّمْتَ

و هارون وسلام فرست بر محمد وآل محمد چنانچه سلام فرستادی

عَلٰى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ وَاَوْرِدْ عَلَيْهِ

بر نوح درمیان عالمیان خداوندا دوارد ساز برو

مِنْ ذُرِّيَّتِهِ وَاَزْوَاجِهِ وَاَهْلِ بَيْتِهِ وَاَصْحَابِهِ وَ

از فرزندان او وزنان او واهل بیت او واصحاب او و

اَتْبَاعِهِمْ مَنْ تَقَرُّ بِهِمْ عَيْنُهُ وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ وَ

پیروان او کسی که خنک شود بایشان چشم او وبگردان مارا ازجملهٔ ایشان و

مِمَّنْ تَسْقِيهِ بِكَاسِهِ وَتُورِدُهُ حَوْضَهُ وَ

ازکسانی که آب میدهند انها بجام او ووارد میسازی انهارا برحوض او و

اُحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ وَاجْعَلْنَا تَحْتَ لِوَائِهِ وَاَدْخِلْنَا

حشر کن مارا درمیان گروه الحضرت وبگردان مارا درزیر علم او وداخل کن مارا

فِي كُلِّ خَيْرٍ اَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ

در هر خیری که داخل کردهٔ درآن محمد وآل محمد را

واخرجنا

وَاَخْرِجْنَا مِنْ كُلِّ سُوءٍ اَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا

وبیرون بر مارا از هر بدی که بیرون بردهٔ بازآن محمد

وَآلَ مُحَمَّدٍ وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ آلِ مُحَمَّدٍ طَرْفَةَ

وآل محمدرا وجدایی منه ازمیانهٔ ما ومیانهٔ آل محمد بقدر چشم

عَيْنٍ اَبَدًا وَلَا اَقَلَّ مِنْ ذٰلِكَ وَلَا اَكْثَرَ اَللّٰهُمَّ

برهم زدنی هرگز ونه کمتر ازآن ونه بیشتر ازآن بارخدایا

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي مَعَهُمْ فِي

رحمت بفرست بر محمد وآل محمد وبگردان مرا باایشان در

كُلِّ عَافِيَةٍ وَبَلَاءٍ وَاجْعَلْنِي مَعَهُمْ فِي كُلِّ

هر عافیتی وبلایی وبگردان مرا باایشان در هر

شِدَّةٍ وَرَخَاءٍ وَاجْعَلْنِي مَعَهُمْ فِي كُلِّ اَمْنٍ وَ

سختی ونرمی وبگردان مرا باایشان در هر ایمنی و

خَوْفٍ وَاجْعَلْنِي مَعَهُمْ فِي كُلِّ مَثْوًى وَمُنْقَلَبٍ

ترسی وبگردان مرا باایشان در هر قرارگاهی وجای بازگشتنی

اللهم احيني محياهم وامتني مماتهم واجعلني

بار خدایا زنده دار مرا مثل زندگی ایشان و بمیران مرا مثل مردن ایشان و بگردان مرا

معهم في المواقف كلها واجعلني بهم عندك

با ایشان در جایگاه همه آنها و بگردان مرا بوسیله ایشان نزد خود

وجيها في الدنيا والآخرة ومن المقربين اللهم

روشناس در دنیا و آخرت و از جمله نزدیکان خداوندا

صل على محمد وعلى آل محمد واكشف عني

رحمت بفرست بر محمد و بر آل محمد و برطرف کن از من

بهم كل كرب ونفس عني بهم كل هم وفرج

بسبب ایشان هر اندوهی و زایل کن از من بسبب ایشان هر همی را و دفع کن

عني بهم كل غم واكفني بهم كل خوف و

از من بسبب ایشان هر غمی را و کفایت از برای من بسبب ایشان هر بیمی را و

اصرف عني بهم مقادير البلاء وسوء القضاء

بگردان از من بسبب ایشان اندازهای بلا را و بدی قضا را

و درک

ودرك الشقاء وشماتة الاعداء اللهم

و دریافتن بدبختی را و شماتت دشمنان را بار خدایا

صل على محمد وآل محمد واغفر لي ذنبي وطيب

رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بیامرز از برای من گناه مرا و پاکیزه کن

لي كسبي وقنعني بما رزقتني وبارك لي

برای من کسب مرا و قانع ساز مرا بآنچه روزی داده مرا و برکت ده از برای من

فيه ولا تذهب بنفسي الى شيء صرفته عني

در آن و مبر نفس مرا بسوی چیزی که گردانیده تو او را از من

اللهم اني اعوذ بك من دنيا تمنع خير الآخرة

بار خدایا بدرستی که من پناه میبرم بتو از دنیایی که منع میکند خیر آخرت را

ومن عاجل يمنع خير الآجل وحياة تمنع

و حاضری که منع میکند خیر آینده را و زندگی که منع میکند

خير الممات وامل يمنع خير العمل اللهم اني

خیر مردن را و آرزویی که منع میکند خیر عمل را بار خدایا بدرستی که من

اَسْئَلُكَ الصَّبْرَ عَلىٰ طاعَتِكَ وَالصَّبْرَ عَنْ

سؤال میکنم از تو شکیبایی را بر طاعت تو وشکیبایی را از

مَعْصِيَتِكَ وَالْقِيامَ بِحَقِّكَ وَاَسْئَلُكَ

نافرمانی تو وبپاداشتن حق تو وسؤال میکنم از تو

حَقائِقَ الْاِيمانِ وَصِدْقَ الْيَقِينِ فِي الْمَواطِنِ

حقیقتهای ایمان را وراستی یقین را در موطنها

كُلِّها وَاَسْئَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعافِيَةَ وَ

همهٔ آنها وطلب میکنم از تو درگذشتن وعافیت و

الْمُعافاتَ فِي الدِّينِ وَالدُّنْيا وَالْاٰخِرَةِ عافِيَةَ

معافات را در دین ودنیا وآخرت عافیت

الدُّنْيا مِنَ الْبَلاءِ وَعافِيَةَ الْاٰخِرَةِ مِنَ الشَّقاءِ

دنیا از بلا وعافیت آخرت از بدبختی

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ الْعافِيَةَ وَتَمامَ الْعافِيَةِ

بارخدایا بدرستی که من سؤال میکنم از تو عافیت را وتمامی عافیت را

وَدَوامَ الْعافِيَةِ وَالشُّكْرَ عَلَى الْعافِيَةِ

و دوام بودن عافیت وشکر بر عافیت را

يا وَلِيَّ الْعافِيَةِ وَاَسْئَلُكَ الظَّفَرَ وَالسَّلامَةَ

ای بخشندهٔ عافیت وطلب میکنم از تو ظفر برمرام وسلامتی از آفات

وَحُلُولَ دارِ الْكَرامَةِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِي

وفرود آمدن در خانهٔ کرامت را بارخدایا بگردان برای من

فِي صَلوٰتِي وَدُعائِي رَهْبَةً مِنْكَ وَرَغْبَةً

در نماز من ودعای من ترسی از تو ورغبتی

اِلَيْكَ وَراحَةً تَمُنُّ بِها عَلَيَّ اَللّٰهُمَّ لا تَحْرِمْنِي

بسوی تو وراحتی که انعام میکنی بآن برمن بارخدایا محروم مگردان مرا

سَعَةَ رَحْمَتِكَ وَسُبُوغَ نِعْمَتِكَ وَشُمُولَ

از فراخی رحمت خود وتمامی نعمت خود وشامل بودن

عافِيَتِكَ وَجَزِيلَ عَطاياكَ وَمِنَحَ مَواهِبِكَ

عافیت خود وعظیم عطاهای خود ورزشهای بخششهای خود

لسوء ما عندي ولا تجازني بقبيح عملي ولا
بسبب بدی آنچه نزد منست و پاداش مده مرا بعمل زشت من و
تصرف وجهك الكريم عني اللهم لا
گردان روی رحمت کریم خود را از من بار خدایا
تحرمني وانا ادعوك ولا تخيبني وانا ارجوك
محروم مگردان مرا در حال آنکه من میخوانم ترا و نومید مگردان مرا در حال آنکه امید دارم ترا
ولا تكلني الى نفسي طرفة عين ابدا ولا الى
و وامگذار مرا بسوی نفس من بقدر چشم برهم زدن هرگز و نه بسوی
احد من خلقك فيحرمني ويستاثر علي اللهم
احدی از آفریدگان خود پس محروم گرداند مرا و اختیار کند بر من بار خدایا
انك تمحو ما تشاء وتثبت وعندك ام
بدرستی که تو محو میکنی آنچه را که میخواهی و ثبت میکنی و نزد تست لوح
الكتاب اسئلك بال يس خيرتك
محفوظ سؤال میکنم از تو بحق آل پیغمبر که برگزیدگان تواند

من خلقك وصفوتك من بريتك واقدمهم
از خلق تو و پسندیدگان تواند از آفریدگان تو و پیش میدارم ایشان را
بين يدي حوائجي ورغبتي اليك اللهم
پیش روی حاجتهای خود و رغبت من بسوی تو بار خدایا
ان كنت كتبتني عندك في ام الكتاب
اگر بوده باشی تو که چنین که نوشته باشی مرا در لوح محفوظ
شقيا محروما مقترا علي في الرزق فامح من
بدبخت و محروم تنگ گرفته شده بر من در روزی پس محو کن از
ام الكتاب شقائي وحرماني واثبتني
لوح محفوظ بدبختی مرا و محرومی مرا و ثبت کن مرا
عندك سعيدا مرزوقا فانك تمحو ما تشاء
نزد خود نیکبخت روزی داده شده پس بدرستی که تو محو میکنی آنچه را که میخواهی
وتثبت وعندك ام الكتاب اللهم
و ثبت میکنی و نزد تست لوح محفوظ بار خدایا

اِنّی لِما اَنزَلتَ اِلَیّ مِن خَیرٍ فَقیرٌ وَاَنا مِنکَ

بدرستی که من برای آنچه فرستادهٔ بسوی من از خیر محتاجم ومن از تو

خائفٌ وَبِکَ مُستَجیرٌ وَاَنا حَقیرٌ مِسکینٌ

ترسانم وبتو پناه جوینده ام ومن خوار وپریشان حالم

اَدعوکَ کَما اَمَرتَنی فَاستَجِب لی کَما وَعَدتَنی

میخوانم ترا چنانچه امر کردهٔ مرا پس مستجاب کن برای من چنانچه وعده فرمودهٔ مرا

اِنَّکَ لا تُخلِفُ المیعادَ یا مَن قالَ اُدعونی

بدرستی که تو خلف وعده نمیکنی ای کسی که فرمودهٔ که بخوانید مرا

اَستَجِب لَکُم نِعمَ المُجیبُ وَنِعمَ الوَکیلُ اَنتَ یا

که مستجاب میکنم خوب اجابت کنندهٔ تو ونیکو وکیل تو ای

سَیِّدی وَنِعمَ الرَّبُّ وَنِعمَ المَولی وَبِئسَ

آقای من وخوب پروردگاری وخوب مولایی وبد

العَبدُ اَنا وَهذا مَقامُ العائذِ بِکَ مِنَ النّارِ

بنده ام من واین جایگاه کسیست که پناه گیرندهست بتو از آتش

یا فارج

یا فارِجَ الهَمِّ وَیا کاشِفَ الغَمِّ وَیا مُجیبَ

ای گشایندهٔ اندوه وای زایل کنندهٔ غم وای اجابت کنندهٔ

دَعوَةِ المُضطَرّینَ وَیا رَحمنَ الدُّنیا وَالآخِرَةِ

دعای درماندگان ولای بخشایندهٔ دنیا وآخرت

وَرَحیمَهُما اِرحَمنی رَحمَةً تُغنینی بِها عَن

ورحم کنندهٔ دنیا وآخرت رحم کن مرا رحمتی که بی نیاز گردم بسبب آن از

رَحمَةِ مَن سِواکَ وَاَدخِلنی بِرَحمَتِکَ فی عِبادِکَ

رحمت هر کسی که سوای تست وداخل کن مرا برحمت خود در بندگان

الصّالِحینَ اَلحَمدُ لِلّهِ الَّذی قَضی عَنّی صَلوةً

شایستهٔ خود سپاس از برای خداوندیست که ادا کرد از من نمازی که

کانَت عَلَی المُؤمِنینَ کِتاباً مَوقوتاً بِرَحمَتِکَ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ

بود بر مؤمنان فرضی معین برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

تعقیب نماز عصر بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ

ابتدا میکنم بنام خدای بخشایندهٔ مهربان

تعقیب نماز عصر

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على

سپاس از برای خداوند پروردگار عالمیانست ودرود فرستد خدا بر

محمد خاتم النبيين وعلى آله الطاهرين اللهم

محمد که خاتم پیغمبرانست وبر آل او که پاکانند خداوندا

صل على محمد وآل محمد في الليل اذا يغشى و

درود فرست بر محمد وآل محمد در شب چون بپوشاند و

صل على محمد وآله في النهار اذا تجلى وصل

درود فرست بر محمد وآل او در روز چون ظاهر شود ودرود فرست

على محمد وآله في الآخرة والاولى وصل على

بر محمد وآل او در آخرت ودنیا ودرود فرست بر

محمد وآله ما لاح الجديدان وما اطرد الخافقان

محمد وآل او که ظاهر وهویدا شوند دو تازه وما دام که دایم باشد مشرق ومغرب

وما حدى الحاديان وما عسعس ليل وما

وما دام که رانند دو راننده وما دام که بیاید شب وما دام

اذ ادلهم ظلام وما تنفس صبح وما اضاء فجر

که تاریکی بنهایت رسیده باشد وما دام که نفس کشد صبح وما دام که روشن شود فجر

اللهم اجعل محمدا خطيب وفد المؤمنين

خداوندا بگردان محمد را خطیب گروه مؤمنان که وارد شوند

اليك والمكسو حلل الامان اذا وقف

بسوی تو وپوشیده شده جامهای امان چون بایستد

بين يديك والناطق اذا خرست الالسن

در برابر تو وگویا چون گنگ شوند زبانها

بالثناء عليك اللهم اعل منزلته وارفع

بستایش بر تو خداوندا بلند گردان منزلت او را وبالا بر

درجته واظهر حجته وتقبل شفاعته و

درجه او را وظاهر گردان حجت او را وقبول کن شفاعت او را و

ابعثه المقام المحمود الذي وعدته واغفر

برانگیزان او را در منزل پسندیده که وعده کرده تو او را وبیامرز

له ما احدث المحدثون من امته بعده اللهم

ازبرای او آنچه را احداث کردند احداث کنندگان از امت او بعد از او بارخدایا

بلغ روح محمد وال محمد منی التحیة و

برسان روح محمد وال محمد را از من درود و

السلام واردد علی منهم تحیة کثیرة وسلاما

سلام ورد یاد کن برمن از ایشان تحیت بسیار وسلام

یاذا الجلال والاکرام والفضل والانعام

ای صاحب بزرگی وصاحب کرم وصاحب فضل وانعام

اللهم انی اعوذ بک من مضلات الفتن

بار خدایا بدرستی که من پناه میبرم بتو از گمراه کنندها فتنها

ما ظهر منها وما بطن والاثم والبغی بغیر

آنچه هویداست از آنها وآنچه پنهانست وازگناه وازستم بغیر

الحق وان اشرک بک ما لم تنزل به سلطانا

حق وانکه شریک گردانم بتو آنچه را نفرستاده بآن حجتی

او اقول علیک ما لا اعلم اللهم انی اسالک

یا اینکه بگویم بر تو آنچه را که علم ندارم خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو

موجبات رحمتک وعزائم مغفرتک و

واجب سازندهای رحمت ترا ولازم سازندهای آمرزش ترا و

الغنیمة من کل بر والسلامة من کل

غنیمت بردن از هر احسانی وسلامتی از هر

اثم واسئلک الفوز بالجنة والنجاة من النار

گناهی وسوال میکنم ترا فیروزی بهشت وخلاصی از آتش

اللهم صل علی محمد وال محمد واجعل

خداوندا رحمت بفرست بر محمد وآل محمد وبگردان

لی فی صلوتی ودعائی برکة تطهر بها

ازبرای من در نماز من ودعای من برکتی که پاک گرداند بآن

قلبی وتؤمن بها روعتی وتکشف بها کربتی

دل مرا وایمن سازی بآن ترس مرا وبرطرف کنی بآن اندوه مرا

وَتَغْفِرُ بِهَا ذَنْبِي وَتُصْلِحُ بِهَا أَمْرِي وَتُغْنِي بِهَا

وبیامرزی بآن گناه مرا و صلاح آوری بآن امر مرا و توانگر گردانی بآن

فَقْرِي وَتُذْهِبُ بِهَا ضُرِّي وَتُفَرِّجُ بِهَا هَمِّي وَ

فقر مرا و ببری بآن بدحالی مرا و زایل کنی بآن حزن مرا و

تُسَلِّي بِهَا غَمِّي وَتَشْفِي بِهَا سُقْمِي وَتُؤْمِنُ بِهَا

تسلی فرمایی بآن غم مرا و شفا دهی بآن بیماری مرا و ایمن گردانی بآن

خَوْفِي وَتَجْلُو بِهَا حُزْنِي وَتَقْضِي بِهَا دَيْنِي وَ

خوف مرا و برطرف نمایی بآن اندوه مرا و ادا کنی بآن قرض مرا و

تَجْمَعُ بِهَا شَمْلِي وَتُبَيِّضُ بِهَا وَجْهِي وَاجْعَلْ مَا

فراهم آوری بآن پراکندگی مرا و سفید گردانی بآن روی مرا و بگردان آنچه را

عِنْدَكَ خَيْرًا لِي اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

نزد تست خیر از برای من خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَلَا تَدَعْ لِي ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ وَلَا كَرْبًا

محمد و وامگذار از برای من گناهی را که مگر بیامرزی آنرا و نه اندوهی را

إِلَّا كَشَفْتَهُ وَلَا خَوْفًا إِلَّا أَمَّنْتَهُ وَلَا

مگر که برطرف کنی آنرا و نه ترسی را مگر که ایمن گردانی اورا و نه

سُقْمًا إِلَّا شَفَيْتَهُ وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرَّجْتَهُ

بیماری مگر آنکه شفا دهی تو اورا و نه هستی را مگر که زایل کنی تو او را

وَلَا غَمًّا إِلَّا أَذْهَبْتَهُ وَلَا حُزْنًا إِلَّا سَلَّيْتَهُ

و نه غمی را مگر که ببری تو اورا و نه اندوهی را مگر که تسلی دهی تو اورا

وَلَا دَيْنًا إِلَّا قَضَيْتَهُ وَلَا عَدُوًّا إِلَّا كَفَيْتَهُ

و نه قرضی را مگر که ادا کنی تو اورا و نه دشمنی را مگر که دفع کنی تو اورا

وَلَا حَاجَةً إِلَّا قَضَيْتَهَا وَلَا دَعْوَةً إِلَّا أَجَبْتَهَا

و نه حاجتی را مگر که روا کنی تو آنرا و نه دعایی را مگر که اجابت کنی اورا

وَلَا مَسْأَلَةً إِلَّا أَعْطَيْتَهَا وَلَا أَمَانَةً إِلَّا أَدَّيْتَهَا

و نه سؤالی را مگر که عطا کنی تو اورا و نه امانتی را مگر که برسانی اورا

وَلَا فِتْنَةً إِلَّا صَرَفْتَهَا اَللّٰهُمَّ اصْرِفْ عَنِّي

و نه فتنه را مگر که بگردانی اورا خداوندا بگردان از من

مِنَ الآفاتِ وَالعاهاتِ وَالبَلِيّاتِ ما اُطِيقُ

از آفات وعاهات وبليات آنچه را كه طاقت ندارم

وَما لا اُطِيقُ صَرْفَهُ اِلّا بِكَ اَللّهُمَّ اَمْسىٰ ظُلْمِى

وآنچه را كه طاقت ندارم گردانيدن آن را مگر بتو خداوندا داخل شام شدم من

مُسْتَجِيراً بِعَفْوِكَ وَاَمْسَتْ ذُنُوبِى مُسْتَجِيرَةً

درحالتى كه پناه جوينده است بعفو تو وداخل شام شد گناهان من درحالتى كه پناه

بِمَغْفِرَتِكَ وَاَمْسىٰ خَوْفِى مُسْتَجِيراً بِاَمانِكَ وَ

جوينده است بآمرزش تو وداخل شام شد ترس من درحال آنكه پناه جوينده است بامان تو

اَمْسىٰ فَقْرِى مُسْتَجِيراً بِغِناكَ وَاَمْسىٰ ذُلّى

وداخل شام شد پريشانى من درحالتى كه پناه جوينده است به بى نيازى تو وداخل شام شد خوارى

مُسْتَجِيراً بِعِزِّكَ وَاَمْسىٰ ضَعْفِى مُسْتَجِيراً بِقُوَّتِكَ

من درحالتى كه پناه جوينده است بعزت تو وشام كرد ناتوانى من درحالتى كه پناه جوينده است بتوانائى تو

وَاَمْسىٰ وَجْهِىَ البالِىَ الفانِى مُسْتَجِيراً بِوَجْهِكَ

وشام كرد روى كرنده فانى من درحالتى كه پناه جوينده است بذات

الدائم

الدّائِمِ الباقِى يا كائِناً قَبْلَ كُلِّ شَىْءٍ وَيا

پاينده ـ هميشگى تو اى هستى ذات پيش از هرچيز واى

كائِناً بَعْدَ كُلِّ شَىْءٍ وَيا مُكَوِّنَ كُلِّ شَىْءٍ

هستى ذات بعد از هرچيز واى هستى دهنده هرچيز

صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاصْرِفْ عَنِّى وَعَنْ

رحمت فرست بر محمد وبر آل محمد وبگردان ازمن واز

اَهْلِى وَمالِى وَوَلَدِى وَاَهْلِ خِزانَتِى وَاِخْوانِى

عيال من ومال من وفرزند من واهل خزانت من وبرادران

فِيكَ شَرَّ كُلِّ ذِى شَرٍّ وَشَرَّ كُلِّ جَبّارٍ عَنِيدٍ

مؤمن من شر هر صاحب شريرا وشر هر صاحب جبروت عناد كننده

وَشَيْطانٍ مَرِيدٍ وَسُلْطانٍ جائِرٍ وَعَدُوٍّ قاهِرٍ وَ

وشيطان سركشى وپادشاه جوركننده ودشمنى غلبه كننده و

حاسِدٍ مُعانِدٍ وَباغٍ مُراصِدٍ وَشَرِّ السّامَّةِ

حسد برنده عناد كننده وستم كننده كمين كننده واز شر صاحب زهر

وَالْهَامَّةِ وَمَا دَبَّ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَشَرِّ

وحشرات زمین وانچه حرکت کند در شب و روز و شر

فُسَّاقِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَفَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ

فاسقان عرب وعجم وفاسقان جن وانس

وَأَعُوذُ بِدِرْعِكَ الْحَصِينَةِ الَّتِي لَا تُرَامُ وَ

وپناه میبرم بزره محکم تو که قصد کرده نمیشود

أَسْأَلُكَ أَنْ لَا تُمِيتَنِي غَمًّا وَلَا هَمًّا وَلَا مُتَرَدِّيًا

سؤال میکنم اینکه نمیرانی مرا از راه غم و اندوه یا در حالت افتادن یا

وَلَا رَدْمًا وَلَا غَرَقًا وَلَا حَرَقًا وَلَا عَطَشًا وَلَا

رسیدن کلوخی یا از راه غرق شدن یا سوختن یا تشنگی یا از

صَبْرًا وَلَا قَوَدًا وَلَا أَكِيلَ السَّبُعِ وَأَمِتْنِي

راه صبر یا قصاص یا خورده شده درنده وبمیران مرا

عَلَى فِرَاشِي فِي عَافِيَةٍ أَوْ فِي الصَّفِّ الَّذِي نَعَتَّ

بر فراش من در عافیت یا در صفی که مدح کرده

اهله

أَهْلَهُ فِي كِتَابِكَ فَقُلْتَ كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ

اهل آنرا در کتاب خود پس فرمودی گویا ایشان بنای

مَرْصُوصٌ مُقْبِلِينَ غَيْرَ مُدْبِرِينَ عَلَى طَاعَتِكَ

استوارند روکنندگان بتو غیر پشت کنندگان بر طاعت تو

وَطَاعَةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَائِمًا

وطاعت رسول تو رحمت خدای براو وبر آل او ایستاده باشم

بِحَقِّكَ غَيْرَ جَاحِدٍ لِآلَائِكَ وَلَا مُعَانِدًا

بحق تو انکار کننده نباشم مر نعمتهای ترا ودشمنی کننده نباشم

لِأَوْلِيَائِكَ وَلَا مُوَالِيًا لِأَعْدَائِكَ يَا كَرِيمُ

مر دوستان ترا ودوستی کننده نباشم مر دشمنان ترا ای صاحب کرم

اَللَّهُمَّ اجْعَلْ دُعَائِي فِي الْمَرْفُوعِ الْمُسْتَجَابِ

خداوندا بگردان دعا مرا بالا برده شده استجابت کرده شده

وَاجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

وبگردان مرا نزد خود روشناس در دنیا وآخرت

وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ

وازجملهٔ مقربانی که نیست ترسی برایشان ونیستند ایشان که

يَحْزَنُونَ وَاغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَمَا وَلَدَا وَمَا

اندوهناک شوند وبیامرز ازبرای من وپدر ومادر من وفرزندی که ایشان بهم رسیده و

وَلَدْتُ وَمَا تَوَالَدُوا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

فرزندی که ازمن بهم رسیده ونسلی که بهم رسیده ازمؤمنین ومؤمنات

يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي قَضٰى عَنِّي

ای بهترین آمرزندگان سپاس مرخدایرا که ادا کرد ازمن

صَلٰوةً كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا

نمازی که بود بر مؤمنین وقت قرار داده شده

تعقیب نماز شام بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السِّرَاجِ

خداوندا درود فرست برمحمد بشارت دهنده ترساننده چراغ

تعقیب نماز شام

المنير

اَلْمُنِيرِ الطُّهْرِ الطَّاهِرِ الْخَيِّرِ الْفَاضِلِ خَاتَمِ

روشن پاکیزه پاک بسیار خیر افزون مرتبه خاتم

اَنْبِيَائِكَ وَسَيِّدِ اَصْفِيَائِكَ وَخَالِصِ اَخِلَّائِكَ

پیغمبران تو وبزرگ برگزیدگان تو وخالص دوستان تو

ذِي الْوَجْهِ الْجَمِيلِ وَالشَّرَفِ الْاَصِيلِ وَالْمِنْبَرِ

صاحب روی نیکو وبزرگواری اصیل وصاحب منبر

النَّبِيلِ وَالْمَقَامِ الْمَحْمُودِ وَالْمَنْهَلِ الْمَشْهُودِ

عظیم وجایگاه پسندیده وآبشخور حاضر شده

وَالْحَوْضِ الْمَوْرُودِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

وصاحب حوض وارد شده خداوندا رحمت فرست بر محمد

وَاٰلِهِ كَمَا بَلَّغَ رِسَالَاتِكَ وَجَاهَدَ فِي

وبرآل او چنانچه رسانید پیغامهای ترا وجهاد کرد در

سَبِيلِكَ وَنَصَحَ لِاُمَّتِهِ وَعَبَدَكَ حَتّٰى اَتَاهُ

راه تو وخالص بود ازبرای امتش وبندگی تو کرد تا اینکه آمد اورا

اليقين وصلّ على محمّد وآله الطاهرين

يقين و درود فرست بر محمد و بر آل او که پاکانند

الاخيار الانقياء الابرار الذين انتجبتهم

برگزيدگانند پرهيزگارانند نيكوكارانند آنانكه برگزيده ايشانرا

لدينك واصطفيتهم من خلقك وائتمنتهم

از براى دين خود و اختيار كردى ايشانرا از خلق خود و امين شمردى ايشانرا

على وحيك وجعلتهم خزّان علمك وتراجمة

بر وحى خود و گردانيدى ايشانرا خزينه داران علم خود و بيان كنندگان

كلمتك واعلام نورك وحفظة سرّك

سخنان خود و نشانهاى نور خود و نگاهداران ستر خود

واذهبت عنهم الرجس وطهّرتهم تطهيرا

و بر طرف كن از ايشان پليديرا و پاك گردانيده ايشانرا پاك گردانيدنى

اللهمّ انفعنا بحبّهم واحشرنا فى زمرتهم

خداوندا نفع ده ما را بسبب دوستى ايشان و برانگيزان ما را در گروه ايشان

ونحب

ونحيا لوائهم ولا تفرّق بيننا وبينهم

و زير علم ايشان و جدائى مينداز ميان ما و ميان ايشان

واجعلنى بهم عندك وجيها فى الدنيا

و بگردان مرا بسبب ايشان نزد خود روشناس در دنيا

والاخرة ومن المقرّبين الذين لا خوف عليهم

و آخرت و از مقربان آنانكه نيست ترسى بر ايشان

ولا هم يحزنون الحمد لله الذى ذهب بالنهار

و نه ايشان اندوهناك اند سپاس مر خدايرا كه برد روز را

بقدرته وجاء بالليل برحمته خلقا

بقدرت خود و آورد شب را برحمت خود آفريد

جديدا وجعله لباسا وسكنا وجعل

تازه و گردانيد آنرا لباسى و آرامگاهى و گردانيد

الليل والنهار آيتين ليعلم بها عدد السنين

شب و روز را دو علامت تا اينكه دانسته شود بآنها شماره سالها

وَالحِسابَ اَلحَمدُ لِلّهِ عَلی اِقبالِ اللَّیلِ وَاِدبارِ

سپاس مر خدایرا بر رو آوردن شب و پشت

النَّهارِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَصلِحْ

کردن روز بارخدایا رحمت فرست بر محمد و بر آل او و اصلاح کن

لی دینِیَ الَّذی هُوَ عِصمَةُ اَمری وَاَصلِحْ لی دُنیایَ

از برای من دین مرا که آنست نگاهداری امر من و اصلاح آور برای من دنیای

الَّتی فیها مَعیشَتی وَاَصلِحْ لی آخِرَتِیَ الَّتی اِلَیها

مرا که در آنست زندگانی من و اصلاح آور از برای من آخرت مرا که بسوی آنست

مُنقَلَبی وَاجعَلِ الحَیوةَ زِیادَةً لی فی کُلِّ

بازگشت من و بگردان زندگیرا زیادتی برای من در هر

خَیرٍ وَاجعَلِ المَوتَ راحَةً لی مِن کُلِّ سُوءٍ

خیری و بگردان مرگ را رحتی برای من از هر بدی

وَاکفِنی اَمرَ دُنیایَ وَآخِرَتی بِما کَفَیتَ بِهِ

و کارگذاری کن کار دنیای مرا و آخرت مرا بآنچه کارگذاری کردی بآن

اولیاد

اَولِیاءَکَ وَخِیَرَتَکَ مِن عِبادِکَ الصّالِحینَ

دوستان خودرا و برگزیدگان خودرا از بندگان شایستهٔ خود

وَاصرِفْ عَنّی شَرَّهُما وَوَفِّقنی لِما یُرضیکَ

و بگردان از من شر دنیا و آخرت را و توفیق ده مرا برای آنچه خشنود سازد ترا

عَنّی یا کَریمُ اَمسَیتُ وَاَمسَی المُلکُ لِلّهِ

از من ای صاحب کرم داخل وقت شام شدم و حال آنکه پادشاهی از برای خدای

الواحِدِ القَهّارِ وَما فِی اللَّیلِ وَالنَّهارِ اَللّهُمَّ

یکتای قهار است و آنچه در شب و روز است خداوندا بدرستی

اِنّی وَهذا اللَّیلَ وَالنَّهارَ خَلقانِ مِن خَلقِکَ

که من و این شب و روز و آفریده ایم از آفریدگان تو اند

فَاعصِمنی فیهِما بِقُوَّتِکَ وَلا تُریهِما جُرأَةً

پس نگاهدار مرا در آنها بتوانائی خود و منما بر ایشان جراتی

مِنّی عَلی مَعاصیکَ وَلا رُکوباً مِنّی لِمَحارِمِکَ

از من بر نافرمانیهای تو و نه ارتکابی از من بر حرامهای ترا

وَاجْعَلْ عَمَلِي فِيهِمَا مَقْبُولاً وَسَعْيِي مَشْكُوراً

وبگردان عمل مرا در آنها قبول کرده شده وسعی مرا در آنها جزا داده شده

وَيَسِّرْ لِي مَا أَخَافُ عُسْرَهُ وَسَهِّلْ لِي مَا صَعُبَ

و میسر گردان برای من آنچه را از ترسم دشواری آنرا و آسان گردان برای من آنچه را که دشوار

عَلَيَّ أَمْرُهُ وَاقْضِ لِي فِيهِ بِالْحُسْنَى وَآمِنِّي مَكْرَكَ

است بر من امر آن و حکم کن برای من در آن به نیکوئی و ایمن ساز مرا از مکر تو

وَلَا تَهْتِكْ عَنِّي سِتْرَكَ وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ

و مدر از من پردهٔ خود را و فراموش مساز مرا از یاد خود

وَلَا تَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ حَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَلَا تَكِلْنِي

و حایل مگردان میان من و میان قدرت خود و قوت تو و وامگذار مرا

إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَداً وَلَا إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ

بخودم یکچشم برهم زدن هرگز و نه بسوی کسی از آفریدگان خود

يَا كَرِيمُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافْتَحْ

ای بزرگوار خداوندا رحمت فرست بر محمد و بر آل او و بگشا

مَسَامِعَ قَلْبِي لِذِكْرِكَ حَتَّى أَعِيَ وَحْيَكَ وَأَتَّبِعَ

گوشهای دل مرا برای یاد خود تا اینکه حفظ نمایم وحی ترا و پیروی کنم

كِتَابَكَ وَأُصَدِّقَ رُسُلَكَ وَأُومِنَ بِوَعْدِكَ

کتاب ترا و تصدیق نمایم رسولان ترا و ایمان آورم بوعدهٔ تو

وَأَخَافَ وَعِيدَكَ وَأُوفِيَ بِعَهْدِكَ وَأَتَّبِعَ أَمْرَكَ

و بترسم از وعدهٔ عذاب تو و وفا کنم به پیمان تو و پیروی کنم فرمان ترا

وَأَجْتَنِبَ نَهْيَكَ اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

و دوری نمایم نافرمانی ترا خداوندا رحمت فرست بر محمد و

آلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَصْرِفْ عَنِّي وَجْهَكَ وَلَا تَمْنَعْنِي

بر آل محمد و مگردان از من روی رحمت خود را و منع مکن از من

فَضْلَكَ وَلَا تَحْرِمْنِي عَفْوَكَ وَاجْعَلْنِي أُوَالِي

فضل خود را و محروم مساز مرا از عفو خود و بگردان مرا که دوست دارم

أَوْلِيَاءَكَ وَأُعَادِي أَعْدَاءَكَ وَارْزُقْنِي الرَّهْبَةَ

دوستان ترا و دشمن دارم دشمنان ترا و روزی من کن ترس را

مِنكَ وَالرَّغبَةَ اِلَيكَ وَالخُشُوعَ وَالوَقارَ

از تو وخواهشمندی را بسوی تو وفروتنی وتعظیم وطاعت را

وَالتَّسلِيمَ لِاَمرِكَ وَالتَّصدِيقَ بِكِتابِكَ وَ

وقبول برای امر تو وتصدیق بکتاب تو و

اِتِّباعَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَاٰلِهِ

پیروی طریقه پیغمبر تو رحمت کناد خدا براو وآل او

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِن نَفسٍ لَا تَقنَعُ وَبَطنٍ

خداوندا بدرستی که پناه میجویم بتو از نفسی که قناعت نکند واز شکمی که

لَا يَشبَعُ وَعَينٍ لَا تَدمَعُ وَقَلبٍ لَا يَخشَعُ وَ

سیر نگردد واز چشمی که اشک نریزد و از دلی که فروتنی نکند و

صَلوٰةٍ لَا تُرفَعُ وَعَمَلٍ لَا يَنفَعُ وَدُعَآءٍ لَا

از نمازی که بالا برده نشود واز عملی که سود ندهد واز دعائی که شنیده

يُسمَعُ وَاَعُوذُ بِكَ مِن سُوٓءِ القَضَآءِ وَدَرَكِ

نشود وپناه میبرم بتو از قضای بد ودریافتن

الشقآ

الشَّقَآءِ وَجَهدِ البَلَآءِ وَشَماتَةِ الاَعدَآءِ

بدبختی ومشقت بلا وشادمانی دشمنان

وَمِن عَمَلٍ لَا يُرضٰى وَاَعُوذُ بِكَ مِنَ الكُفرِ

واز عملی که نه پسندی وپناه میبرم بتو از کفر

وَالفَقرِ وَالقَهرِ وَالغَدرِ وَمِن ضِيقِ الصَّدرِ

وپریشانی وغلبه وبیوفائی وتنگی سینه

وَمِن شَتاتِ الاَمرِ وَمِنَ الدَّآءِ العُضالِ وَ

واز . حال واز درد شدید و

غَلَبَةِ الرِّجالِ وَخَيبَةِ المُنقَلَبِ وَسُوٓءِ

غلبه مردمان وخسران بازگشت وبدی نگریستن

المَنظَرِ فِي النَّفسِ وَالدِّينِ وَالاَهلِ وَالمالِ

نگریستن از نفس ودین وعیال ومال

وَالوَلَدِ وَعِندَ مُعايَنَةِ مَلَكِ المَوتِ وَاَعُوذُ

وفرزند ونزد دیدن ملک موت وپناه میبرم

بِاللّٰهِ مِنْ اِنْسَانِ سَوْءٍ وَجَارِ سَوْءٍ وَقَرِينِ سَوْءٍ

بخدا از آدم بدی و همسایهٔ بدی و مصاحب بدی

وَيَوْمِ سَوْءٍ وَسَاعَةِ سَوْءٍ وَمِنْ شَرِّ مَا يَلِجُ فِي

و روز بدی و ساعت بدی و از شر آنچه فرو میرود در

الْاَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ

زمین و آنچه بیرون می آید از زمین و از شر آنچه فرو می آید از

السَّمَآءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَمِنْ شَرِّ طَوَارِقِ اللَّيْلِ

آسمان و آنچه بالا میرود در آن و از شر حادثهای شب

وَالنَّهَارِ اِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ

و روز مگر حادثهٔ حادث شود بخیر و از شر هر

دَآبَّةٍ رَبِّي اٰخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا اِنَّ رَبِّي عَلٰى صِرَاطٍ

جانوری که پروردگار من گرفته است پیشانی اورا بدرستی که پروردگار من براه

مُسْتَقِيمٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللّٰهُ وَهُوَ

راست است پس زود باشد کفایت کند از تو ایشانرا خدا و اوست

الس

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي قَضٰى عَنِّي

شنوای دانا سپاس مر خدایرا که ادا کرد از من

صَلٰوةً كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا

نمازی را که هست بر مؤمنان فرضی وقت قرار داده شده

تعقیب نماز خفتن

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ صَلٰوةً تُبَلِّغُنَا

خداوندا درود فرست بر محمد و بر آل محمد درودی که برسانی

بِهَا رِضْوَانَكَ وَالْجَنَّةَ وَتُنَجِّينَا بِهَا مِنْ سَخَطِكَ

ما را بسبب آن بخشنودی خود و بهشت و نجات دهی ما را بسبب آن از غضب خود

وَالنَّارِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَ

و آتش خداوندا درود فرست بر محمد و بر آل محمد و

اَرِنِي الْحَقَّ حَقًّا حَتّٰى اَتَّبِعَهُ وَاَرِنِي الْبَاطِلَ بَاطِلًا

بنمای بمن حق را تا اینکه پیروی کنم آنرا و بنمای بمن باطل را باطل

تعقیب نماز خفتن

حتّی اجتنبه ولا تجعلهما علیّ متشابهین

تا اینکه دوری کنم از آن و مگردان آنرا برمن متشابه

فاتّبع هوای بغیر هدیً منك واجعل هوای

پس پیروی خواهش خود را بی راه یافتن از تو و بگردان خواهش مرا

تبعاً لرضاك وطاعتك وخذ لنفسك

تابع خشنودی خود و اطاعت خود و فراگیر از برای خود

رضاها من نفسی واهدنی لما اختلف فیه

خشنودی آنرا از نفس من و هدایت کن مرا برای آنچه اختلاف شده است

من الحقّ باذنك انّك تهدی من تشاء الی

در آن از حق بفرمان خود بدرستی که تو هدایت میکنی هر کرا میخواهی بسوی

صراط مستقیم اللّهمّ صلّ علی محمّد وآله

راه راست خداوندا درود فرست بر محمد و بر آل او

واهدنی فیمن هدیت وعافنی فیمن عافیت

و هدایت کن مرا در آنکه هدایت کرده و عافیت ده مرا در آنکه عافیت داده

وتولنی

وتولّنی فیمن تولّیت وبارك لی فیما

و متولی شو مرا در آنکه متولی شده و برکت ده مرا در آنچه

اعطیت وقنی شرّ ما قضیت انّك تقضی

عطا کرده و نگاه دار مرا از شر آنچه تقدیر کرده بدرستی که تو تقدیر میکنی

ولا یقضی علیك وتجیر ولا یجار علیك تمّ

و تقدیر کرده نمیشود بر تو و زنهار میدهی و زنهار داده نمیشود بر تو

نورك اللّهمّ فهدیت فلك الحمد وعظم

تمامت نور تو خداوندا پس هدایت کرده پس مر تراست سپاس و بزرگست

حلمك فعفوت فلك الحمد وبسطت یدك

بردباری تو پس آمرزیدی پس مر تراست سپاس و گشاده دست خود را

فاعطیت فلك الحمد تطاع ربّنا فتشكر

پس عطا کرده پس مر تراست سپاس اطاعت کرده میشوی ای پروردگار ما پس جزا

وتعصی ربّنا فتستر وتغفر انت كما اثنیت

میدهی و عصیان کرده میشوی پس میپوشانی و می آمرزی تو چنانچه ثنا کرده

عَلىٰ نَفْسِكَ بِالْكَرَمِ وَالْجُودِ لَبَّيْكَ وَ

بر نفس خود بکرم وجود در ایستاده ام بخدمت تو گرد

سَعْدَيْكَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ لَا مَلْجَأَ وَلَا

یاری میجویم از تو مبارکی تو وبرتری نیست پناهی و نه محل

مَنْجَا مِنْكَ اِلَّا اِلَيْكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ

خلاصی از تو مگر بسوی تو نیست خدائی مگر تو بپاکی یاد میکنم ترا

اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ عَمِلْتُ سُوءً وَظَلَمْتُ نَفْسِي

خداوندا و متلبسم بحمد تو کرده ام بدی و ستم کرده ام بر نفس خود

فَاغْفِرْ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ

پس بیامرز مرا ای بهترین آمرزندگان نیست خدائی مگر تو

سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ عَمِلْتُ سُوءً وَ

بپاکی یاد میکنم ترا خداوندا و حال آنکه متلبسم بحمد تو کرده ام بدی و

ظَلَمْتُ نَفْسِي فَتُبْ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

ستم کرده ام نفس خود را پس قبول کن توبه مرا بدرستی که توئی توبه بسیار قبول کننده مهربان

۱۱۷ الم

لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ

نیست خدائی مگر تو بپاکی یاد میکنم ترا بدرستی که من بودم از

الظَّالِمِينَ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا

ستمکاران پاکست پروردگار تو پروردگار عزت از آنچه

يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ

وصف می کنند ایشان و درود باد بر رسولان خدا و سپاس مر خدای راست

رَبِّ الْعَالَمِينَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ

که پروردگار عالمیانست خداوندا درود فرست بر محمد و بر آل

مُحَمَّدٍ وَبَيِّتْنِي مِنْكَ فِي عَافِيَةٍ وَصَبِّحْنِي

محمد و بروز آر شب مرا از جانب خود در عافیت و داخل صبح کن مرا

مِنْكَ فِي عَافِيَةٍ وَاسْتُرْنِي مِنْكَ بِالْعَافِيَةِ

از جانب خود در عافیت و بپوشان مرا از جانب خود به عافیت

وَارْزُقْنِي تَمَامَ الْعَافِيَةِ وَدَوَامَ الْعَافِيَةِ وَ

و روزی کن مرا تمام عافیت و همیشگی عافیت و

الشكر على العافية اللهم اني استودعك

وشكر بر عافیت خداوندا بدرستی که من میسپارم تو

نفسی ودینی واهلی ومالی وولدی واهل

نفس خودرا ودین خودرا وعیال خودرا ومال خودرا وفرزند خودرا واهل

خزانتی وکل نعمة انعمت بها علیّ او تنعم

خزانت خودرا وهر نعمتی را که انعام کرده بآن برمن

فصل علی محمد وآله واجعلنی فی کنفک

پس رحمت فرست برمحمد وبرآل او وبگردان مرا در سایهٔ خود

وامنک وکلائتک وحفظک وحیاطتک

وامان خود ونگاهبانی خود وحفظ خود ومحافظت خود

وکفایتک وسترک وذمتک وجوارک

وکارگذاری خود وپردهٔ خود وزینهار خود وهمسایگی خود

وودایعک یا من لا تضیع ودایعه ولا یخیب

واماتنهای خود ای کسی ضایع نمیشود اماتنهای او ونومید نمیگردد

سائله ولا ینفد ما عنده اللهم انی ادرأ

سؤال کننده وفانی وکم نمیشود آنچه نزد اوست خداوندا بدرستی که من

بک فی نحور اعدائی وکل من کادنی وبغی

دفع کنم بتو بیاری تو در گردنهای دشمنان خودم وکمرکن با کسی که مکر کند با من وستم نماید

علیّ اللهم من ارادنا فارده ومن کادنا فکده

برمن خداوندا هرکه اراده کند مارا ببدی پس اراده کن اورا وهرکه کید کند با ما پس

ومن نصب لنا فخذه یا رب اخذ عزیز مقتدر

کید کن با او وهرکه نصب کند از برای ما پس بگیر اورا ای پروردگار من گرفتن غالب با قدرت

اللهم صل علی محمد وآل محمد واصرف

خداوندا درود فرست برمحمد وبرآل محمد وبگردان ازمن

عنّی من البلیات والآفات والعاهات و

ازمن از بلاها وآفتها وعاهتها و

النقم ولزوم السقم وزوال النعم وعواقب

وعقابها وهمیشه بودن بیماری وبرطرف شدن نعمتها وعاقبتهای

التلف وما طغی به الماء لغضبك وما

تلف وآنچه بسبب آن بشورش آید آب از برای غضب تو وآنچه

عتت به الريح عن امرك وما اعلم وما لا اعلم

سرکشی کند بسبب آن باد بفرمان تو وآنچه را میدانم وآنچه را نمیدانم

وما اخاف وما لا اخاف وما احذر وما

وآنچه را بیم دارم وآنچه را بیم ندارم وآنچه را حذر میکنم وآنچه را

لا احذر وما انت به اعلم اللهم صل

حذر نمیکنم وآنچه را تو بآن داناتری خداوندا رحمت فرست

على محمد وآل محمد وفرج همي ونفس غمي

بر محمد وبر آل محمد ورفع کن اندوه مرا وبرطرف کن غم مرا

وسل حزني واكفني ما ضاق به صدري

وزایل ساز دلگیری مرا ورفع کن از من آنچه تنگ شده است بسبب آن سینه من

وما عيل به صبري وقلت فيه حيلتي وضعفت

ومغلوب شده بسبب آن شکیبائی من وکم شد در آن چاره من وضعیف شد

عنه قوتي وعجزت عنه طاقتي وردتني

از آن قوت من وعاجز شد از آن طاقت من وبرگردانید مرا

فيه الضرورة عند انقطاع الآمال

در آن ضرورت نزد بریده شدن آرزوها ونومیدی

وخيبة الرجاء من المخلوقين اليك فصل

امید از آفریده شدگان بسوی تو پس رحمت فرست

على محمد وآل محمد واكفنيه يا كافيا من كل

بر محمد وبر آل محمد ورفع کن از من آنرا ای آنکه دفع کننده است از هر

شيء ولا يكفي منه شيء اكفني كل

چیزی ودفع نمیکند از او چیزی ورفع کن از من هر

شيء حتى لا يبقى منه شيء يا كريم اللهم

چیزیرا تا اینکه باقی نماند از او چیزی ای کریم خداوندا

صل على محمد وآل محمد وارزقني حج بيتك

رحمت فرست بر محمد وبر آل محمد وروزی کن مرا حج خانه

الحرام وزيارة قبر نبيك عليه السلام مع

حرام تو وزیارت قبر پیغمبر تو بر او باد درود با

التوبة والندم اللهم اني استودعك

توبه وپشیمانی خداوندا بدرستی که من می سپارم بتو

نفسي وديني واهلي ومالي وولدي واخواني

نفس خودرا ودین خودرا وعیال خودرا ومال خودرا وفرزند خودرا وبرادران خودرا

واستكفيك ما اهمني وما لم يهمني

وطلب میکنم از تو رفع آنچه قصد من کرده وآنچه قصد من نکرده

واسئلك بخيرتك من خلقك الذي لا يمن

وسؤال میکنم ترا بحق خوبان از خلقت آنچه را که انعام نمیکند

به سواك يا كريم الحمد لله الذي قضى عني

آنرا غیر تو ای صاحب کرم سپاس مرخدایرا که اداکرد از من

صلوة كانت على المؤمنين كتابا موقوتا

نمازی را که بود بر مؤمنان فرض وقت قرار داده شده

این دعا را بعد از دعاها و تعقیبات بخوانند

شیخ طوسی وکفعمی بسند معتبر روایت کرده اند که حق تعالی وحی کرد بحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که ای محمد هرکه از امت تو خواهد که میان دعای او ومیان من حایلی نباشد ومستجاب کردانم دعای اورا از برای هر امری که باشد خواه بزرگ وخواه کوچک وخواه آشکار وخواه پنهان پس باید که این دعا بخواند بعد از دعاهای خود وحاجات خودرا از قاضی الحاجات سؤال کند ودعا این است

يا الله المانع قدرته خلقه والمالك بها

ای خداوندی که منع کننده است بقدرت خود خلق خودرا ومالک است بآن

سلطانه والمتسلط بما في يديه كل موجود

پادشاهی خودرا وتسلط دارنده است بآنچه در پیش اوست هر هستی داشته شده

دونك يخيب رجاء راجيه وراجيك مسرور

غیر تو نومید میشود امید امیددارنده او وامیدوارنده تو خوشحال است

لا يخيب اسئلك بكل رضى لك

ونا امید نمیشود وسؤال میکنم ترا بحق هر رضامندی از برای تو

مِنْ كُلِّ شَيْءٍ أَنْتَ فِيهِ وَبِكُلِّ شَيْءٍ

از هر چیزی که تو منظور بسیاری در آن و بحق هر چیزی که

تُحِبُّ أَنْ تُذْكَرَ بِهِ وَبِكَ يَا أَللهُ فَلَيْسَ

دوست میداری که یاد کرده شوی بآن و بحق تو ای خدا پس

يَعْدِلُكَ شَيْءٌ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْ

برابری نمیکند با تو چیزی اینکه درود فرستی بر محمد و آل او و اینکه

تَحُوطَنِي وَإِخْوَانِي وَأَهْلِي وَوُلْدِي وَمَالِي وَتَحْفَظَنِي

حفظ کنی مرا و برادران مرا و عیال مرا و فرزندان مرا و مال مرا و نگاهداری مرا

بِحِفْظِكَ وَأَنْ تَقْضِيَ حَاجَتِي فِي كَذَا وَكَذَا

بنگاهداری خود و اینکه روا کنی حاجت مرا در چنین و چنین

شرح دعای مسمّی بدعای برکهٔ سباع

این عوذه ایست برای علیّ بن موسی الرّضا علیه التحیّة والثنا که پناه جستند بآن آنحضرت در وقتی که انداخته شدند در خانهٔ که بسته شده بود در آنخانه جانوران درّنده فضل بن ربیع روایت کرده که روزی هرون

الرّشید صبح شراب خورده و مست گشته بود پس طلبید دربان خود را و گفت باو که برو بنزد علیّ بن موسی علوی و بیرون آور او را از زندان و بینداز او را در برکهٔ سباع پیش شیران و جانوران درّنده پس من شروع بالتماس و ملامت نمودم که فرو نشانم او را پس غضب او سخت تر و زیادتر گردید تا آنکه بمن امر کرد و گفت قسم بخدا که اگر نمی اندازی بر پیش شیران او را هر آینه می اندازم من ترا بعوض آن راوی گوید که پس من رفتم بنزد حضرت علیّ بن موسی الرّضا علیه التحیّة والثنا و چون داخل شدم گفتم که امیر المؤمنین فرموده است بمن چنین و چنین آنحضرت فرمودند که بعمل آور آنچه را که مامور شده بآن پس بدرستی که من طلب اعانت و یاری میکنم از خدای تعالی و شروع نمودند بخواندن این دعا و همراه من براه افتادند تا آنکه رسیدیم ببرکهٔ سباع پس گشودم در آنخانه را و داخل نمودم آن حضرت را در آن خانه و در آن خانه بود چهل حیوان درّنده و من بسیار غمگین و در کمال اضطراب بودم که چرا من سبب قتل چنین شخصی شدم و این امر بر دست من ظاهر گردید پس برگشتم بجای خود و چون نصف شب شد یکی از ملازمان هرون آمد و گفت که امیر المؤمنین ترا میطلبد پس چون من رفتم بنزد او گفت ظاهر اینکه امشب خطای عظیمی از من سر زده یا آنکه کار قبیحی

کرده ام از جهت آنکه امشب خوابی هولناک دیدم و خواب اینست که جمعی را دیدم از مردمان که بنزد من آمدند و در دست ایشان اقسام از حربها و در میان ایشان یک مردی بود که در حسن همچون ماه بود و از او هیبتی عظیم در دل من افتاد پس کسی گفت که این امیر المؤمنین علیّ بن ابی طالبست صلوات الله علیه و علی ابنائه پس آنگاه من پیش رفتم که پای مبارکش را ببوسم پس روی مبارک از من گردانید و این آیهٔ مبارکه را خواند که فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ یعنی آیا میخواهید که هرگاه متولّی و سرکرده شوید فساد کنید در زمین و هلاک سازید خویشان خود را پس باز روی از من گردانید و داخل بخانه شد پس من بیدار شدم در کمال خوف و اضطراب از جهت این خوابی که دیدم راوی گوید که پس من گفتم یا امیر المؤمنین بدرستی که شما امر کردید بمن آنکه بیندازم من علیّ بن موسی الرّضا را به پیش شیران و جانوران درّنده و این خواب اثر آنست پس هارون گفت وای بر تو انداختی آنحضرت را در آن برکه گفتم بلی بخدا که انداختم او را هارون گفت برو و ببین که حال او چونست پس من شمعی که نزد او بود برداشتم و رفتم بآن برکه دیدم که آنحضرت ایستاده است و نماز میکند و جانوران درّنده در حوالی او بند و دور او را فرو گرفته اند پس برگشتم و خبر آوردم هرون

این سخن را قبول نکرد و باورش نیامد پس خود بخواست و همراه من آمد چون مشاهده نمود دید آنحضرت را که نماز میکند گفت السّلام علیك یا ابن عمّ پس آنحضرت جواب او را ندادتا وقتی که فارغ شد از نماز پس گفت وعلیك السّلام ای ابن عمّ بتحقیق که من امید نداشتم از تو که در چنین موضعی سلام کنی بر من هرون گفت که از تقصیر و گناه من در گذرد و شروع در عذرخواهی نمود آنحضرت فرمودند که نجات داد خدای تعالی مرا از این شیران و درّندگان بلطف خود پس از برای اوست شکر و سپاس هارون امر کرد تا بیرون آوردند آن حضرت را و برگشت و بجای خود رفت پس چون آنحضرت بیرون آمدند قسم بخدا که حرکت نکردند شیران از جای خود تا آنکه آنحضرت بیرون آمدند و بنزد هرون الرّشید رفتند هرون دست در گردن آنحضرت کرد و او را بر بالای تخت خود نشانید و گفت ای ابن عمّ اگر خواهی که در پیش ما باشی پس در کمال رفاهیّت و خوبیست و اگر خواهی بوطن خود مراجعت نمایید پس اختیار با شماست و مقرّر کردم برای تو و اهل تو که مالی بسیار و جامهٔ چند بشما بدهند آن حضرت فرمودند که مرا احتیاج بمال و جامه نیست ولیکن در میان قریش جمعی پریشان هستند و ایشان را نشان داد که این مال را بایشان بده پس هرون امر کرد برای آنها بصلهٔ و جامهٔ چند و آن حضرت

امیرالمؤمنین صلوات الله علیه میفرمود
که محبوب‌ترین اعمال نزد حق
تعالی دعا است و فرمود که
حضرت امیرالمؤمنین علیه
السلام دعا بسیار میکرد
وبسند معتبر از حضرت رسول
صلی الله علیه وآله منقول
است که دعا حربهٔ مؤمن است
برای دفع دشمنان و عمود
دین است که بآن دین مؤمن
برپا است و نور آسمانها و زمین
است ودر حدیث دیگر از آنحضرت
منقول است که بصحابه فرمودند
که میخواهید دلالت کنم
شما را بر حربه و سلاحی که
شما را نجات دهد از شر
دشمنان شما و روزی شما
را زیاد گرداند گفتند
بلی فرمود که دعا کنید و
بخوانید پروردگار خود را
در شب و روز بدرستیکه
حربهٔ مؤمن دعا است و
حضرت امام رضا علیه
السلام فرمود که شما باد
بسلاح پیغمبران گفتند
آن

کفتند که من بخانهٔ خود میروم پس هرون امر کرد
که آنحضرت را بر استری بسیار خوش راه سوار کنند
وبهر جا که خواهند ببرند پس چنان کردند فضل کوید پس
بمن کفت هرون که مشایعت کن آنحضرت را پس من نیز
مشایعت آنحضرت نمودم تا قدری از راه ودر عرض راه از آن
حضرت سؤال نمودم که تعلیم نمایید بمن آن تعویذ را که
خواندید آنرا در وقتی که میرفتید نزد شریر آن حضرت
فرمودند که بدرستی که ما ممنوعیم از آنکه تعلیم نماییم تعویذ و
تسبیح خود را بهمه کس لیکن چون تو بر من حق خدمت
ورفاقت داری لهذا تعلیم میکنم ترا پس یاد کیر فضل کوید
پس آنحضرت تعلیم نمودند بمن این تعویذ را و من آنرا در
کاغذی نوشتم ودر پارچهٔ محکم بسته در آستین خود
جای دادم وببرکت این تعویذ هیچ مرتبه نزد هرون نرفتم
مکر آنکه خوشحال وشکفته یافتم او را نسبت بخود و
هر حاجتی که از او طلب نمودم بر آورد آنرا برای من ودر همهٔ
سفرها حرز وامان بود از برای من از هر ترسی ودر هر شدت
وبلایی که افتادم ببرکت این دعا نجات یافتم وخلاص شدم
ودعای مسمی بدعای برکه سیاح اینست

بسم الله الرحمن الرحیم
ابتدا میکنم بنام خدای بخشایندهٔ مهربان

دعا است
وحضرت صادق
علیه السلام فرمود که
دعا از نیزهٔ تیز کارکر تر است
وفرمود که دعا رد میکند
قضا را هر چند که از آسمان
نازل شده باشد و محکم
کردیده باشد و فرمود که دعا
بسیار کنید که دعا
کلید جمیع رحمتها است و
موجب فیروزی بجمیع حاجتها است
وبکرامتهای الهی نمیتوان رسید
مکر بدعا و هر دری که بسیار
بکوبند البته بر روی کوبنده
میکشایند ودر حدیث دیگر
فرمود که بر تو باد بدعا که شفای
جمیع دردها است واز حضرت
امام موسی کاظم صلوات الله
علیه منقول است که هر
بلایی که بر بندهٔ مؤمن نازل
کردد و خدا او را دعا
الهام نماید البته آن بلا زود
زایل میشود و هر بلایی که
بر مؤمن نازل شود و توفیق
دعا نیابد و ترک کند البته
آن بلا طول میکشد پس
بر شما باد بدعا

لا اله الا الله وحده لا شریك له انجز
نیست خدایی مکر خدا یکانه است او نیست شریکی برای او بجای آورده است
وعده ونصر عبده واعز جنده وهزم
وعدهٔ خود را ویاری کرده است بندهٔ خود را وغالب کردانیده است سپاه خود را وکریزانیده است
الاحزاب وحده فله الملك وله الحمد
کروهها را بتنهایی پس از برای اوست پادشاهی واز برای اوست ستایش
الحمد لله رب العالمین امسیت واصبحت
همه ستایش برای خداست که پروردکار عالمیانست داخل در شام کردیدم وداخل شدم در صباح
فی حمی الله الذی لا یستباح وذمته
در حالی که در حمایت خدایم که رخصت داده نشده است برای همه کس وداخل در امان خدایم
التی لا ترام ولا تخفر وفی عز الله الذی
که زایل نمیشود وشکسته نمیکردد ودر عزت خدایم که ذلیل
لا یذل ولا یقهر وفی حزبه الذی لا یغلب
وخوار کردیده نمیشود ومقهور نمیکردد وداخل در کروه اویم که مغلوب نمیشود

وتضرع
بسوی خدا وبدعا منع
وحضرت رسول خدا صلی
الله علیه وآله فرمود که
دوا کنید بیماران خود را
بتصدق ودفع کنید انواع
بلاها را بدعا وحفظ کنید مالها
خود را بدادن زکوة بدرستی
که هیچ مرغی بدام نمی افتد
مکر آنکه تسبیح خود را ترک
نماید وحضرت امیرالمؤمنین
علیه السلام فرمود که
دفع کنید موجهای بلا را
از خود بدعا پیش از آنکه
بلا نازل کردد بحق
آنخدایی که دانه را شکافته
وانواع کیاه را از آن بیرون
آورده وخلایق را خلق
فرموده که بلا بسوی مؤمن
تندتر می آید از سیلی که از
بالای کوه بپایین می آید
واز دویدن اسبان تندرو
وهیچ نعمتی وطراوت عیشی
از مردمان بر طرف نمیشود
مکر بکناهان ایشان و
اکر استقبال کنند بلا را
بدعا وتضرع وانابت
وتوبه

وفی جنده الذی لا یهزم وحریمه الذی
وداخل در سپاه اویم که کریخته نمیشود ودر پناه اویم که
لا یستباح بالله استجرت وبالله انجحت
رخصت داده نشده است برای همه کس بخدا پناه برده ام وبیاری خدا فیروز کشتم
وبه استنجحت وتعززت وتعوذت
وبخدا طلب رستکاری نموده ام وعزت یافته ام وپناه برده ام
وانتصرت وتقویت وبعزة الله قویت
ویاری کرده شده ام وتوانا کشته ام وبغلبهٔ خدا قوی کشته ام
علی اعدائی وبجلال الله وکبریائه
بر دشمنان وبعظمت خدا وبزرکواری او
ظهرت علیهم وقهرتهم بحول الله وقوته
غالب شدم بر دشمنان ومقهور ساختم ایشان را بقدرت خدا وتوانایی او
واستعنت علیهم بالله وفوضت امری
وطلب اعانت نمودم بر ایشان بخدا ووا کذاشتم کار خود را

ایشان
نازل نخواهد شد
واکر وقتی که بلا نازل شود
ونعمت از ایشان زایل کردد
بخدا پناه ببرند وتضرع نمایند
وبا نیتهای درست ویقین
روزند در عبادت وبندکی
وترک کناهان بکنند البته
خدا هر فاسدی را برای ایشان
باصلاح می آورد وهر نعمتی
که از ایشان سلب نموده
بایشان بر میکرداند وحضرت
صادق علیه السلام فرمود که
سه چیز است که با آنها هیچ
چیز ضرر نمیکند دعا کردن در
هنکام بلاها وشدتها و
استغفار کردن بعد از کناه
وشکر کردن در وقت نعمت
ودر حدیث دیکر فرمود که حق
تعالی روزیهای مؤمنان را از
جایی چند مقرر فرموده که
کمان نداشته باشند تا بسیار
کنند هم که ندانند که روزی از
کجا میرسد دعا بسیار کنند
ودر حدیث دیکر فرمود که
هر که را چهار چیز عطا نمایند
او را از چهار چیز
محروم

الی الله وحسبی الله ونعم الوکیل وترهم
بسوی خدا وکافیست مرا خدا ونیکو معتمدیست او ومی بینی تو ایشان را ای رسول
ینظرون الیك وهم لا یبصرون اتی امر
که نکاه میکنند بسوی تو بحسب ظاهر وحال آنکه ایشان نمی بینند ترا بحسب حقیقت آمد فرمان
الله فلمت حجة الله غلبت کلمة الله علی
خدا بعذاب ظفر یافته است حجت خدا غالب شده است قدرت وقوت خدا بر
اعداء الله الفاسقین وجنود ابلیس اجمعین
دشمنان خدا که بیرون رفتکان از ایمانند وبر سپاه شیطان همکی
لن یضروکم الا اذی وان یقاتلوکم
هرکز ضرر نمیتوانند رسانیدن بشما مکر اندکی واکر کارزار نمایند با شما
یولوکم الادبار ثم لا ینصرون ضربت
میکردانند بشما پشتهای خود را پس یاری کرده نمیشوند ایشان زده شده
علیهم الذلة اینما ثقفوا اخذوا وقتلوا
بر ایشان خواری هر کجا که یافت شوند کرفته شدند وکشته شدند ایشان

تقتیلا لا یقاتلونکم جمیعا الا فی

کشته شده خفیف و خوار کارزار نمیکنند یهودان با شما در حالی که متفق باشند مگر آنکه در

قری محصنة او من وراء جدر باسهم

قریهای قلعه و حصاردار باشند یا از عقب دیوارها حرب ایشان

بینهم شدید تحسبهم جمیعا و قلوبهم

در میان خودشان سخت است گمان میکنی تو ایشان را که متفق اند با یکدیگر و حال آنکه دلهای ایشان

شتی ذلک بانهم قوم لا یعقلون تحصنت

مختلف و پراکنده است این بسبب آنست که ایشان گروهی اند که نمی یابند حق را قلعه خود قرار دادم

منهم بالحفظ المحفوظ فما استطاعوا ان

از شر ایشان نگاه داشتن ترا که محفوظ است کسی که پناه آورد بآن پس نتوانستند آنکه بالا

یظهروه و ما استطاعوا له نقبا اویت

روند آن قلعه را و قدرت نداشتند مر آنرا که سوراخ کنند متوجه شدم

الی رکن شدید و الجات الی کهف

بسوی جانبی بسیار محکم و پناه بردم بسوی محل پناه

رفیع

رفیع و تمسکت بالحبل المتین و

بلند و دست زدم بدین محکم و

تدرعت بدرع الله الحصینة و تدرقت

صاحب زره شدم بسبب زره خدا بسیار محکم و سپر خود قرار دادم

بدرقة امیر المؤمنین و تعوذت بعوذة

سپر امیر المؤمنین علیه السلام را و پناه گرفتم بچیزی که پناه گرفت بآن

سلیمن بن داود و تختمت بخاتمه فانا

سلیمان پسر داود و انگشتری خود قرار دادم انگشتری او را پس من

حیثما سلکت امن مطمئن و عدوی

بهر کجا که روم هستم ایمن در کمال آرام و دشمن من هست

فی الاهوال حیران قد حف بالمهانة

در هولها و ترسها سرگردان بتحقیق که فرو گرفته است او را خفت و ذلت

والبس الذل و قنع بالصغار و ضربت علی

و در بر کرده شده است او را لباس خواری را و پوشیده شده است سر او بمقنعه ذلت و کوچکی و زده ام بر

نفسی سرادق الحیاطة و لبست درع

نفس خود سراپردهٔ محافظت را و در بر کرده ام زره

الحفظ و علقت علی هیکل الهیبة

نگاه داشتن را و بسته و آویخته ام بر خود هیکل هیبت را

و توجت بتاج الکرامة و تقلدت

و بر سر خود گذاردم تاج کرامت و شرف را و بر میان بسته

بسیف العز الذی لا یفل و خفیت عن

شمشیر عزت را که کند نمیشود و پنهان گشتم از

اعین الباغین و تواریت عن الظنون و

چشمهای ظالمان و پوشیده شدم از گمانهای بد دشمنان و

امنت علی نفسی و سلمت من اعدائی بجلال

و ایمن گشتم بر نفس خود و سالم شدم از شر دشمنان خود به بزرگواری

الله فهم لی خاضعون و عنی نافرون

خدا پس دشمنان برای من فروتنی کننده گانند و از من گریزان و دور شونده

کانهم

کانهم حمر مستنفرة فرت من قسورة

گویا که ایشان خرهای وحشی رم کننده اند که گریخته اند از شیران

قصرت ایدیهم عن بلوغی و عمیت ابصارهم

کوتاه است دستهای ایشان از رسیدن بمن و کور است دیدهای ایشان

عن رؤیتی و خرست السنتهم عن ذکری

از دیدن من و گنگ است زبانهای ایشان از یاد کردن من

و ذهلت عقولهم عن معرفتی و تخوفت

و غافل است عقلهای ایشان از شناختن من و ترسیده است

قلوبهم و ارتعدت فرایصهم و نفوسهم

دلهای ایشان و لرزیده و مضطرب است پهلوهای ایشان و نفسهای ایشان

من مخافتی بالله الذی لا اله الا هو یا هو

از ترس من ببرکت خدائی که نیست خدائی مگر او ای خدا

یا من لا اله الا هو افلل جنودهم و اکسر

ای کسیکه نیست خدائی مگر او کند کن تندی حملهٔ سپاه ایشان را و بشکن

شوكتهم ونكس رؤسهم واعمِ ابصارهم

شان وشوکت ایشانرا و سرنگون کن سرهای ایشانرا و کور کن چشمهای ایشانرا

فظلت اعناقهم لي خاضعين وانهزم

پس گردید گردنهای ایشان برای من فروتنی کنندگان و گریخت

جيشهم وولوا مدبرين سيهزم الجمع و

سپاه ایشان و برگشتند در حالی که بودند پشت کنندگان زود باشد که گریخته شود جمع

يولون الدبر بل الساعة موعدهم والساعة

کافران و برگردانند پشتهای خود را بلکه روز قیامت وعده گاه عذاب ایشانست و عذاب قیامت

ادهى وامر وما امر الساعة الا كلمح

سختتر و تلخ تر است و نیست فرمودن قیام قیامت مگر مثل نگاه

البصر علوت عليهم بعلو الله الذي كان

کردن چشم فایق آمدم و غلبه نمودم بر ایشان ببرکت بلندی خدا که بود آنکه غلبه

يعلو به على صاحب الحروب منكس الرايات

مینمود ببرکت آن علی بن ابی طالب که صاحب جنگهای عظیم و سرنگون کننده علمهای

ومبيد الاقران وتعوذت باسماء الله

کافران و هلاک کننده سرکردهای دشمنان است و پناه بردم بنامهای خدا

الحسنى وكلماته العليا وظهرت

که نیکویند و ببرکت صفتهای او که بلندند و غلبه نمودم من

على اعدائي بباس شديد وامر رشيد

بر دشمنان خود م بعقوبت کردن بسیار سخت و عذابی بسیار شدید

واذللتهم وقمعت رؤسهم وظلت

و ذلیل و خوار کردم ایشان را و کوبیدم سرهای ایشانرا و گردید

اعناقهم لي خاضعين فخاب من ناواني

گردنهای ایشان برای من فروتنی کننده پس زیان مند و ناامید شد کسی

وهلك من عاداني وانا المؤيد المنصور

قصد نمود مرا و هلاک شد کسی که دشمنی نمود با من و منم قوت داده شده یاری کرده شده

والمظفر المتوج المحبور وقد لزمت

و ظفر یافته شده و صاحب تاج کرامت و نعمت داده شده و بتحقیق که ملازم شدم من

كلمة التقوى واستمسكت بالعروة

کلمه تقوی و پرهیزکاری را و دست زده ام من بدسته

الوثقى واعتصمت بحبل الله المتين

محکم و چنگ در زده ام من بدین اسلام که از جانب خدا و قوی است

فلن يضرني كيد الكائدين وحسد

پس ضرر نمیرساند بمن مکر مکر کنندگان و رشک

الحاسدين ابد الآبدين ودهر الداهرين

رشک برندگان تا آخر زمانه و منتهای روزگار

فلن يراني احد ولن ينذرني احد قل

پس نمیبیند مرا کسی تا آنکه ضرر رساند بمن و نمیتواند بترساند مرا کسی بگو

انما ادعو ربي ولا اشرك به احدا

تو ای محمد که نمیخوانم من مگر پروردگار خود را و شریک نمیکنم بخدا کسی را

اسئلك يا متفضل ان تتفضل علي

سؤال میکنم ترا ای بسیار احسان کننده آنکه احسان نمائی تو بر

بالامن والايمان على نفسي وزوجي

من بامنیت و بایمان بر نفس من و زوج من

بالسلامة من اعدائي وان تحول بيني و

بسلامت بودن از شر دشمنان من و آنکه حایل و مانع سازی میان من و

بين شرهم بالملائكة الغلاظ الشداد

میان شر ایشان و فرشتگان بسیار خشمناک سخت گیرنده را

لا يعصون الله ما امرهم ويفعلون

که نافرمانی نمیکنند خدا را در آنچه فرموده است بایشان و میکنند

ما يؤمرون وايدني بالجند الكثيفة

آنچه را مامور شده اند بآن و قوت ده مرا بیاری سپاه بسیار

والارواح العظيمة المطيعة فيحجبونهم

و بروحهای اولیاء بزرگان که فرمان بردارانند تا آنکه قطع نمایند ایشان دشمنانرا

بالحجة البالغة ويقذفونهم بالحجر

بدلیل و برهان که برسد بآنها و بیندازند بآنها سنگهای بدماغ رسیده

مردم مأیوس و نا امید باشد و امید از
غیر خدا نداشته باشد
پس چون خدا انفعالات را
از دل او یابد هر چه سؤال
کند با و عطا میفرماید و این
معنی در دعا بعوق المخلوقین
هم ظاهر است که هر که عظمت
پادشاهی را بیشتر میداند
توقع عطا از او زیاده دارد
و پادشاه نیز در حق توقع
آن و شناسائی او با و
عطا میکند و در این باب
سخن بسیار است
از شرایط استجابت دعا
و الحاح در دعا است و
الحاح نزد مخلوقین باعث
ترک حوصله و قلت کرم
ایشان بد غمامت اما
حق تعالی دوست میدارد
بسبب وسعت لطف
و رحمت نامتناهی که نزد
او در سؤال مبالغه و
الحاح نمایند چنانچه از
حضرت امام محمد باقر علیه
السلام منقولست که
والله که الحاح نمیکند هیچ
مؤمنی بر خدا در حاجت خود
مگر اینکه حق تعالی

الدّامِغِ وَيَضرِبونَهُم بِالسَّيفِ القاطِعِ
بدماغ رسیده را و بزنند آنهارا بشمشیر برنده
وَيَرمونَهُم بِالشِّهابِ الثّاقِبِ وَالحَريقِ
و بیندازند ایشان بجانب آنها ستاره‌ای سوراخ کننده را و آتش سوزان
المُلتَهِبِ وَالشُّواظِ المُحرِقِ وَيَقذِفونَ مِن
زبانه کشنده را و زبانه آتش سوزاننده را و انداخته میشوند دشمنان به تیرهای شهاب
كُلِّ جانِبٍ دُحورًا وَلَهُم عَذابٌ واصِبٌ
از هر طرف از اطراف جهت راندن و آماده است برای آنها عقوبت ثابت دایم
قَذَفتُهُم وَزَجَرتُهُم بِفَضلِ بِسمِ اللهِ
انداختم ایشان را و منع کردم ایشان را بزیادتی استعانت نام خدای
الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ وَبِطٰه وَيٰس وَالذّارِياتِ وَ
بخشنده مهربان و بحق طه و یس و بحق بادهای پراکنده سازنده ابر
الطَّواسينِ وَتَنزيلِ القُرآنِ العَظيمِ وَ
و بحق طسمها و بحق نازل شده که قرآن بزرگست و

الحوامیم

او را بر می آورد و
حضرت صادق علیه السلام
فرمود که حق تعالی مکروه و
دشمن میدارد الحاح کردن
مردم را با یکدیگر در
سؤال و از برای خود این را
دوست میدارد
که از او سؤال نمایند و از
آنچه نزد اوست طلب نمایند
و حضرت رسول صلی الله
علیه و آله فرمود که حق تعالی
رحم کند بنده را که طلب نماید از
حق تعالی حاجتی را پس الحاح نماید
در دعا خواه مستجاب بشود
دعای او و خواه نشود و
حضرت جعفر بن محمد الصادق
علیهما السلام فرمود که
بنده چون دعا میکند حق تعالی
پیوسته در مقام بر آوردن
حاجت اوست مادام که
استعجال نکند و در حدیث
دیگر فرمود که حق تعالی
مراد بندگان خود را میداند
و لیکن دوست میدارد
که او را دعا
کنند و حاجتهای خود را بیان کنند
بنزد او

الحَواميمِ وَبِكٓهيٰعٓصٓ وَبِكافِ كُفيتُ
و بحق حم‌ها و بحق کهیعص و بحق کاف کفایت کرده شدم من
وَبِهاءِ هُديتُ وَبِياءِ يُسِّرَ لي وَبِعَينِ
و بهاء هدایت یافته شدم من و بیاء کلمه یسر یعنی آسان کن برای من و بعین
عَلَوتُ وَبِصادِ صَدَقتُ أَنَّهُ لا إِلٰهَ إِلّا
علوت یعنی غالب گشتم و بصاد صدقت یعنی اقرار نمودم بآنکه نیست خدائی مگر
هُوَ وَبِنونِ نٓ وَالقَلَمِ وَما يَسطُرونَ وَ
او و بحق نون نون و قلم اعلا و بحق آنچه مینویسند نویسندگان و
بِمَواقِعِ النُّجومِ وَبِالطّورِ وَكِتابٍ مَسطورٍ
بحق محلها غروب ستارگان و بحق کوه طور سینا و بحق کتاب نوشته شده
في رَقٍّ مَنشورٍ وَالبَيتِ المَعمورِ وَالسَّقفِ
در صحیفه گشوده شده و بحق خانه آبادان و بحق سقف
المَرفوعِ وَالبَحرِ المَسجورِ إِنَّ عَذابَ رَبِّكَ
بلند کرده شده و بحق دریای مملو بدرستی که عقوبت پروردگار تو

لواقع ما له من دافع فولوا مدبرين وعلى

هر آینه واقع میشود نیست برای آن هیچ دفع کننده پس برگردیدند درحالی که بودند پشت کنندگان

اعقابهم ناكصين وفي ديارهم خائفين

و بر پاشنهای خود بودند بازگشتگان بقهقرا و داخل شدند در خانهای خود درحالی که بودند ترسندگان

فوقع الحق وبطل ما كانوا يعملون

پس ثابت شد حق و راستی و زایل گشت آنچه بودند که عمل میکردند از سحر

فغلبوا هنالك وانقلبوا صاغرين و

پس مغلوب شدند ساحران در آن هنگام و برگشتند درحالی که بودند خوار و ذلیل و

ألقي السحرة ساجدين فوقه الله

افکنده شدند ساحران درحالی که بودند سجده کنندگان پس نگاه داشت او را خدا از

سيئات ما مكروا وحاق بآل فرعون

از بدیهای آنچه حیله نمودند کافران و برگشت بقوم فرعون

سوء العذاب ومكروا ومكر الله

بدی عقوبت و حیله کردند جماعت یهودان و جزای حیله ایشان را داد خدا

والله خير الماكرين الذين قال

و خدا بهترین جزا دهندگان مکاران است آنچنان جماعتی که گفتند بایشان

لهم الناس إن الناس قد جمعوا لكم

منافقان که بدرستی مردمان کفار بتحقیق که اتفاق نموده اند برای کشتن شما

فاخشوهم فزادهم إيمانا وقالوا حسبنا

پس بترسید از ایشان پس زیاده کرد این سخن ایمان ایشان را و گفتند کافیست ما را

الله ونعم الوكيل فانقلبوا بنعمة

خدا و نیکو معتمدیست او و بازگشتند بخانهای خود و عافیت و سلامتی

من الله وفضل لم يمسسهم سوء واتبعوا

از جانب خدا و زیادتی ثوابی نرسید بایشان مکروهی و پیروی نمودند

رضوان الله والله ذو فضل عظيم رب

خشنودی خدا را و خدا صاحب بخشش بسیار و بزرگ است ای پروردگار من

أعوذ بك من همزات الشياطين وأعوذ

پناه میبرم بتو از شر حیلهای شیاطین و پناه میبرم

سواه وجعلنا من بين أيديهم سدا

از و و گردانیدیم از پیش روی ایشان حاجبی را

ومن خلفهم سدا فأغشيناهم فهم لا

و از عقب سر ایشان مانعی پس پوشانیدیم چشمهای ایشان نه

يبصرون اللهم اضرب علي سرادقات

ببینند چیزی را خداوندا بزن بر من سراپردهای

حفظك الذي لا تهتكه الرياح

نگاه داشتن از جانب خود را که پاره نمیکنند او را بادها

ولا تخرقه الرماح واكفني شر ما أخاف

و نمیدرند او را نیزها و کفایت کن مرا از شر آنچه میترسم از آن

بروح قدسك الذي من ألقيته عليه

ببرکت روح منزه خود که هر گاه کسی که بیندازی تو توجه آن روح را

كان مستورا عن عيون الناظرين

بر آنکس خواهد پنهان از چشمهای نظر کنندگان

كبيرا في صدور الخلائق أجمعين

و بزرگ خواهد بود در سینهای آفریدگان همگی

ووفق لي بأسمائك الحسنى وكلماتك

و مهیا کن برای من ببرکت نامهای نیکوی خود و صفتهای

العليا صلاحي في جميع ما أؤمله من

بلند خود اسباب نیکوی مرا در همه آنچه آرزو دارم من از

خير الدنيا والآخرة واصرف عني أبصار

خوبی دنیا و آخرت و برگردان از من چشمهای

الناظرين واصرف عني شر قلوبهم و

نظر کنندگان را و برگردان از من شر دلهای ایشان را و

شر ما يضمرون إلى الخير ما لا يملكه

شر آنچه را که در خاطر پنهان میکنند بسوی اراده نیکی را که مالک نیست آن را

غيرك اللهم إنك أنت مولاي وملاذي

غیر تو خداوندا بدرستی که تو توی صاحب من و ملجأ من

بِكَ رَبِّ اَنْ يَحْضُرُونِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ

بتو ای پروردگار من اگر حاضر شوند مرا شیاطین خداوندا بدرستی که پناه میبرم

بِكَ مِنْ شَرِّ مَا اَخَافُ وَاَحْذَرُ وَاَسْاَلُكَ

بتو از شر آنچه میترسم وحذر میکنم از آن وسؤال میکنم ترا

مِنْ خَيْرِ مَا عِنْدَكَ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللّٰهُ

از بهترین آنچه در نزد تست پس زود باشد که نگاهدارد ترا خدا از شر ایشان

وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا

و اوست شنوا و بسیار داناست نیست حرکتی و نه توانائی مگر

بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ جَبْرَئِيلُ عَنْ يَمِينِي وَ

بخدای بلند مرتبهٔ بزرگ جبرئیل از طرف راست منست و

مِيكَائِيلُ عَنْ شِمَالِي وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

میکائیل از طرف چپ من است وحضرت محمد که رحمت فرستد خدا برا و

وَآلِهِ اَمَامِي وَاللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ يُطِلُّ عَلَيَّ

وآل او از پیش روی منست وخدای تعالی که عزیز و بزرگست مشرف ومطلع برمن

يمنعكم

يَمْنَعُكُمْ مِنِّي وَيَمْنَعُ الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ

باز میدارد شما را از من ومنع میکند شیطان رانده شده را

يَا مَنْ جَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا اُحْجُزْ

از من ای کسی که گردانیده میان دریای روم وفارس حایلی را حایل ومانع شو

بَيْنِي وَبَيْنَ اَعْدَائِي حَتّٰى لَا يَصِلُوا اِلَيَّ بِسُوءٍ

میان من ومیان دشمنان من تا آنکه نرسند بسوی من بدی وضرر را

سَتَرْتُ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ بِسِتْرِ اللّٰهِ الَّذِي

پرده وحایل قرار دادم از میان خود ومیان ایشان پرده وحجاب خدا آنچنان پرده

يُسْتَتَرُ بِهِ مِنْ سَطَوَاتِ الْفَرَاعِنَةِ وَمَنْ

که پنهان شدند بسبب آن پیغمبران از حمله ها وخشمها ظالمان وکافران وکسی

كَانَ فِي سِتْرِ اللّٰهِ كَانَ مَحْفُوظًا

باشد در پرده پناه خدا خواهد بود نگاه داشته شده

حَسْبِيَ اللّٰهُ الَّذِي يَكْفِي مَا لَا يَكْفِي اَحَدٌ

کافیست مرا خدا مرا کارگذاری میکند آنچه را که کفایت نمیکند مرا کسی غیر او

فَبِكَ اَلُوذُ وَاَنْتَ مَعَاذِي فَبِكَ اَعُوذُ

پس بتو ملتجی میشوم وتوئی پناه من پس بتو پناه می آورم

يَا مَنْ دَانَتْ لَهُ رِقَابُ الْجَبَابِرَةِ وَخَضَعَتْ

ای کسی که اطاعت کرده برای او گردنهای صاحبان جبروت وفروتنی کرده است

لَهُ عَمَالِيقُ الْفَرَاعِنَةِ اَجِرْنِي اَللّٰهُمَّ

برای او جماعت عمالقهٔ کافران وظالمان پناه ده مرا خداوندا

مِنْ خِزْيِكَ وَكَشْفِ سِتْرِكَ وَنِسْيَانِ

از رسوا نمودن تو مرا واز برداشتن پردهٔ خود از روی کار من واز فراموش نمودن

ذِكْرِكَ وَالْاِضْرَابِ عَنْ شُكْرِكَ

یاد آوری تو واز اعراض کردن از شکرگذاری تو

اَنَا فِي كَنَفِكَ لَيْلِي وَنَهَارِي وَنَوْمِي

من در پناه محافظت توام در شب من وروز من ودر خواب من

وَقَرَارِي وَانْتِبَاهِي وَانْتِشَارِي ذِكْرُكَ

وآرام من ودر بیداری من ودر حرکت من بیاد آوردن

شعاری

شِعَارِي وَثَنَاؤُكَ دِثَارِي اَللّٰهُمَّ

ترا جامهٔ بالائی منست وستایش کردن من ترا بزبان جامهٔ بالای منست خداوندا

اِنَّ خَوْفِي اَمْسَى وَاَصْبَحَ مُسْتَجِيرًا بِكَ

بدرستی که ترس من داخل در شام گشته است مراد داخل در صباح نموده است در حالتی که پناه آورنده است بتو

وَبِاَمَانِكَ مِنْ خَوْفِكَ وَسُوءِ عَذَابِكَ

وبامان دادن تو مرا از ترس تو واز بدی عقوبت تو

وَاضْرِبْ عَلَيَّ سُرَادِقَاتِ حِفْظِكَ وَ

وبزن بر من سراپرده های نگاهدارنده از جانب خود را و

اُرْزُقْنِي حِفْظَ عِنَايَتِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ

روزی کن بمن نگاهداشتن توجه خود را بشفقت خود ای رحم کننده ترین

الرَّاحِمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

رحم کنندگان مستجاب گردان دعاء مرا ای پروردگار عالمیان

شرح حرز حضرت فاطمه علیها السلام

ابن طاوس گوید که ذکر میکنم دعائی که انتخاب نموده ام

شرح

از دعاهای سیدهٔ ما و مادر معظمهٔ ما حضرت فاطمهٔ
سیدهٔ زنان عالمیان و دختر سید المرسلین صلوات الله
علیهما و علی آلهما پس از آن جمله دعاییست که تعلیم نمودند
آنرا بایشان حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت
کرده شده ما باسندهای خود تا ابی الفضل محمد بن مطلب
شیبانی باین نحو که نقل نمودم از جزو سیم از کتاب آمالی او
بسندهای او که رساندهاست آنرا بمولای ما حضرت امام
حسن بن علی بن ابی طالب علیهما السلام که روایت نمودند
از مادر خود حضرت فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیهما
و آلهما و همچنین یافتیم ما این دعا را بسندهای صحیح انکه
حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند بحضرت
فاطمهٔ زهرا علیها السلام که ای دختر من آیا میخواهی که بیاموزم
ترا دعایی که نمیخواند آنرا احدی مگر آنکه برآورده شود حاجت او
و تاثیر نکند در تو بیرکت این دعا هیچ سحری و نه زهری و
شماتت ننماید بر تو هیچ دشمنی و شیطان متعرض تو نگردد
و خدای تعالی روی توجه خود را از تو باز ندارد و بر طرف نکند
از تو رحمت خود را و برنگرداند دعای ترا و برآورد همهٔ حاجتهای
ترا پس حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند که بلی میخواهم ای پدر
بدرستی که این دعا در نزد من دوست تر از دنیا و آنچه در اوست
پس حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله فرمودند که بگو
اینرا یعنی چون بخوانی این دعا را جناب پروردگار تعالی شانه در

جواب

جواب گوید که بلی بلی مستجاب میکردانم برای تو دعای ترا یا اعزّ مذکورٍ و اقدمَه
وحرز ایست ای عزیزترین کسی که یاد آورده شده است و ای پیشترین
قِدَماً فی العزِّ و الجبروتِ یا رحیمَ کلِّ
از برای پیشی گرفتن در عزت و بزرگواری ای رحم کننده هر رحم
مسترحمٍ و یا مفزعَ کلِّ ملهوفٍ الیه
طلب کننده و ای پناه هر ستم رسیده بسوی او
یا راحمَ کلِّ حزینٍ یشکو بثَّه و حزنَه
ای رحم کننده هر اندوهناکی که شکوه نماید غم و اندوه خود را
الیه یا خیرَ من سُئل المعروفُ منه
بسوی او ای بهترین کسی که طلب کرده شده احسان از او
و اسرعَه اعطاءً یا من تخاف الملائکةُ
و زودترین کسی برای بخشش کردن ای کسی که میترسند فرشتگان
المتوقّدةُ بالنّور منه اسئلک بالاسماءِ
برافروخته بنور از هیبت او سؤال میکنم ترا بحق این نامهای

از حضرت
صادق علیه السلام
منقولست که هر که چهل مؤمن
را مقدم دارد و از برای ایشان
دعا کند پس از برای خود دعا
کند دعایش مستجاب میگردد
و حضرت امام محمد باقر علیه
السلام فرمود که زودترین
دعاها باجابت دعای مؤمن
است که از برای برادر مؤمن
خود دعا کند غایبانه زیرا که
موکّلست بدعای او که میگوید
آمین و از برای تو دو
برابر آنچه از برای برادر خود
دعا کردی عطا میفرماید
و از حضرت رسول صلی
الله علیه و آله منقولست
که هر مؤمنی که از برای مؤمنین
و مؤمنات دعا کند
خدا بعدد هر مؤمنی که گذشته
است و خواهد آمد از
اوّل تا آخر دنیا مثل آنچه
برای ایشان دعا کرده است
باو برگرداند و بدرستی که
بنده را در قیامت امر کنند
که بجهنم برند پس ملائکه او را
کشند و بجهنم برند در
آن حال

الّتي يدعوك بها حملة عرشك ومن

که خوانند ترا بآن نامها بردارندهای عرش تو و کسی که

حول عرشك بنورك يسبّحون شفقة

دور عرش تست بوکت نور تو که تسبیح میکنند از روی ترس

من خوف عقابك وبالاسماء الّتي

از ترس عذاب تو و بحق آن نامهای که

يدعوك بها جبرئيل وميكائيل

میخوانند ترا بآن نامها جبرئیل و میکائیل

واسرافيل الّا اجبتني وكشفت يا الهي

و اسرافیل البته که اجابت کنی مرا و برطرف کنی ای خدای من

كربي وسترت ذنوبي وغفرتها يا من

اندوه مرا و بپوشانی گناهان مرا و بیامرزی تو آنها را ای کسی

امر بالصّيحة في خلقه فاذا هم بالسّاهرة

که امر نموده باواز نمودن در میان آفریدگان خود ناگاه ایشان در صحرای قیامت

يحشرون

مؤمنان گویند
و مؤمنات که پروردگارا
این بنده در دنیا برای ما دعا میکرد
و حق او بر ما داریم
شفاعت ده در حق او پس
خدا ایشانرا شفیع او کند
و او بشفاعت ایشان نجات
یابد و از حضرت امام موسی
کاظم علیه السلام منقول
است که هر که از برای برادر
خود دعا کند در غیبت او
از عرش ندا رسد که از برای
تو صد هزار برابر آنچه
از برای او دعا کردی و بعضی از اولیاء
دعا کردی و بغیر صد هزار برابر
هنا برای او محقق مضمون
این گفته است که مستجاب
میشود دعا نیز و از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که
چون ظلمی بر کسی واقع شود و
او نفرین کند بر کسی که بر او
ظلم کرده است حق سبحانه
و تعالی میفرماید که
هست کسی که تو نفرین میکنی
و او ظلم کرده و تو را او را
و اگر میخواهی نفرین ترا
مستجاب کنیم و اگر
میخواهی هر دو را تاخیر کنیم تا
عفو و رحمت

يحشرون وبذلك الاسم الّذي احييت

محشور میشوند و بحق آن نامی که زنده میکنی

به العظام وهي رميم احي قلبي و

بسبب آن استخوانها را و حال آنکه آنها پوسیده‌اند زنده گردان دل مرا و

اشرح صدري واصلح شأني يا من

بگشای سینه مرا برای قبول حق و نیکو گردان حال مرا ای کسی

خصّ نفسه بالبقاء وخلق لبريّته

که مخصوص ساخته نفس خود را به باقی بودن و تعیین نموده برای مخلوقات خود

الموت والحيوة والفناء يا من فعله

مرگ و زندگی و برطرف شدن را ای کسی که کردار او

قول وقوله امر وامره ماض على ما

گفتار اوست و گفتار او فرمان اوست و فرمان او جاری است بر آنچه

يشآء اسألك بالاسم الّذي دعاك

میخواهد سوال میکنم ترا بآن نامی که خوانده است ترا

بِهِ خَلِيلَكَ حِينَ أُلْقِيَ فِي النَّارِ فَدَعَاكَ

بان نام که دوست تو ابرهیم درهنگامی که انداخته شده در آتش پس خواند ترا

بِهِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَقُلْتَ يَا نَارُ كُونِي

بآن نام پس براوردی تو برای او دعای او را و فرمودی که ای آتش باش تو

بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرٰهِيمَ وَبِالْاِسْمِ الَّذِي

سرد و سلامت برابرهیم و بحق آن نامی که

دَعَاكَ بِهِ مُوسَىٰ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ

خواند ترا بآن نام موسی از جانب کوه طور مبارک

فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَبِالْاِسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ

پس براوردی تو برای او دعای او را و بنامی که افریده تو

بِهِ عِيسَى بْنَ مَرْيَمَ مِنْ رُوحِ الْقُدُسِ وَ

برکت آن عیسی بن مریم را از روح پاکیزه و

بِالْاِسْمِ الَّذِي تُبْتَ بِهِ عَلَىٰ دَاوُدَ

بآن اسم که قبول توبه نمودی برکت آن برای داود

بالاسم

بِالْاِسْمِ الَّذِي وَهَبْتَ بِهِ لِزَكَرِيَّاءَ

و بان نام که بخشیده ای برکت ان بزکریا

يَحْيَىٰ وَبِالْاِسْمِ الَّذِي كَشَفْتَ بِهِ

یحیی را و بآن نام که برطرف نموده برکت آن

عَنْ أَيُّوبَ الضُّرَّ وَسَخَّرْتَ بِهِ لِسُلَيْمٰنَ

از ایوب آزار و بلا را و مسخر گردانیدی برکت آن برای سلیمان

الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ وَالشَّيَاطِينَ وَعَلَّمْتَهُ

باد را که جاری شود بفرمان او و جنیان را و فهمانیده باو

مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَبِالْاِسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ

زبان مرغان را و بحق ان نام که افریده تو

بِهِ الْعَرْشَ وَبِالْاِسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ

برکت آن عرش را و بآن نام که آفریده تو برکت آن

الرُّوحَانِيِّينَ وَبِالْاِسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ

فرشتگان لطیف را و بآن نام که افریده تو برکت

اَلجِنِّ وَالاِنسِ وَبِالاِسمِ الَّذِی خَلَقتَ

آن جنیان واومیان را وبان نام که آفریده

بِهٖ جَمیعَ الخَلقِ وَبِالاِسمِ الَّذِی خَلَقتَ

بیرکت ان همه افریدگان را وبآن نام که آفریده توبرکت آن

بِهٖ جَمیعَ مَا اَرَدتَ مِن شَیءٍ وَبِالاِسمِ

نام همه انچه خواسته توان را ازهر چیز وبآن نام

الَّذِی قَدَرتَ بِهٖ عَلٰی کُلِّ شَیءٍ اَسأَلُكَ

که توانای تو بآن برهر چیز سؤال میکنم ترا

بِحَقِّ هٰذِهِ الاَسمَآءِ اِلَّا مَا اَعطَیتَنِی

بحق این نامها انکه نکنی من کاری مگر انکه بخشی مِن

سُؤلِی وَقَضَیتَ حَوَآئِجِی یَاکَرِیمُ

مطلب مرا وبرا وری تو مطلبهای مرا ای بخشنده

دعای توسل بحضرات ائمه معصومین علیهم السلام از

سید جلیل عظیم القدر والمنزلة سید رضی الدین بن طاوس

رضوان الله علیهم در کتاب مهج الدعوات از ابو حمزهٔ
ثمالی که از اصحاب سید الساجدین زین العابدین علی بن
الحسین علیهما السلام است روایت کرده که ابو حمزه گفت
که دست پسر من شکست اورا آوردم نزد یحیی بن عبد الله
شکسته بند پس چون یحیی نگاه کرد بسوی او
گفت شکستگی بدی می بینم بعد از ان رفت بغرفهٔ که
داشت که اسباب شکسته بندی را بیاورد چون او
رفت مرا بخاطر آمد همانساعت دعائی که از حضرت امام زین
العابدین علی بن الحسین علیهما السلام یاد داشتم پس دست
پسر خود گرفتم واین دعا را براو خواندم ودست برآن شکستگی
مالیدم وبعد از خواندن دعا درست شد آن شکستگی
بامر خدای تبارك وتعالی پس چون یحیی بن عبد الله شکسته
بند آمد هیچ اثری از آن شکستگی ندید گفت دست
دیگر را بدہ آنرا هم ملاحظه کرد هیچ شکستگی ندید پس
از آن گفت سبحان الله من حالا شکستگی فاحشی دیدم
پس این برطرف شد باین زودی چه جهت داشته باشد
امّا این عجب نیست از سحرهای شما شیعیان چون این حرف
را گفت من او را نفرین کردم ودشنام دادم وگفتم
سحر نیست بلکه این برکت دعاییست که مولای من علی بن
الحسین علیهما السلام بمن آموخت حالا بخاطرم آمد خواندم
دست پسر من درست شد پس یحیی بن عبد الله شکسته بند

کفت این دعا را بمن تعلیم کن کفتم حاشا چون این
سخن کفتی قابل آن نیستی که ترا بیاموزم حمران بن اعین
میکوید که من با بو حمزه کفتم که ترا بخدا سوکند میدهم
که این دعا را بمن تعلیم کنی کفت چنین باشد این نفع را بتو
رسانم بنویس من نوشتم و جمعی دیگر از علماء امامیه رضوان
الله علیهم بهمین نحوی که سید بن طاوس در شرح این
دعا مذکور ساخته ایشان نیز نقل نموده اند با ابن زیاد
که یحیی بن عبد الله شکسته بند چون دید که دست آن
پسر درست شد و هیچ اثری از شکستگی در آن باقی نیست
بسیار متعجب شد از سر آن پرسید و قسم داد که را او کتمان
نکنم ابو حمزه میکوید که کفتم که ببرکت آن دعاییست که
مولای من حضرت امام زین العابدین علیه السلام از پدر
خود حضرت امام حسین علیه السلام و او از حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام و او از حضرت محمد مصطفی صلی الله
علیه و آله روایت نموده من این دعا را خواندم و ببرکت این
دعاء توسل بحضرات چهارده معصوم علیهم السلام حضرت
حق سبحانه و تعالی شفا داد یحیی بن عبد الله شکسته بند
دین تشیع را اختیار نموده و از آن طریقهٔ باطلهٔ خود برکشت
و کفت که اگر حضرت رسول الله و [illegible] اهل بیت او را صلوات
الله علیهم اجمعین کمال قرب و [illegible] در نزد خدای تعالی
نمیبود هرگز حق سبحانه و تعالی این دست شکسته را

درست نمیکرد این مجملیست از آنچه در شرح این
دعا ذکر نموده اند و این دعا بسیار معتبر است در هر شدت
و سختی و هر حاجت که باشد بخوانند که البته مستجابست

و دعا این است بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشایندهٔ مهربان

يَا حَيُّ قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ يَا حَيُّ بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ

ای زندهٔ پیش از هر زنده ای زندهٔ بعد از هر زنده

يَا حَيُّ مَعَ كُلِّ حَيٍّ يَا حَيُّ حِينَ لَا حَيَّ يَا حَيُّ

ای زندهٔ با هر زنده ای زنده در وقتی که نیست هیچ زنده ای زنده

يَبْقَى وَيَفْنَى كُلُّ حَيٍّ يَا حَيُّ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ

که باقی میمانی تو و بر طرف میشود هر زنده ای زندهٔ که نیست خدا مگر تو

يَا حَيُّ يَا كَرِيمُ يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَى يَا قَائِمُ

ای زنده ای بخشنده ای زنده کنندهٔ مردگان ای ایستاده و حاکم

عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ إِنِّي أَتَوَجَّهُ

بر هر نفسی با آنچه کسب کرده است بدرستی که روی می آورم من

اِلَیْکَ وَاَتَوَسَّلُ اِلَیْکَ وَاَتَقَرَّبُ اِلَیْکَ
بسوی تو وتوسل میشوم بسوی تو ونزدیکی میجویم بسوی تو
بِجُودِکَ وَکَرَمِکَ وَرَحْمَتِکَ الَّتِیْ وَسِعَتْ
به بخشش تو وکرم تو وشفقت تو که گنجایش دارد
کُلَّ شَیْءٍ وَاَتَوَجَّهُ اِلَیْکَ وَاَتَوَسَّلُ
هر چیزرا وروی می آورم من بسوی تو وتوسل میجویم
اِلَیْکَ بِحُرْمَةِ الْقُرْاٰنِ وَبِحُرْمَةِ الْاِسْلَامِ
بسوی تو بحرمت قرآن وبحرمت دین اسلام
وَشَهَادَةِ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَکَ
وبحرمت گواهی آنکه نیست خدایی بغیر از تو که یکتایی کر
لَا شَرِیْکَ لَکَ وَاَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُکَ وَ
نیست شریکی برای تو وآنکه محمد بندهٔ تو و
رَسُوْلُکَ وَاَتَوَجَّهُ اِلَیْکَ وَاَتَوَسَّلُ
فرستادهٔ تست برخلایق وروی می آورم بسوی تو وتوسل میجویم

اِلَیْکَ وَاَسْتَشْفِعُ اِلَیْکَ بِنَبِیِّکَ
بسوی تو وشفیع میکنم بسوی تو پیغمبر ترا که
نَبِیِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ
پیغمبر رحمت است وآن محمد است رحمت فرستد خدا براو وبر آل او
وَسَلَّمَ تَسْلِیْمًا وَبِاَمِیْرِ الْمُؤْمِنِیْنَ عَلِیِّ
وستایش کند خدا بر آنها ستایش کردنی وامیر مؤمنان را که علی
بْنِ اَبِیْ طَالِبٍ وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَآءِ وَالْحَسَنِ
پسر ابوطالبست وفاطمه صاحب روشنی ونور را وامام حسن
وَالْحُسَیْنِ عَبْدَیْکَ وَاَمِیْنَیْکَ وَحُجَّتَیْکَ
وامام حسین را که هر دو بندهٔ تو واعتماد داشته شدهای تو وحجتهای تو اند
عَلَی الْخَلْقِ اَجْمَعِیْنَ وَعَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ
برآفریدگان همه وعلی پسر امام حسین را
زَیْنِ الْعَابِدِیْنَ وَنُوْرِ الزَّاهِدِیْنَ وَوَارِثِ
که زینت عبادت کنندگان ونور پارسایان ومیراث برنده

عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَاِمَامِ

علم پیغمبران وفرستادکان است وپیشوای

اَلْخَاشِعِينَ وَوَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ وَالْقَائِمِ

فروتنی کنندکان ودوست مؤمنان وخلیفه

فِي خَلْقِكَ اَجْمَعِينَ وَبَاقِرِ عِلْمِ

درمیان آفریدکان است همکی وامام محمد باقررا که جمع کنندهٔ

الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَالدَّلِيلِ عَلَى اَمْرِ

علم پیشینیان وپسینیان است وره‌نمای بر امر

النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْمُقْتَدِي بِآبَائِهِ

پیغمبران وفرستادکان است وپیروی کننده است بپدران خود

الصَّالِحِينَ وَكَهْفِ الْخَلْقِ اَجْمَعِينَ

که صالح‌اند وپناه آفریدکان است همه

وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ مِنْ اَوْلَادِ

وامام جعفر پسر محمد باقررا که راست کوی واز اولاد

البنر

النَّبِيِّينَ وَالْمُقْتَدِي بِآبَائِهِ الصَّالِحِينَ

پیغمبران است وپیروی کننده است بپدران خود که صالحان اند

وَالْبَارِّ مِنْ عِتْرَةِ الْبَرَرَةِ الْمُتَّقِينَ وَوَلِيِّ

ونیکوکار واز جملهٔ ذریهٔ نیکوکاران وپرهیزکاران است ودوستدار

دِينِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى الْعَالَمِينَ وَمُوسَى

دین تست وحجت تست برهمهٔ عالمیان وامام موسی

بْنِ جَعْفَرٍ الْعَبْدِ الصَّالِحِ مِنْ اَهْلِ بَيْتِ

پسر امام جعفررا که بندهٔ صالح تست وازاهل خانه

الْمُرْسَلِينَ وَلِسَانِكَ فِي خَلْقِكَ اَجْمَعِينَ

پیغمبران است وزبان کویای تست درمیان آفریدکان تو همکی

وَالنَّاطِقِ بِاَمْرِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى بَرِيَّتِكَ

وکوینده است بفرمان تو وحجت تست برخلایق تو

وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا الْمُرْتَضَى الزَّكِيِّ

وحضرت علی پسر امام موسی را که راضی است بفرمان خدا وپسندیدهٔ خدا است وپاکیزه

المصطفى المخصوص بكرامتك والداعي

و برگزیده است مخصوص است بکرامت تو و خواننده است مردمان را

الى طاعتك وحجتك على الخلق اجمعين

بسوی فرمانبرداری تو و حجت و دلیل است بر خلایق همه

ومحمد بن علي الرشيد القائم بامرك

و امام محمد تقی پسر امام علی را که براه راست رفته است و ایستاده بفرمان است

الناطق بحكمك وحقك وحجتك

و گویای بامر تو و حق راست است و دلیل است

على بريتك ووليك وابن اوليائك

بر مخلوقات تو و متولی امر خلایق است از جانب تو و پسر اولیای است

وحبيبك وابن احبائك وعلي بن محمد

و دوست تو و پسر دوستداران تو است و امام علی نقی پسر امام محمد تقی

السراج المنير والركن الوثيق القائم

را که چراغ روشنی بخش راه دین است و قوی معتمد است ایستاده است

بعدلك

بعدلك والداعي الى دينك ودين

بحکم عدل تو و خواننده است مردمان را بسوی دین تو و دین

نبيك وحجتك على بريتك والحسن

پیغمبر تو و حجت است بر آفریدگان تو و امام حسن عسکری

بن علي عبدك ووليك وخليفتك

پسر امام علی نقی را که بنده تو و دوستدار تو و خلیفه تو است بر مردمان

المؤدي عنك في خلقك عن آبائه الصادقين

نقل کننده است حکمهای از جانب تو را در میان خلق تو از پدران خود که راستگویانند

وبحق خلف الائمة الماضين والامام

و توسل میجویم بسوی حجت جانشین امامان گذشتگان و پیشوای

الزكي الهادي المهدي والحجة بعد

پاکیزه راهنمای راه یافته شده که حجت و دلیل است بعد از

آبائه على خلقك المؤدي عن علم نبيك

پدران خود بر خلق تو رساننده است احکام شرع را از جانب پیغمبر تو

وَوَارِثِ عِلْمِ الْمَاضِينَ مِنَ الْوَصِيِّينَ

وارث برنده علم جماعت گذشتگان است از وصیهای پیغمبران

الْمَنصُوصِ الدَّاعِي اِلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ

مخصوص است بکرامت تو خواننده است مؤمنان را بسوی فرمان برداری تو و فرمانبرداری

اٰبَائِهِ الصَّالِحِينَ يَا مُحَمَّدُ يَا اَبَا الْقَاسِمِ

پدران خود که صالحانند ای محمد ای اباالقاسم

بِاَبِي اَنْتَ وَاُمِّي اِلَى اللهِ اَتَشَفَّعُ بِكَ وَ

پدر و مادرم فدای تو باد بسوی خدا شفیع میکنم تورا و

بِالْاَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِكَ وَبِعَلِيٍّ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

امامان را از اولاد تورا و علی را که امیر مؤمنان است

وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيِّ بْنِ

و فاطمه را و امام حسن و امام حسین را و علی پسر

الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ

امام حسین را و محمد پسر علی را و جعفر پسر محمد را

وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَ

و موسی پسر جعفر را و علی پسر موسی را و

مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ

محمد پسر علی را و علی پسر محمد را و حسن عسکری

بْنِ عَلِيٍّ وَالْخَلَفِ الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ اَللّٰهُمَّ

پسر علی را و جانشین ایستاده بدین تو و انتظار کشیده را خداوندا

فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى مَنِ اتَّبَعَهُمْ وَصَلِّ

پس رحمت فرست برایشان و بر کسی که پیروی کرده باشد ایشان را و رحمت فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ صَلٰوةَ الْمُرْسَلِينَ

بر محمد و بر آل محمد رحمتی را که فرستاده بر فرستادگان

وَالصِّدِّيقِينَ وَالصَّالِحِينَ صَلٰوةً لَا

و راست گویان و جماعت صالحان رحمتی را که

يَقْدِرُ عَلَى اِحْصَائِهَا غَيْرُكَ اَللّٰهُمَّ

قادر نباشد بر شماره آن کسی غیر از تو خداوندا

اَلحِقْ اَهْلَ بَیْتِ نَبِیِّكَ وَذُرِّیَّتَهُمْ

برسان اہل خانۂ پیغمبر خود را واولاد ایشان را

وَشیعَتَهُمْ بِنَبِیِّكَ سَیِّدِ الْمُرْسَلینَ

و پیروان ایشان را به پیغمبر خود که بهتر و برگزیدهٔ پیغمبران است

وَالحِقْنا بِهِمْ مُؤْمِنینَ مُخْبِتینَ فائِزینَ

و برسان ما را بایشان در حالتی که باشیم مومنان و تواضع کنندگان و باشیم بهره یافتگان

مُتَّقینَ صالِحینَ خاشِعینَ عابِدینَ

و پرهیزگاران و باشیم نیکوکاران و فروتنی کنندگان و عبادت کنندگان

مُوَفَّقینَ مُسَدَّدینَ عامِلینَ زاكینَ

و توفیق یافتگان و باشیم درست محکم کاران و بجا آورندگان فرمان را و پاکیزگان

مُزَكّینَ تائِبینَ ساجِدینَ راكِعینَ

و پاک شدگان و توبه کنندگان و باشیم سجود کنندگان و رکوع کنندگان

شاكِرینَ حامِدینَ صابِرینَ

و شکر بجای آورندگان و ستایش کنندگان و باشیم صبر کنندگان بر بلاها

محتسبین

مُحْتَسِبینَ مُنیبینَ مُصیبینَ

و از خدا اجر طلب کنندگان و بازگشت کنندگان از گناهان و بحق رسیدگان

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَتَوَلّیٰ وَلِیَّهُمْ وَاَتَبَرَّأُ

خداوندا بدرستی که دوست میدارم من دوستدار ایشان را و بیزاری میجویم

اِلَیْكَ مِنْ عَدُوِّهِمْ وَاَتَقَرَّبُ اِلَیْكَ

بسوی تو از دشمن ایشان و نزدیکی میجویم بسوی تو

بِحُبِّهِمْ وَمَوَدَّتِهِمْ وَمُوالاتِهِمْ وَ

بسبب محبت ایشان و بدوستی ایشان و به پیروی ایشان و

طاعَتِهِمْ فَارْزُقْنی بِهِمْ خَیْرَ الدُّنْیا وَ

بفرمانبرداری ایشان پس روزی کن مرا بحق ایشان نیکوئی دنیا و خیر

الْاٰخِرَةِ وَاصْرِفْ عَنّی بِهِمْ اَهْوالَ یَوْمِ

آخرت را و دور کن از من ببرکت ایشان ترسهای روز

الْقِیامَةِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اُشْهِدُكَ بِاَنَّكَ

قیامت را خداوندا بدرستی که من گواه میگیرم ترا با نکه تو

اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَاَنَّ مُحَمَّدًا وَ

توئی خدا که نیست خدایی مگر تو و اَکه محمد و

عَلِيًّا وَزَوْجَتَهُ وَوَلَدَيْهِ عَبِيْدُكَ وَ

علی و زن او و دو فرزند او بندکان تو و

اِمَاۤؤُكَ وَاَنْتَ وَلِيُّهُمْ فِى الدُّنْيَا وَ

کنیزان تواند و تویی دوستدار ایشان در دنیا و

اْلاٰخِرَةِ وَهُمْ اَوْلِيَاۤؤُكَ وَالْاَوْلَوْنَ

آخرت و ایشان دوستداران تواند و مهربانتر و نزدیکترند

بِالْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِيْنَ وَ

بمردان مؤمن و زنان مؤمنه و مردان مسلمان و

الْمُسْلِمَاتِ مِنْ بَرِيَّتِكَ وَاَشْهَدُ اَنَّهُمْ

زنان مسلمه از همه خلایق تو و گواهی میدهم اکه ایشان

عِبَادُكَ الْمُؤْمِنُوْنَ لَا يَسْبِقُوْنَكَ بِالْقَوْلِ

بندکان مومنان تواند پیشی نمیگیرند ترا بگفتار

وَهُمْ بِاَمْرِكَ يَعْمَلُوْنَ اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَتَوَسَّلُ

و ایشان بفرمان تو میکنند کارها را خداوندا بدرستی که من وسیله میکنم

اِلَيْكَ بِهِمْ وَاَتَشَفَّعُ بِهِمْ اِلَيْكَ اَنْ

بسوی تو ایشان را و شفیع میکنم ایشان را بسوی تو اکه

تُحْيِيَنِىْ مَحْيَاهُمْ وَتُمِيْتَنِىْ عَلٰى طَاعَتِهِمْ

زنده داری مرا مثل زندگی ایشان و بمیرانی مرا بر فرمانبرداری ایشان

وَمِلَّتِهِمْ وَتَمْنَعَنِىْ مِنْ طَاعَةِ عَدُوِّهِمْ

و پیروی دین ایشان و اکه باز داری مرا از اطاعت کردن دشمن ایشان

وَتَمْنَعَ عَدُوَّكَ وَعَدُوِّىْ مِنِّىْ وَتُغْنِيَنِىْ

و منع کنی تو دشمن خود را و دشمن مرا از من و اکه بی نیاز گردانی مرا

بِكَ وَبِاَوْلِيَاۤئِكَ عَمَّنْ اَغْنَيْتَهُ عَنِّىْ وَ

بکرم خود و ببرکت دوستان خود از کسی که بی نیاز گردانیدهٔ تو او را از من و

تُسَهِّلَنِىْ لِمَنْ اَحْوَجْتَهُمْ اِلَىَّ وَاَنْ تَجْعَلَنِىْ

اکه آسان گردانی برمن برآوردن حاجت کسانی را که محتاج گردانیده ایشان را بمن و اکه بگردانی مرا

فِي حِفْظِكَ فِي الدِّينِ وَالدُّنْيا وَالْآخِرَةِ
در پناه خود در دین من و دنیای من و آخرت من
وَتُلْبِسَنِي الْعافِيَةَ حَتّى تُهَنِّئَنِي الْمَعِيشَةَ
و الکه بپوشانی بمن جامهٔ سلامتی را تا الکه گوارا سازی بمن تعیش و زندگانی را
وَالْحَظْنِي بِلَحْظَةٍ مِنْ لَحَظاتِكَ الْكَرِيمَةِ
و نگاه کن بمن بنگاه گوشهٔ چشمی از نگاههای خود که بخشنده
الرَّحِيمَةِ الشَّرِيفَةِ تَكْشِفُ بِها
و از روی رحمت و عزیزست که برطرف نماید بسبب آن نگاه
عَنِّي ما قَدِ ابْتُلِيتُ بِهِ وَتَرُدَّنِي بِها إِلى
از من آنچه را بتحقیق که مبتلا شده‌ام بآن و برگردانی مرا بسبب آن نگاه بسوی
أَحْسَنِ عاداتِكَ وَأَجْمَلِها عِنْدِي فَقَدْ
نیکوترین احسانهای قدیمی خود و بهترین آنها که در نزد منست پس بتحقیق که
ضَعُفَتْ قُوَّتِي وَقَلَّتْ حِيلَتِي وَنَزَلَ بِي
سست شده است توانایی من و کم شده است چارهٔ من و فرود آمده است بمن

تو انان قیمت آن باشد هیچ
عاقل نمی‌گوید که حاجت او را
رد کرده است بلکه او را وسیع
میکند که اضعاف اضعاف
آنچه آن سایل طلبیده باو عطا
فرموده پس در درگاه پادشاه
پادشاهان این گدایان نجاهل
و سایلان نادان مطالب
خسیسه را منظور نظر خود
میگردانند و از حق تعالی
سؤال مینمایند و آن کریم
علی الاطلاق نعمتهای بی‌نهایت
که دنیوی و رحمتهای بیعد
و احصا در برابر عطا میفرماید
و قدر آنها را نمیدانند و از عدم
حصول آن مطالب خسیسه شکایت
مینمایند اما آنچه در آخرت
بایشان کرامت میفرماید درجات
رفیعه و مراتب
عالیه

ما لا طاقَةَ لِي بِهِ فَرُدَّنِي إِلى أَحْسَنِ
آنچه نیست قدرت مرا برفع آن پس برگردان مرا بسوی نیکوترین
عاداتِكَ فَقَدْ أَيِسْتُ مِمّا عِنْدَ خَلْقِكَ
احسانهای قدیمی تو پس بتحقیق که مایوس و ناامید گشتم از آنچه در نزد آفریدگان تست
فَلَمْ يَبْقَ إِلَّا رَجاؤُكَ فِي قَلْبِي وَقَدِيماً ما
پس باقی نمانده است مگر امیدواری از تو در دل من و همیشه است آنچه
مَنَنْتَ عَلَيَّ وَقُدْرَتُكَ يا سَيِّدِي وَرَبِّي
بخشیدهٔ تو آنرا بر من و توانایی تو ای آقای من و پروردگار من
وَخالِقِي وَمَوْلايَ وَرازِقِي عَلى إِذْهابِ
و آفرینندهٔ من و مولای من و روزی دهندهٔ من بر برطرف کردن
ما أَنَا فِيهِ كَقُدْرَتِكَ عَلَيَّ حَيْثُ
آنچه را که من در آنم از بلاها مثل توانایی تست بر من در وقتی که
ابْتَلَيْتَنِي بِهِ إِلهِي ذِكْرُ عَوائِدِكَ يُؤْنِسُنِي
مبتلا گردانیدی تو مرا بآن بلا ای خداوند من یاد آوردن احسانهای تو آرام میدهد مرا

وَرَجاءُ اِنعامِكَ يُقَرِّبُنِي وَلَمْ اَخْلُ

واميد بخشش تو نزديک ميسازد مرا و خالی نبوده ام

مِنْ نِعْمَتِكَ مُنْذُ خَلَقْتَنِي فَاَنْتَ يا رَبِّ

از نعمت تو از وقتی که آفريدی تو مرا پس تو ئی ای پروردگار من

ثِقَتِي وَرَجائِي وَاِلٰهِي وَسَيِّدِي وَالذّابُّ

معتمد من واميدگاه من و خدای من و آقای من و دفع کننده بلا

عَنِّي وَالرّاحِمُ بِي وَالْمُتَكَفِّلُ بِرِزْقِي

از من ورحم کننده بمن وضامن روزی من

فَاَسْئَلُكَ يا رَبِّ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَنْ

پس سؤال ميکنم ترا ای پروردگار من بحق محمد وآل محمد اينکه

تَجْعَلَ رُشْدِي بِما قَضَيْتَ مِنَ الْخَيْرِ وَ

بگردانی راه يافتن مرا بسوی چيزی که حکم نموده برای من از نيکوئی و

حَتَّمْتَهُ وَقَدَّرْتَهُ وَاَنْ تَجْعَلَ خَلاصِي مِمّا

واجب ساخته آنرا ومقدر کرده تو آنرا واينکه بگردانی تو برای من رهائی مرا از آنچه

اَنَا فِيهِ فَاِنِّي لا اَقْدِرُ عَلى ذٰلِكَ اِلّا بِكَ

من دراويم از بليتها پس بدرستی که من قادر نيستم براين خلاصی مگر بقدرت تو

وَحْدَكَ لا شَرِيكَ لَكَ وَلا اَعْتَمِدُ فِيهِ

درحالی که تنهائی تو نيست شريکی برای تو واعتماد ندارم دراين خلاصی

اِلّا عَلَيْكَ فَكُنْ يا رَبَّ الْاَرْبابِ وَيا

مگر برتو پس باش تو معاون من ای پرورنده پرورندگان وای

سَيِّدَ السّاداتِ عِنْدَ حُسْنِ ظَنِّي بِكَ

آقای همه آقايان نزد نيکوئی اعتقاد من بتو

وَاَعْطِنِي مَسْئَلَتِي يا اَسْمَعَ السّامِعِينَ وَيا

وعطا کن بمن سؤال مرا ای شنواترين شنوندگان وای

اَبْصَرَ النّاظِرِينَ وَيا اَحْكَمَ الْحاكِمِينَ

بيناترين بينندگان وای حکم کننده ترين حکم کنندگان

وَيا اَسْرَعَ الْحاسِبِينَ وَيا اَقْدَرَ الْقادِرِينَ

وای زود حساب کننده ترين حساب کنندگان وای قادرترين صاحب قدرتان

وَيا اَقهَرَ القاهِرِينَ وَيا اَوَّلَ الاَوَّلِينَ

واى غلبه كننده ترين غلبه كنندكان واى پيشتر از پيشينيان

وَيا آخِرَ الآخِرِينَ وَيا حَبِيبَ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ

واى آخر همه آنها يكه آخرانند واى دوست محمد وعلى

وَجَمِيعِ الاَنبِياءِ وَالمُرسَلِينَ وَالاَوصِياءِ

وهمه پيغمبران وفرستادكان ووصيهاى

المُنتَجَبِينَ وَيا حَبِيبَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ

بركزيده شدكان واى دوست محمد كه رحمت خدا با د براو

وَآلِهِ وَاَوصِيائِهِ وَاَحِبّائِهِ وَاَنصارِهِ

وبر آل او وبر وصيهاى او ودوستان او ويارى كنندكان او

وَخُلَفاءِ المُؤمِنِينَ وَحُجَجِكَ البالِغِينَ

وجانشينهاى او كه ايمان آورده اند بتو وحجتهاى تو كه رسيده اند براه حق

مِن اَهلِ بَيتِ الرَّحمَةِ المُطَهَّرِينَ الزّاهِدِينَ

وازاهل خانه رحمت اند و پاكان وپرهيزكارانند

خداكردانى وبجمع يقين وايمان ... صفا ونفعا الدرد النعى وبهى از ... لينت كهاازعرش دفعت شنيده واكريعنى مناجات ولذت آن ايعنى ورازهاى نهانيرا بكوشدل بشنوى وكلاريها وبنو ورازنيهاى آن محبوب حقيقى را در هنكام تضرع و دعا ادرا ك نمائى حاجتها و آرزوهاى خودرا بلكه خودرا كم خواهى كرد اكر خصت دنى محجبا دشاهان عاجز دنيا بيابى وكوشه چشم التفات از ايشان بينى تمام حاجتهاى خودرا فراموش ميكنى هيهات هيهات جسم خاكى را مين ... كه اورا باجناب رب الارباب بمشافهه رخصت مكالمه وعرض حاجت داده اند وكليدهاى خزاين رحمت را بزبان او سپرده اند ومتكفل امور ومصالح او كرديده اند وحضرت رب العزت ميفرمايد

جمر

اَجمَعِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافعَل

همكى ايشان رحمت فرست بر محمد وبر آل محمد وبجاى آور

بِي ما اَنتَ اَهلُهُ يا اَرحَمَ الرّاحِمِينَ

بمن آنچه راكه تو سزاوار آنى اى رحم كننده ترين رحم كنندكان

از دعاهايست بجهت دفع دشمنان ونجات يافتن از بلاها

اين دعاييست ازبراى مولاى ما حضرت امام على نقى عليه السلام خبر داد ما محمد بن جعفر بن هشام اصبغى واونقل نموده از يسع بن حمزه قمى كه برسر من ريخت عمرو بن مسعده وزير معتصم خليفه ومقيد نمود مرا تا انكه مى ترسيدم من كه مبادا بريزد خون مرا وپريشان نمايد اولاد وعيال مرا پس نوشتم عريضه بخدمت مولاى خود ابى الحسن امام على نقى عليه السلام وشكوه نمودم بسوى ايشان از آنچه وارد شده بود برمن پس آن حضرت درجواب نوشتند كه مترس تو وهيچ باك نيست ترا وبخوان تواين دعارا كه نجات ميدهد خداى تعالى ترا بزودى از آنچه در آن افتاده وميكردانداز براى تو خلاصى را پس بدرستى كه آل محمد عليهم السلام ميخوانند اين دعارا هركاه روى نمايد ايشان را بلايى ودشمنى نمايد با ايشان

دشمنی و درویشی که بترسند از درویشی و دلتنگی
یسع بن حمزه گفته که پس من خواندم این دعا را که نوشته
بودند آنحضرت آزاد را اول پس قسم بخدا اگر هنوز قدری
از روز رفته بود که آمد فرستاده عمرو بن مسعده وزیر و
گفت که وزیر ترا میطلبد پس برخاستم و نزد او رفتم پس
چون مرا دید تبسم نموده فرمود که زنجیر مرا بر داشتند
و خلعتی از جامهای فاخر خود بمن پوشانید و بوی خوش بر من
مالید و مرا نزدیک خود طلبید و با من تکلم نموده و
عذرخواهی بسیار نمود و آنچه از اموال و اسباب مرا گرفته
بودند همگی را بمن باز پس داد و مهربانی نمود و مرا
بهمان شهری که حکومت داشتم فرستاد و دهات و مواضع
چندی که نزدیک آن بود آنها را نیز علاوه آن نموده حکومت
همه آنها را بمن تفویض نمود

يَا مَنْ تُحَلُّ بِأَسْمَائِهِ عُقَدُ الْمَكَارِهِ

و دعا اینست ای آنکه کشوده میشود به برکت نامهای او گرههای ناخوشیها

وَيَا مَنْ يُفَلُّ بِذِكْرِهِ حَدُّ الشَّدَائِدِ وَيَا مَنْ

وای آنکه کند میشود بسبب یاد نمودن او تندی سختیها وای آنکه

يُدْعَى بِأَسْمَائِهِ الْعِظَامِ مِنْ ضِيقِ الْمَخْرَجِ

خوانده میشود بنامهای بزرگ او واز تنگی بیرون آمدن

و میفرماید که البته از
و دعای مظلوم که حق تعالی
عمیکه بود دعای امام عادل
از پنج دو دعا که دعا لر مجیب
منقولست که پنج دعا مستجاب
مجتبا و صلوات الله علیه
مکه داشته و از حضرت امام
او را خشم میآورد و بسوی دلشان
مستجابست پس
دعایش

برای تو انتقام میکشم اگر چه
بعد از مدتی باشد و دعای
فرزند صالح از برای پدر و
مادر خویش و دعای پدر صالح
از برای فرزند خویش و دعای
مؤمن از برای برادر مؤمن خویش
غایبانه که حق تعالی میفرماید
که تا دو برابر او کرامت کنم
و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله منقولست که
بپرهیزید از نفرین مظلوم
که دعای او را از حجابها
میگذرانند تا آنکه حق تعالی
بسوی آن نظر میفرماید و
میفرماید که بلند کنید دعای
او را که من مستجاب میکنم و
بپرهیزید از نفرین پدر که
از شمشیر تندتر است و در
حدیث دیگر فرمود که چهار
کس اند که دعای ایشان رد
نمیشود تا آنکه
درهای

إِلَى مَحَلِّ الْفَرَجِ ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ الصِّعَابُ

بسوی موضع کشادکی رام شده است برای قدرت تو سرکشندها

وَتَسَبَّبَتْ بِلُطْفِكَ الْأَسْبَابُ وَجَرَى

وسبب کردیده اند بشفقت تو سببها و روان شده است

بِطَاعَتِكَ الْقَضَاءُ وَمَضَتْ عَلَى ذِكْرِكَ

بسبب فرمان برداری تو حکم و جاری شده است بر ذکر تو

الْأَشْيَاءُ فَهِيَ بِمَشِيَّتِكَ دُونَ قَوْلِكَ

چیزها پس همه چیزها بسبب خواهش تو نه بکفتن و امر کردن تو

مُؤْتَمِرَةٌ وَبِإِرَادَتِكَ دُونَ وَحْيِكَ مُنْزَجِرَةٌ

فرمان بردارند و بسبب اراده تو نه بزجر و اعلام کردن تو ممنوعند

وَأَنْتَ الْمَرْجُوُّ لِلْمُهِمَّاتِ وَأَنْتَ الْمَفْزَعُ

و تویی امید داشته شده از برای کارها و تویی پناه

لِلْمُلِمَّاتِ لَا يَنْدَفِعُ مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعْتَ

دربلاهای نازل شونده دفع نمیشود از بلاها مکر آنچه دفع کنی تو آنرا

آسمان کشوده
میشود و دعای ایشان کشوده برای
میشود و دعای پدر از برای
فرزند و نفرین مظلوم بر
ظالم و دعای کسی که بعمره
رفته باشد تا برگردد و دعا
روزه دار تا افطار نماید
از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام منقول
است که رسیده دعاست که از
حق تعالی محجوب نمیگردد و
دعای پدر در حق فرزند اگر
نیکی کند و نفرین پدر بر او
عاق او گردد و نفرین مظلوم بر
ظالم و دعای مظلوم از برای
کسی که او را یاری کند و حق او را
از ظالم بگیرد و دعای
مؤمن که در حق برادر مؤمن
دعا کند که با او مواسات
و احسان کرده باشد برای
خشنودی اهل بیت رسول
صلوات الله علیهم و نفرین
که مؤمن بر کسی کند که محتاج
او شده باشد و او مضطر
باشد و او قدرت بر مواسات
و احسان او داشته باشد
نکند و بسند معتبر دیگر از آن
حضرت منقولست که پنج کس
که دعای ایشان مستجاب
نمیشود

وَلَا يَنْكَشِفُ مِنْهَا اِلَّا مَا كَشَفْتَ

و بر طرف از بلاها بجز آنچه برطرف کنی تو آنرا

وَقَدْ نَزَلَ بِي مِنَ الْاَمْرِ مَا فَدَحَنِي ثِقْلُهُ

وتحقیق که فرود آمده است بمن از امر دشوار آنچه سنگینی نموده است بمن گرانی آن

وَحَلَّ بِي مِنْهُ مَا بَهَظَنِي حَمْلُهُ وَبِقُدْرَتِكَ

و وارد شده است بمن از آن آنچه گران کرده است مرا برداشتن آن و بقدرت خود

اَوْرَدْتَ عَلَيَّ ذٰلِكَ وَبِسُلْطَانِكَ وَجَّهْتَهُ

وارد ساخته تو برمن آن امر را و به پادشاهت خود متوجه گردانیده تو آنرا

اِلَيَّ فَلَا مُصْدِرَ لِمَا اَوْرَدْتَ وَلَا مُيَسِّرَ

بسوی من پس نیست بازگرداننده برای آنچه وارد ساخته تو آنرا و نه آسان کننده

لِمَا عَسَّرْتَ وَلَا صَارِفَ لِمَا وَجَّهْتَ

برای آنچه دشوار نموده تو آنرا و نیست برگرداننده مر آنچه را که متوجه ساخته تو آنرا

وَلَا فَاتِحَ لِمَا اَغْلَقْتَ وَلَا مُغْلِقَ لِمَا فَتَحْتَ

و نه گشاینده مر آنچه را که بسته تو آنرا و نیست کسی که ببندد آنچه را که گشوده باشی تو آنرا

وَلَا نَاصِرَ لِمَنْ خَذَلْتَ اِلَّا اَنْتَ صَلِّ

و نیست یاری کننده برای کسی که یاری نکرده باشی تو آنرا مگر تو رحمت نفرست

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْتَحْ لِي بَابَ الْفَرَجِ

بر محمد و آل محمد و بگشا برای من در رحمت را

بِطَوْلِكَ وَاصْرِفْ عَنِّي سُلْطَانَ الْهَمِّ

باحسان خود و برگردان از من غلبه نمودن اندوه را

بِحَوْلِكَ وَاَنِلْنِي حُسْنَ النَّظَرِ فِيمَا شَكَوْتُ

بقوت خود و برسان بمن نیکویی دیدن را در آنچه شکوه آن کردم

وَاَذِقْنِي حَلَاوَةَ الصُّنْعِ فِيمَا سَاَلْتُكَ

و بچشان بمن شیرینی کار را در آنچه طلب نموده ام از تو

وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ فَرَجًا وَحِيًّا وَاجْعَلْ

و بخش مرا از نزد خود خلاصی و راحتی زود و بگردان

لِي مِنْ لَدُنْكَ مَخْرَجًا هَنِيئًا وَلَا تَشْغَلْنِي

از برای من از نزد خود بیرون رفتنی از این بلای بی تعب و مشغول مگردان مرا

بالاهتمام عن تعاهد فرائضك واستعمال

ببب اندوه از رعایت کردن وجیبهای تو وازبجای آوردن

سننك فقد ضقت بما نزل بی ذرعا

سنتهای تو پس بتحقیق که دلتنگ شده ام من بسبب آنچه نازل شده است بمن از روی

وامتلأت بحملك ما حدث علی جزعا

و پر شده ام درحالتی که متلبسم بتحمل آنچه راکه وارد شده است برمن از بی صبری

وانت القادر علی کشف ما بلیت به

وحال آنکه تو قادری بر برطرف کردن آنچه راکه مبتلا شده ام من بآن

ودفع ما وقعت فیه فافعل ذلك بی

وبر دفع کردن آنچه راکه افتاده ام من درآن پس بکن این کار را بمن

وان کنت غیر مستوجبه منك یا ذا

واگرچه نیستم من سزاوار آن که وارد شود از جانب تو ای صاحب

العرش العظیم وذا المن الکریم فانت

عرش بزرگ وای صاحب بخشش بسیار پس تو

فا

شرح دعای علوی مصری

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله معطی المسئلات دافع البلیات والصلوة

والسلام علی محمد واله الهداة مفاتیح النجاة

وبعد چون دعاء علوی مصری که سید جلیل

ابن طاوس قدس سره در کتاب مهج الدعوات بسندی

که مذکور میشود از برای جمیع مطالب وحوائج

خصوصا از برای دفع عدو وبجربه رسیده است ودعا

با فهمیدن معنی آن بهتر است بنا بر این ترجمه دعا

نیز

قادر یا ارحم الراحمین امین رب العالمین

قادر ای رحم کننده ترین رحم کنندگان مستجاب کن دعای مرا ای پروردگار عالمیان

و دعا بسم الله الرحمن الرحیم اینست

بنام خدای بخشایندهٔ مهربان

اللهم انی اعوذ باسمک الواحد الاحد

خداوندا بدرستی که من پناه میبرم بنام تو که یگانهٔ یکتاست

واعوذ باسمک الاحد الصمد واعوذ

و پناه میبرم بنام تو که یگانهٔ مقصود در حاجتهاست و پناه میبرم

باسمک اللهم العظیم الوتر واعوذ اللهم باسمک

بنام تو خداوندا که بزرگ بیهمتاست و پناه میبرم خداوندا بنام تو

الکبیر المتعال الذی ملأ الارکان کلها

که بزرگ بلند مرتبه است که پر کرده است اطراف عالم را همهٔ آنها را سؤال میکنم

ان تکشف عنی غم ما اصبحت فیه وامسیت

اینکه برطرف کنی از من اندوه آنچه را که صبح داخل میشوم در آن و شام داخل میشوم

نیز نوشته شد سید جلیل ابن طاوس رحمة الله
علیه در کتاب مذکور ذکر کرده است آنچه
حاصل معنی آن اینست که روایت کرد ابو الحسن علی
بن حماد بصری که خبر داد مرا ابو عبد الله حسین بن
محمد علوی که گفت حدیث کرد محمد بن علی علوی
مصری که مرا غمی والمی سخت روی نمود و مخاطرهٔ
عظیمی دست داد از جانب ظالمی که از اهل بلد من بود
و حاکم دیار مصر بود پس از ترس او گریختم و پناه
بردم بمشاهد شریفهٔ ائمه علیهم السلام بتخصیص
حایر امام حسین علیه السلام و زاری و تضرع بسیار
کردم و حال خود را عرض نمودم و پانزده شبانه
روز علی الاتصال در آن مشهد شریف حال خود را

عرض میکردم که در شب پانزدهم ناگاه درمیان
خواب وبیداری دیدم امام زمان حجة الله علی
خلقه صلوات الله علیه وآله را که نزد من حاضر
شد وبمن گفت که ای فرزند ترسیدی از فلان گفتم
بلی واظهار شکایت کردم که با من چنین وچنین
کرد وقصد کشتن من نمود ومن از او گریختم وپناه
بسادات خود آوردم که مرا محافظت نمایند آنحضرت
علیه السلام فرمود چرا دعا را یاد نمیکنی بآن دعائی
که آبا واجداد ما وانبیاء علیهم السلام وقتی که
گرفتار شده خواندند وایشان را فرج رسید
گفتم که آن دعا کدام است آنحضرت علیه السلام فرمود
چون شب جمعه شود برو غسل کن وجامهای پاک بپوش

وبوی خوش بکن وچون آخر شب شود ونماز
شب بگذاری وفارغ شوی از سجدهٔ شکر بدو زانو
بنشین وبتضرع وابتهال این دعا را بخوان علوی مصری
گوید که آنحضرت علیه السلام پنج شب آمد واین
دعا را تعلیم بمن نمود تا تمام را حفظ کردم وتمام شد
تا شب جمعه پس برخواستم در شب جمعه وغسل کردم
وجامهٔ پاک پوشیدم وبوی خوش بکار بردم ودر نصف
آخر شب چون از نماز فارغ شدم سجدهٔ شکر کردم وبدو
زانو نشستم وبخضوع وخشوع وتضرع وابتهال باین دعا
مشغول شدم چون شب شنبه شد دیگر آنحضرت علیه
السلام حاضر شد وفرمود که خدای تعالی دعای ترا
مستجاب گردانید ودر آن ساعت که تو فارغ شدی دشمن

ترا هلاک گردانید چون صبح شد مرا هیچ غمی و المی
نبود بجز جدائی از سادات خود صلوات الله و سلامه علیهم
پس بعد از آن رفتم و وداع یاران و دوستان کردم
و متوجه بلد خود گردیدم در اثنای راه قاصدی از فرزندان من
بمن برخورد و نامه از ایشان بمن رسید و در آن نامه
مذکور بود که در فلان شب جمعه با خاصان خود
نشسته بود و او را هیچ غمی و المی نبود چون وقت
خواب شد و در جامهٔ خواب رفت ملازمان و غلامان
بطریق سابق او را محافظت نموده بودند چون نزدیک
صبح شد دیدند که او بیدار نشد چون ببالین او رفتند
و جامهٔ خواب را از روی او دور کردند دیدند که سر او
بریده و خون از او روان بود و ندانستند که این کار که بوده است

ودر

و در نامه مذکور بود که چون نامه بتو رسد تاخیر
مکن و بتعجیل متوجه اینجانب شو که خدای تعالی
دشمن تورا هلاک گردانید چون بمنزل خود رسیدم
و فرزندان خود را ملاقات نمودم سؤال کردم که در چه
وقت شب جمعه بود که آن حالت روی نمود ایشان
بیان کردند همان وقت بود که من از دعا فارغ شده بودم
علی بن حماد گوید که ابو الحسن علی علوی عریضی مصری
این دعا را بمن داد و با من شرط کرد که این دعا را بمخالفان
ندهم و تا مذهب کسی ندانم که او از دوستان آل محمد است
صلی الله علیه و آله ندهم روزی در بصره شخصی که از
دوستان و محبان من بود و قاضی اهواز بود و با من طریقهٔ
دوستی داشت مرا احتیاج بلاد او بود و لیکن از مخالفان

اهل بیت علیهم السلام بود روزی پادشاه
بصره اورا گرفت و از او خطی گرفت که باید که
روزی بیست هزار درهم بستاند من چون مطلع شدم
بر او رحم کردم و این دعا را باو دادم و هنوز یکهفته
تمام نشده بود که آن سلطان اورا رها کرد و از آنچه
گفته بود از او هیچ نگرفت و خلعت داد و باعزاز
و احترام تمام اورا بمنزل خود روانه کرد من متابعت
کردم اورا تا باهواز و بصره برگردیدم و بعد از ایامی
چون طلب کردم آن دعا را در میان کتابهای خود نیافتم
و از آن کسی که باو داده بودم طلب کردم در جواب من
گفت که در میان کتابهای من بود و اکنون
نیست و از ابو المختار حسینی نیز طلب کردم چون از

برای او نوشته بودم او نیز طلب کرد و در میان
کتابهای خود نیافت و تا بیست سال هرچند
در میان کتابهای خود طلب کردم نیافتم آخر دانستم
که با آن سبب که آن دعا را بمخالف داده بودم این عقوبت
را میکشم توبه کردم و قسم خوردم که بعد از آن اگر
آن را بیابم بمخالف ندهم و بکسی که اعتماد تمام باو
داشته باشم که از دوستان و شیعیان اهل بیت
علیهم السلام است بدهم و از او عهد بگیرم که آنرا
بمخالف ندهد چون این عهد را کردم بعد از آنکه بکرات
و مرات تفحص بسیار کرده بودم و نیافته بودم روزی در
کتابهای خود نظر کردم همین دعا را یافتم دانستم که بد
و دعا کرده بودم که این دعا را بمخالف داده بودم این است

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداى بخشنده مهربان

رب من ذا الذى دعاك فلم تجبه ومن ذا

اى پروردگار من كيست آنكسى كه خوانده باشد ترا پس نياورده باشى تو حاجت اورا وكيست

الذى سالك فلم تعطه ام من ذا الذى رجاك

آنكه سوال كرده باشد ترا پس نداده باشى تو مطلب اورا آيا كيست آنكه اميدوار باشد از تو

فخيبته ام من ذا الذى تقرب اليك

پس نا اميد كرده باشى تو اورا آيا كيست آنكه نزديكى جسته باشد بسوى تو

فابعدته رب هذا فرعون ذو الاوتاد مع

پس دور كرده باشى تو اورا اى پروردگار من آن فرعون كه بود صاحب قوت باوجود

عناده وكفره وعتوه وادعائه الربوبية

دشمنى او وكفر او وسركشى او ودعوى كردن او خدائى را

لنفسه وعلمك بانه لا يتوب ولا يرجع ولا

براى خود وباوجود دانستن تو باينكه او توبه نميكند وبرنميگردد و

يؤمن ولا يخشع استجبت له دعاءه و

ايمان نمى آورد وفروتنى نميكند اجابت نمودى براى او دعاء اورا و

اعطيته سؤله كرما منك وجودا و

بخشيدى باو مطلب اورا از روى كرم از جانب خود وبخشش خود و

قلة مقدار لما سالك عندك مع عظمه

از جهت كمى مرتبه آنچه سوال كرده بود از تو در نزد تو باوجود آنكه بزرگ بود آن

عنده اخذا بحجتك عليه وتاكيدا لها

در پيش او از جهت آنكه فراگيرند دليل خود را براو واز جهت محكم نمودن حجت خود را براو

حين فجر وكفر واستطال على قومه وتجبر

در هنگامى كه ظلم نمود وكافر شد وگردن فرازى نمود بر گروه خود وبزرگى كرد

وبكفره عليهم افتخر وبظلمه لنفسه

وبسبب كفر خود بر قوم خودش سرفرازى نمود وبسبب ستم كردن او بر نفس خود

تكبر وبحلمك عنه استكبر فكتبت على

گردنكشى كرد وبسبب بردبارى تو از او طلب بزرگى نمود پس نوشتى در بر

نَفْسِهِ جُرْأَةً مِنْهُ أَنَّ جَزَاءَ مِثْلِهِ أَنْ يُغْرَقَ

نفس خویش از روی دلیری از او که جزای مانند او شخصی نیست که غرق شود

فِي الْبَحْرِ فَجَزَيْتَهُ بِمَا حَكَمَ عَلَى نَفْسِهِ

در دریا پس جزا دادی تو او را بآنچه لازم ساخته بود خویش بر نفس خود

إِلٰهِي وَأَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أَمَتِكَ

ای خدای من و من بنده توام و پسر بنده توام و پسر کنیز توام

مُعْتَرِفٌ لَكَ بِالْعُبُودِيَّةِ مُقِرٌّ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللهُ

و من اعتراف کننده ام از برای تو به بندگی و اقرار دارم بآنکه تو توئی خدا

لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ خَالِقِي لَا إِلٰهَ لِي غَيْرُكَ وَلَا رَبَّ

که نیست خدائی مگر تو آفریننده مرایت خدائی برای من غیر از تو و نیست پروردگاری

لِي سِوَاكَ مُقِرٌّ بِأَنَّكَ رَبِّي وَإِلَيْكَ إِيَابِي عَالِمٌ

برای من سوای تو اقرار دارم بآنکه توئی پروردگار من و بسوی تست بازگشت من دانایم من

بِأَنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ

بآنکه تو بر همه چیز توانائی میکنی آنچه را میخواهی

وهم

وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِكَ

و حکم میکنی آنچه را که اراده نمائی نیست تأخیر کننده مر امر ترا

وَلَا رَادَّ لِقَضَائِكَ وَأَنَّكَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ

و نیست برگرداننده مر حکم ترا و دانایم من بآنکه تو اول همه چیزهائی و آخر همه اشیاء

الظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ لَمْ تَكُنْ مِنْ شَيْءٍ وَلَمْ تَبِنْ

آشکاری تو و پنهانی تو موجود نشدی تو از چیزی و جدا گشتی تو از

عَنْ شَيْءٍ كُنْتَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَأَنْتَ الْكَائِنُ

از چیزی بوده تو پیش از هر چیز و توئی که هستی

بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَالْمُكَوِّنُ لِكُلِّ شَيْءٍ خَلَقْتَ

پس از هر چیز و توئی وجود دهنده برای هر چیز آفریدی تو

كُلَّ شَيْءٍ بِتَقْدِيرٍ وَأَنْتَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

هر چیز را باندازه و توئی شنوا و بینا

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ كَذٰلِكَ كُنْتَ وَتَكُونُ

و گواهی میدهم من بآنکه تو همچنین بوده همیشه و خواهی بود چنین

وَاَنْتَ حَیٌّ قَیُّومٌ لَا تَاخُذُكَ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ وَلَا

وتوئی زنده بخود برپائی فرا نمیگیرد ترا پینکی ونه خواب و

تُوصَفُ بِالْاَوْهَامِ وَلَا تُدْرِكُكَ الْحَوَاسُّ

تعریف کرده نمیشوی تو بوهمها وادراک نمیکنند ترا حاسها

وَلَا تُقَاسُ بِالْمِقْیَاسِ وَلَا تُشَبَّهُ بِالنَّاسِ وَاَنَّ

وتقدیر کرده نمیشوی تو باندازه ونه مانند میشوی تو بآدمیان وگواهی میدهم

اَلْخَلْقَ كُلَّهُمْ عَبِیدُكَ وَاِمَاؤُكَ وَاَنْتَ

بآنکه خلایق همه‌شان بندکان تو وکنیزان تو اند وتوئی

اَلْخَالِقُ وَنَحْنُ الْمَخْلُوقُونَ وَاَنْتَ الرَّبُّ وَنَحْنُ

آفریدکار ومائیم آفریده شدکان وتوئی پروردکار ومائیم

اَلْمَرْبُوبُونَ وَاَنْتَ الرَّازِقُ وَنَحْنُ الْمَرْزُوقُونَ

پرورده شدکان وتوئی روزی دهنده ومائیم روزی داده شدکان

فَلَكَ الْحَمْدُ یَا اِلٰهِی اِذْ خَلَقْتَنِی بَشَرًا سَوِیًّا

پس از برای تست ستایش ای خداوند من چونکه آفریده تو مرا آدمی مستوی الخلقه

وجعلتنی

وَجَعَلْتَنِی غَنِیًّا مَكْفِیًّا بَعْدَ مَا كُنْتُ

وکردانیده مرا بی‌نیاز نگاهداشته شده بعد از آنکه بودم من

طِفْلًا صَبِیًّا فَقَوَّتَنِی مِنَ الثَّدْیِ لَبَنًا سَائِغًا

طفل کودک پس قوت دادی تو مرا از پستان شیری کوارنده

مَرِیئًا وَغَذَّیْتَنِی بَعْدَ ذٰلِكَ غِذَاءً طَیِّبًا

وکامل وغذا دادی مرا بعد از این غذائی نیکو

هَنِیئًا وَجَعَلْتَنِی ذَكَرًا مِثَالًا سَوِیًّا

وکوارا وکردانیدی مرا مردی درست جثه معتدل الاعضا

فَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا اِنْ عُدَّ لَمْ یُحْصَ وَاِنْ وُضِعَ

پس از برای تست ستایش ستایشی که اگر شمرده شود در شمار نیاید آن واگر گذارده شود

لَمْ یَتَّسِعْ لَهُ شَیْءٌ حَمْدًا یَفُوقُ عَلٰی جَمِیعِ حَمْدِ

در جائی گنجایش نداشته باشد از برای آن چیزی ستایشی که غالب آید بر همه ستایش

اَلْحَامِدِینَ وَیَعْلُو عَلٰی حَمْدِ كُلِّ شَیْءٍ وَیَفْخُمُ

ستایش کنندکان وثنائی که بلند کردد بر ثنای هر چیز وزیادتی کند

وبعظم على ذلك كله وكلما حمد الله م

وبزرگی نماید بر آنها همه وهر وقتی که ثنا گفته شد خدا را

شيء والحمد لله كما يحب الله ان يحمد والحمد

چیزی و همه ستایش برای خداست چنانکه دوست میدارد خدا آنکه ثنا گفته شود او و همه حمد برای

لله عدد ما خلق وزنة ما خلق وزنة اجل

خداست بشماره آنچه آفریده است اورا وبقدر آنچه آفریده است بسنگینی بزرگترین

ما خلق وزنة اخف ما خلق وبعدد اكبر

آنچه آفریده است وبوزن سبکترین آنچه آفریده است وبشمار مقدار بزرگترین

ما خلق وبعدد اصغر ما خلق والحمد لله

آنچه آفریده است وبشماره کوچکترین آنچه آفریده است و همه ستایش برای خداست

حتى يرضى ربنا وبعد الرضا واسأله ان يصلي

تا آنکه راضی شود پروردگار ما وبالاتر از خوشنودی وسوال میکنم خدا را آنکه رحمت فرستد

على محمد وال محمد وان يغفر لي ذنبي وان

بر محمد وبر آل محمد وآنکه بیامرزد برای من گناه مرا وآنکه

يحمد لي امري ويتوب علي انه هو التواب

پسندیده کند برای من کار مرا وبپذیرد وقبول نماید توبه مرا بدرستی که خدا قبول کننده توبه

الرحيم الهي واني ادعوك واسئلك باسمك

ومهربانست ای خداوند من وبدرستی که من میخوانم ترا وسوال میکنم ترا بحق نام تو

الذي دعاك به صفوتك ابونا ادم وهو

که خوانده است ترا بآن نام برگزیده تو که پدر ما آدم است وحال آنکه

مسيء ظالم حين اصاب الخطيئة فغفرت

گناه کار ستم کننده بود برخود در هنگامی که رسیده بود بگناه پس آمرزیدی تو

له خطيئته وتبت عليه واستجبت له

برای او گناه اورا وقبول کردی تو توبه اورا وبرآوردی تو برای او

دعوته وكنت منه قريبا يا قريب ان

حاجت اورا وبودی تو باو نزدیک ای نزدیک بهمه کس آنکه

تصلي على محمد وال محمد وان تغفر لي خطيئتي

رحمت فرستی بر محمد وبر آل محمد وآنکه بیامرزی برای من گناه مرا

وترضى عنّى فان لم ترض عنّى فاعف عنّى

وخوشنود گردی از من پس اگر خوشنود نگردی از من پس درگذر از گناه من

فانّی مسیئ ظالم خاطئ عاص وقد یعفو السّیّد

پس بدرستی که من بدکننده‌ام ستم نماینده‌ام وگناهکارم ونافرمان بردارم وتحقیق که درمیگذرد آقا

عن عبده ولیس براض عنه وترضى عنّى

از بندهٔ خود وحال آنکه نیست خوشنود از او وخوشنود گردانی از من

خلقك وتسقط عنّى حقّك الهى واسألك

آفریدگان خود را وساقط کنی از من حق خود را ای خدای من وسؤال میکنم ترا

باسمك الّذى دعاك به ادریس علیه

بحق نام تو که خوانده است ترا بآن نام ادریس که براو باد

السّلام فجعلته صدّیقًا نبیًّا ورفعته

سلام پس گردانیدی تو او را راست گو پیغمبر وبلند گردانیدی او را

مكانًا علیًّا واستجبت له دعاءه و

درجائی بلند ومستجاب کرده برای او دعای او را و

كنت منه قریبًا یا قریب ان تصلّى على محمّد

بودی تو بآن نزدیک ای نزدیک بهمه کس آنکه رحمت دهی تو بر محمد

وآل محمّد وان تجعل مآبى الى جنّتك

وآل محمد وآنکه بگردانی تو بازگشت مرا بسوی بهشت تو

ومحلّى فى رحمتك وتسكننى فیها بعفوك

وجای قرار مرا در رحمت خود وآنکه ساکن گردانی مرا در بهشت بسبب گذشتن تو

وتزوّجنى من حورها بقدرتك یا قدیر

وجفت گردانی مرا با حور بهشت بقدرت خود ای بسیار توانا

الهى واسألك باسمك الّذى دعاك به نوح

ای خدای من وسؤال میکنم ترا بنام تو که خوانده است ترا بآن نام نوح

علیه السّلام اذ نادى ربّه انّى مغلوب

که براو باد سلام در هنگامی که گفت به پروردگار خود آنکه من غلبه کرده شدم

فانتصر ففتحت ابواب السّماء بماء منهمر

پس یاری کن مرا پس گشودی تو درهای آسمان را باب روان

وَفَجَّرْتَ الْأَرْضَ عُيُوناً فَالْتَقَى الْمَآءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ

وشکافتی تو زمین را بچشمها پس فراهم آمد آب برفرمانی بتحقیق

قُدِرَ وَحَمَلْتَهُ عَلَى ذَاتِ أَلْوَاحٍ وَدُسُرٍ

تقدیر کرده شده وسوار کردی تو او را بر کشتی صاحب تختها و میخها

فَاسْتَجَبْتَ دُعَآءَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً

پس بر آوردی حاجت اورا وبودی تو باو نزدیک

يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ

ای نزدیک بهمه کس انکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد وانکه

تُنَجِّيَنِي مِنْ ظُلْمِ مَنْ يُرِيدُ ظُلْمِي وَتَكُفَّ عَنِّي

خلاصی دهی مرا از ستم کسی که قصد کند ستم کردن مرا وانکه باز داری از من

بَأْسَ مَنْ يُرِيدُ هَضْمِي وَتَكْفِيَنِي شَرَّ كُلِّ

بدی وشر کسی را که خواهد شکست مرا وانکه نکاهداری مرا از شر هر

سُلْطَانٍ جَآئِرٍ وَعَدُوٍّ قَاهِرٍ وَمُسْتَخِفٍّ قَادِرٍ

پادشاه جایر واز هر دشمن غلبه کننده وخفت رساننده توانا

وجبار

وَجَبَّارٍ عَنِيدٍ وَكُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَ

ومتکبر وکردن کش واز شر هر شیطان رانده شده و

إِنْسِيٍّ شَدِيدٍ وَكَيْدِ كُلِّ مَكِيدٍ يَا حَلِيمُ

آدمی سخت دل واز مکر هر مکر کننده ای بردبار

يَا وَدُودُ إِلٰهِي وَأَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي

ای دوست ای خدای من و سؤال میکنم ترا بنام تو که

دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ صَالِحٌ عَلَيْهِ

خواند است ترا بآن بنده تو و پیغمبر تو صالح بر او باد

السَّلَامُ فَنَجَّيْتَهُ مِنَ الْخَسْفِ وَأَعْلَيْتَهُ

سلام پس نجات دادی تو او را از بلیه وغالب کردانیدی او را

عَلَى عَدُوِّهِ وَاسْتَجَبْتَ دُعَآءَهُ وَكُنْتَ

بر دشمنش وبر آوردی حاجت اورا وبودی تو

مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

باو نزدیک ای نزدیک بهمه مردمان انکه رحمت فرستی بر محمد وآل

مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُخَلِّصَنِي مِنْ شَرِّ مَا يُرِيدُنِي

محمد و آنکه رهائی دهی مرا از شر آنچه قصد میکند مرا

اَعْدَائِي بِهِ وَيَبْغِي لِي حُسَّادِي وَتَكْفِيَنِيهِمْ

دشمنان من باو و آنچه میخواهد برای من رشک برندگان و آنکه نگاهداری مرا از شر ایشان

بِكِفَايَتِكَ وَتَتَوَلَّانِي بِوِلَايَتِكَ وَتَهْدِيَ

بنگاهداشتن خود و دوست داری مرا بدوست داشتن خود و آنکه رهنمائی تو

قَلْبِي بِهُدَاكَ وَتُؤَيِّدَنِي بِتَقْوَاكَ وَتُبَصِّرَنِي

دل مرا براه نمودن خود و توفیق دهی مرا بپرهیزکاری از جانب خود و بینا گردانی مرا

بِمَا فِيهِ رِضَاكَ وَتُغْنِيَنِي بِغِنَاكَ يَا حَلِيمُ

بآنچه در آنست خوشنودی تو و آنکه بی نیاز گردانی مرا بتوانگری خود ای بردبار

اِلٰهِي وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ

ای خداوند من و سؤال میکنم ترا بنام تو که خوانده است ترا بآن نام

عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ وَخَلِيلُكَ اِبْرٰهِيمُ عَلَيْهِ السَّلٰمُ

بندهٔ تو و پیغمبر تو و دوست تو ابراهیم که برا و باد سلام

حین

حِينَ اَرَادَ نَمْرُودُ اِلْقَاءَهُ فِي النَّارِ فَجَعَلْتَ النَّارَ

در وقتی که اراده نمود نمرود انداختن او را در آتش پس گردانیدی تو آتش را

عَلَيْهِ بَرْدًا وَسَلَامًا وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ

براو سرد و بسلامت دارنده و اجابت کردی تو برای او دعای او را

وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ

و بودی تو باو نزدیک ای نزدیک بهمه کس آنکه رحمت فرستی تو بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُبَرِّدَ عَنِّي حَرَّ نَارِكَ وَتُطْفِيَ

و آل محمد و آنکه سرد کنی از من گرمی آتش جهنم خود را و فرونشانی

عَنِّي لَهَبَهَا وَتَكْفِيَنِي حَرَّهَا وَتَجْعَلَ نَائِرَةَ

از من زبانهٔ آنرا و نگاهداری مرا از گرمی آن و آنکه بگردانی تو آتش دشمنی

اَعْدَائِي فِي شِعَارِهِمْ وَدِثَارِهِمْ وَتَرُدَّ كَيْدَهُمْ

دشمنان مرا در جامهٔ پائین ایشان و در جامهٔ بالای ایشان و آنکه برگردانی مکر ایشانرا

فِي نُحُورِهِمْ وَتُبَارِكَ لِي فِيمَا اَعْطَيْتَنِيهِ كَمَا

در گلوی گردن ایشان و مبارک گردانی برای من در آنچه بخشیدهٔ تو مرا همچنانکه

بارکت علیه وعلی آله انک انت الوهاب

مبارک گردانیدی بر ابراهیم و بر آل او و بدرستی که تویی بخشنده

الحمید المجید الهی واسئلک باسمک الذی

ستایش کرده شده بزرگ ای خدای من و سوال میکنم ترا بنام تو که

دعاک به اسمعیل علیه السلام فجعلته

خوانده است ترا بآن نام اسمعیل که بر او باد سلام پس گردانیدی تو او را

نبیا ورسولا وجعلت له حرمک منسکا

پیغمبر و رسول و گردانیدی تو از برای او حرم خود را محل عبادت

ومسکنا وماوی واستجبت له دعاءه

و جای سکنی و محل قرار و اجابت کردی از برای او دعای او را

ونجیته من الذبح وقربته رحمة منک

و خلاصی دادی تو او را از کشته شدن و نزدیک گردانیدی تو او را از جهت رحمت از خود

وکنت منه قریبا یا قریب ان تصلی علی محمد

و بودی تو با او نزدیک ای نزدیک بهمه کس اگر رحمت فرستی بر محمد

وال محمد وان تفسح لی فی قبری وتحط

و آل محمد و انکه گشادگی دهی برای من در قبر من و محو کنی

عنی وزری وتشد لی ازری وتغفر لی ذنبی

از من گناه مرا و محکم گردانی برای من پشت مرا و انکه بیامرزی برای من گناه مرا

وترزقنی التوبة بحط السیئات وتضاعف

و روزی گردانی بمن توبه را بسبب برطرف کردن بدیها و زیاد کردن

الحسنات وکشف البلیات وربح التجارات

نیکوئیها و دور کردن بلاها و نفع کردن تجارتها

ودفع معرة السعایات انک مجیب الدعوات

و دفع شدن بلیها و مکروهات عملها و کارها بدرستی که تو اجابت کننده دعاهائی

ومنزل البرکات وقاضی الحاجات ومعطی

و فرود آورنده برکتهائی و بر آورنده حاجتهائی و بخشنده

الخیرات وجبار السموات الهی واسالک

خوبیهائی و صاحب بزرگی در آسمانهائی ای خداوند من و سوال میکنم ترا

بما سألك به ابن خليلك الذي نجّيته من

بآنچه سؤال كرده است ترا بآن نام پسر دوست تو كه خلاص كرده تو اورا از

الذبح وفديته بذبح عظيم وقلبت له المشقص

كشتن وعوض دادی تو اورا بذبح بزرگ وبرگردانيدی تو برای او آلت پاره پاره كردن را

حين ناجاك موقنا بذبحه راضيا بامر والده

در هنگامی كه ندا كرد ترا در حالی كه يقين داشت بذبح خود وخوشنود بود بامر پدرش

واستجبت له دعاءه وكنت منه قريبا

وبرآوردی برای او دعای اورا وبودی تو باو نزديك

يا قريب ان تصلّی علی محمّد وال محمّد وان

ای نزديك بهمه كس آنكه رحمت فرستی بر محمد وآل محمد وآنكه

تنجّينی من كل سوء وبليّة وتصرف عنّی

نجات دهی تو مرا از هر بدی وبلائی وبگردانی از من

كل ظلمة وخيمة وتكفينی ما اهمّنی

هر تاريكی غليظ را وآنكه نگاهداری مرا از آنچه باندوه آلود مرا

من امر دنيای واخرتی وما احاذره

از امر دنيای من وآخرت من وازآنچه اجتناب ميكنم از آن

واخشاه من شرّ خلقك اجمعين بحقّ آل طه

وميترسم از آن از شر آفريدگان تو همگی بحق آل

ويس الهی واسئلك باسمك الذی دعاك

پيغمبر الهی ای من وسؤال ميكنم ترا بنام تو كه خوانده است ترا

به لوط فنجّيته واهله من الخسف والمثلات

بآن نام لوط پس خلاصی دادی اورا واهل اورا از بليه وعقوبتها

والشدّة والجهد فاخرجته واهله من

واز سختی ومشقت پس برون بردی تو اورا واهل اورا از

الكرب العظيم واستجبت دعاءه و

اندوه بزرگ وبرآوردی تو حاجت اورا و

كنت منه قريبا يا قريب ان تصلّی علی محمّد

بودی تو باو نزديك ای نزديك بهمه كس آنكه رحمت فرستی بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَأْذَنَ لِي بِجَمْعِ مَا شُتِّتَ

و آل محمد وآنکه اذن دهی مرا بجمع کردن آنچه پراکنده است

مِنْ شَمْلِي وَتُقِرَّ عَيْنِي بِوَلَدِي وَأَهْلِي وَمَالِي

از قوم من و سرد سازی چشم مرا بفرزند من واهل من ومال من

وَتُصْلِحَ لِي أُمُورِي وَتُبَارِكَ لِي فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي وَ

ونیکو سازی برای من کارهای مرا ومبارک گردانی برای من در همه حالهای من و

تُبَلِّغَنِي فِي نَفْسِي آمَالِي وَتُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ وَ

وبرسانی مرا در نفس من آرزوهای مرا وامان دهی مرا از آتش و

تَكْفِيَنِي شَرَّ الْأَشْرَارِ بِالْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ

نگهداری مرا از شر بدکاران بحق برگزیده شدگان نیکوکاران

الْأَئِمَّةِ الْأَبْرَارِ وَنُورِ الْأَنْوَارِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

پیشوایان نیکوکاران وروشنی همه روشنیها که آنها محمد وآل ویند

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ الْأَئِمَّةِ الْمَهْدِيِّينَ

که پاکان وپاکیزگان نیکوکاران وامامان راه یافته شدگان

والصفوة

وَالصَّفْوَةِ الْمُنْتَجَبِينَ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ

وبرگزیدگان وبزرگانند رحمتهای خدا باد بر ایشان

أَجْمَعِينَ وَتَرْزُقَنِي مُجَالَسَتَهُمْ وَتَمُنَّ عَلَيَّ

همگی وآنکه روزی کنی بمن همنشینی ایشانرا ومنت گذاری بر من

بِمُرَافَقَتِهِمْ وَتُوَفِّقَ لِي صُحْبَتَهُمْ مَعَ أَنْبِيَائِكَ

مصاحبت ایشانرا وتوفیق دهی بمن همصحبتی ایشانرا با مصاحبت پیغمبران تورا

الْمُرْسَلِينَ وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَعِبَادِكَ

که فرستاده شدگانند وبا فرشتگان تو که نزدیکانند وبا بندگان تو

الصَّالِحِينَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ أَجْمَعِينَ وَحَمَلَةِ

که صالحان نیکوکارانند وبا اهل فرمان برداری تو همگی وبا جماعت بردارندهٔ

عَرْشِكَ وَالْكَرُوبِيِّينَ إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ

عرش تو وملائکه سرکردگان ... ای خدای من وسؤال میکنم ترا

بِاسْمِكَ الَّذِي سَأَلَكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ

بنام تو که سؤال کرده است ترا بآن نام بندهٔ تو وپیغمبر تو.

يعقوب عليه السلام وقد كف بصره

يعقوب كه براو باد سلام درحالى كه برطرف شده بود بينائى او

وشتت شمله وفقد قرة عينه ابنه

و متفرق شده بود جمعيت او و پنهان گشته بود خنكى و سردى چشم او كه پسر اوست

فاستجبت له دعاءه وجمعت شمله واقررت

پس اجابت كردى تو براى او دعاء او را و جمع نمودى پراكندگى او را و روشن ساختى

عينه وكشفت ضره وكنت منه قريبا

چشم او را و برطرف كردى آزار او را و بودى تو باو نزديك

يا قريب ان تصلى على محمد وال محمد وان تاذن

اى نزديك بهمه كس آنكه رحمت كنى بر محمد و آل محمد و آنكه اذن دهى

لى بجمع ما تبدد من امرى وتقر عينى بولدى

مرا بجمع كردن آنچه پراكنده شده است از كار من و آنكه روشن سازى چشم مرا بفرزند

واهلى ومالى وتصلح لى شانى كله وتبارك

و عيال من و مال من و نيكو گردانى براى من حال مرا تمام و بركت دهى

لى فى جميع احوالى وتبلغنى فى نفسى امالى و

براى من در همه حالهاى من و آنكه برسانى بمن در نفس من اميدهاى مرا و

تصلح لى افعالى برحمتك يا ارحم الراحمين و

نيكو گردانى براى من كردارهاى مرا برحمت خود اى رحم كننده ترين رحم كنندگان و

تمن على يا كريم ويا ذا المعالى الهى و

آنكه بخشش نمائى بر من اى بخشنده و اى صاحب بلندى اى خداى من و

اسالك باسمك الذى دعاك به عبدك

سؤال ميكنم ترا بنام تو كه خوانده است ترا بآن نام بنده تو

ونبيك يوسف عليه السلام فنجيته من

و پيغمبر تو يوسف كه براو باد سلام پس نجات دادى تو او را از

غيابة الجب وكشفت ضره وكفيته كيد

ته چاه و برطرف كردى آزار او را و نگاه داشتى تو او را از مكر

اخوته وجعلته من بعد العبودية ملكا

برادران او و گردانيدى تو او را بعد از بندگى پادشاه

واستجبت دعاءه وكنت منه قريبا يا قريب

واجابت کردی دعا اورا وبودی تو باو نزدیک ای نزدیک بهمه مردمان

ان تصلي على محمد وآل محمد وان تدفع

انکه رحمت فرستی بر محمد وآل محمد وانکه دور کردانی

عني كيد كل كائد وشر كل حاسد

از من دشمنی هر دشمن را وبدی هر رشک برنده را

انك على كل شيء قدير الهي واسالك

بدرستی که تو بر هر چیز بسیار توانائی ای خدای من وسوال میکنم ترا

باسمك الذي دعاك به عبدك و

بنام تو که خوانده است ترا بآن نام بنده تو و

نبيك موسى بن عمران عليه السلام اذ قلت

پیغمبر تو موسی پسر عمران که براو باد سلام در وقتی که می

تباركت وتعاليت وناديناه من جانب الطور

که گفته تو وبلندی تو وندا کردیم ما موسی را از جانب کوه طور

الايمن وقربناه نجيا وضربت له طريقا

طرف راست آن ونزدیک ساختیم اورا نجات دهنده وتعیین نمودی برای او راهی را

في البحر يبسا ونجيته ومن تبعه من

در دریا که خشک بود وخلاصی دادی اورا وکسانی راکه پیروی کرده بودند اورا از

بني اسرائيل واغرقت فرعون وهامان

بنی اسرائیل وغرق کردی تو فرعون را وهامان وزیر اورا

وجنودهما واستجبت له دعاءه وكنت

وسپاه ایشانرا وبرآوردی تو برای او حاجت اورا وبودی تو

منه قريبا يا قريب ان تصلي على محمد و

باو نزدیک ای نزدیک بهمه کس انکه رحمت فرستی بر محمد وبر

آل محمد وان تعيذني من شر خلقك

آل محمد وانکه پناه دهی مرا از شر آفریدکان خود

وتقربني من عفوك وتنشر علي من فضلك

ونزدیک کردانی مرا از درگذشتن تو وبریزی برمن از زیادتی بخشش خود

ما تغنيني به عن جميع خلقك ويكون
آنچه را که بی‌نیاز گردانی مرا بسبب آن از همه آفریدگان تو و باشد برای
لي بلاغا انال به مغفرتك ورضوانك
من رساننده که برسم من بسبب آن با آمرزش تو و خوشنودی تو
يا ولي المؤمنين الهي واسئلك باسمك
ای دوستدار مومنان ای خدای من و سوال میکنم ترا بنام تو
الذي دعاك به عبدك ونبيك داود
که خوانده است ترا بآن نام بنده تو و پیغمبر تو داود که
عليه السلام فاستجبت له دعاءه و
براو باد سلام پس اجابت کردی تو برای او دعای او را و
سخرت له الجبال يسبحن معه بالعشي
مسخر گردانیدی برای او کوهها را که تسبیح گویند با او در وقت شب
والابكار والطير محشورة كل
و در صبح و مرغان را جمع کرده شده همه

له اواب وشددت ملكه واتيته
بسوی او رجوع کننده اند و محکم کردی پادشاهی او را و دادی باو
الحكمة وفصل الخطاب والنت له
دانائی را و جدا ساختن حق از باطل و نرم گردانیدی برای
الحديد وعلمته صنعة لبوس لهم و
آهن را و تعلیم کردی باو کسب زره سازی را برای ایشان و
غفرت ذنبه وكنت منه قريبا يا قريب
و آمرزیدی گناه او را و بودی تو با او نزدیک ای نزدیک بهمه کس
ان تصلي على محمد وآل محمد وان تسخر
آنکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و آنکه میسر گردانی برای
لي جميع اموري وتسهل لي تقديري و
من همه کارهای مرا و آسان کنی برای من آنچه را که مقدر کرده و
ترزقني مغفرتك وعبادتك وتدفع عني
و روزی کنانی بمن آمرزش خود را و فرمان برداری ترا و دور گردانی از من

ظُلْمَ الظَّالِمِينَ وَكَيْدَ الْكَائِدِينَ وَمَكْرَ

ستم ستم كننده كانرا و دشمنى دشمنانرا و حيلهٔ

الْمَاكِرِينَ وَسَطَوَاتِ الْفَرَاعِنَةِ الْجَبَّارِينَ

حيله كننده كانرا و قهرهاى ظالمان جبر كننده كانرا

وَحَسَدَ الْحَاسِدِينَ يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ وَجَارَ

و رشك رشك برنده كانرا اى امان دهندهٔ ترسنده كان و اى پناه

الْمُسْتَجِيرِينَ وَذَرِيعَةَ الْمُؤْمِنِينَ وَثِقَةَ

پناه آورنده كان و وسيلهٔ مومنان و اعتماد

الْمُؤْمِنِينَ وَرَجَاءَ الْمُتَوَكِّلِينَ وَمُعْتَمَدَ

مومنان و اميد اعتماد كننده كان و محل اعتماد

الصَّالِحِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ إِلٰهِي وَأَسْأَلُكَ

نيكوكاران اى رحم كننده ترين رحم كننده كان اى خداى من و سوال ميكنم ترا

اَللّٰهُمَّ بِاسْمِكَ الَّذِي سَأَلَكَ بِهِ عَبْدُكَ

خداوندا بنام تو كه سوال كرده است ترا بآن نام بندهٔ تو

دنيك

وَنَبِيُّكَ سُلَيْمٰنُ بْنُ دَاوُدَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ

و پيغمبر تو سليمان پسر داود كه بر ايشان باد سلام

إِذْ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا

در هنگامى كه گفت اى پروردگار من بيامرز مرا و ببخش بمن پادشاهى را

لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ

كه سزاوار نباشد براى احدى بعد از من بدرستى كه توئى بسيار بخشاينده

فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ وَأَطَعْتَ لَهُ الْخَلْقَ

پس مستجاب كردى براى او دعاء او را و فرمان بردار كردى براى او همه آفريدگانرا

وَحَمَلْتَهُ عَلَى الرِّيحِ وَعَلَّمْتَهُ مَنْطِقَ الطَّيْرِ

و حاكم ساختى او را بر باد و آموختى او را سخن مرغان

وَسَخَّرْتَ لَهُ الشَّيَاطِينَ كُلَّ بَنَّاءٍ

و مسخر كردى براى او شيطانهارا كه هر يك از آنها بنا نهنده

وَغَوَّاصٍ وَآخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ

و بآب فرو رونده بودند و جماعت ديگران را از ديوان كه بسته شده بودند در غلهاى آهنين

هٰذا عطاؤك لا عطاء غيرك وكنت منه

اينها بخشش تست نيست بخشش غير تو وبودى تو باو

قريبا يا قريب ان تصلى على محمد وال محمد

نزديك اى نزديك بهمه كس آنكه رحمت فرستى بر محمد وبر آل محمد

وان تهدى لى قلبى وتجمع لى لبى و

وآنكه راه نمائى كنى براى من دل مرا وجمع كنى براى من عقل مرا و

تكفينى همى وتؤمن خوفى وتفك

نكاهدارى مرا از اندوه من وايمن كردانى ترس مرا ورها كنى

اسرى وتشد ازرى وتمهلنى وتنفسنى

بند مرا وسخت كردانى پشت مرا ومهلت دهى مرا وآرام دهى نفس مرا

وتستجيب دعائى وتسمع ندائى ولا

وبرآورى حاجت مرا وبشنوى آواز مرا وآنكه

تجعل النار ماواى ولا الدنيا اكبر

نكردانى تو آتش را جايكاه من ونه دنيا را بزركترين

همى وان توسع على فى رزقى وتحسن

مقصود من وآنكه فراخ كنى برمن در روزى مرا ونيكو كردانى

خلقى وتعتق رقبتى من النار فانك

خلق مرا وآزاد كنى كردن مرا از آتش پس بدرستى كه تو

سيدى ومولاى ومؤملى الهى واسالك

سيد منى وآقاى منى ومحل اميد منى اى خداى من وسؤال ميكنم ترا

باسمك الذى دعاك به ايوب عليه

بنام تو كه خوانده است ترا بآن نام ايوب كه براو باد

السلام لما حل به البلاء بعد الصحة

سلام در وقتى كه وارد شد باو آزار وبلا بعد از تن درستى

ونزل السقم منه منزلة العافية و

وفرود آمد بيمارى باو بجاى سلامتى و

الضيق بعد السعة فكشفت ضره

تنكى بعد از فراخى پس برطرف كردى آزار او را

وَرَدَدْتَ عَلَيْهِ اَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ

وبرگردانیدی تو براو اهل اورا ومثل ایشانرا که بوند با ایشان

حِيْنَ نَادَاكَ دَاعِيًا لَكَ رَاغِبًا اِلَيْكَ

در هنگامی که آواز کرد ترا در حالتی که خواننده بود ترا ورغبت کننده بود بسوی تو

رَاجِيًا لِفَضْلِكَ شَاكِيًا اِلَيْكَ رَبِّ

وامید داشت زیادتی احسان ترا وشکوه کننده بود بسوی تو وگفت ای پروردگار

اِنِّيْ مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِيْنَ

بدرستی که رسیده است بمن آزار وبلا وتو رحم کننده ترین رحم کنندگانی

فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَآءَهُ وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ

پس اجابت کردی دعاء اورا وبرطرف کردی آزار وبلاء اورا

وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيْبًا يَا قَرِيْبُ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى

وبودی تو باو نزدیک ای نزدیک بهمه مردمان آنکه رحمت فرستی بر

مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَكْشِفَ ضُرِّيْ وَعَافِنِيْ

محمد وبر آل محمد وآنکه برطرف کنی آزار وبلای مرا وسلامتی دهی

فِيْ نَفْسِيْ وَاَهْلِيْ وَمَالِيْ وَوُلْدِيْ وَاِخْوَانِيْ

در نفس من ودر اهل من ومال من وفرزندان وبرادران من

فِيْكَ عَافِيَةً بَاقِيَةً شَامِلَةً شَافِيَةً

در خشنودی تو سلامتی پاینده فراگیرنده شفا دهنده

كَافِيَةً وَافِيَةً وَافِرَةً هَادِيَةً نَامِيَةً

کفایت کننده بسیار ورهنمای وزیاد شونده

مُسْتَغْنِيَةً عَنِ الْاَطِبَّآءِ وَالْاَدْوِيَةِ وَ

که بی نیاز باشد از طبیبان ودواها وآنکه

تَجْعَلَهَا شِعَارِيْ وَدِثَارِيْ وَتُمَتِّعَنِيْ بِسَمْعِيْ

بگردانی آن سلامتی را جامه پایین من وجامه بالای من وبهره دهی مرا بگوش من

وَبَصَرِيْ وَتَجْعَلَهُمَا الْوَارِثَيْنِ مِنِّيْ اِنَّكَ

وچشم من وآنکه بگردانی این هر دو را وارثان از من بدرستی که تو

عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ اِلٰهِيْ وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ

بر هر چیز بسیار توانائی ای خدای من وسوال میکنم ترا بنام تو

الّذی دعاك به یونس بن متّی علیه السّلم
كه خوانده است ترا بآن نام یونس پسر متّی كه براو باد سلام
فی بطن الحوت حین ناداك فی ظلمات ثلث
در شكم ماهی در هنگامی كه ندا كرد ترا در تاریكیهای سه گانه
ان لا اله الّا انت سبحانك انّی كنت من
انكه نیست خدائی مگر تو منزهی تو بدرستی كه بوده ام من از
الظّالمین وانت ارحم الرّاحمین فاستجبت
جمله ستم كنندگان وتو رحم كننده ترین رحم كنندگانی پس برآوردی
له دعاءه وانبتّ علیه شجرة من یقطین
برای او حاجت اورا ورویانیدی برای او درختی از كدو
وارسلته الی مائة الف او یزیدون و
وفرستادی تو اورا بسوی صد هزار نفر یا زیاده و
كنت منه قریبا یا قریب ان تصلّی علی
بودی تو باو نزدیك ای نزدیك بهمه كس انكه رحمت فرستی بر

عبدك
بنده تو

محمّد وال محمّد وان تستجیب لی دعائی
محمّد وبر آل محمّد وانكه اجابت كنی برای من دعای مرا
وتداركنی بعفوك فقد غرقت فی بحر
ودریابی بمن تجاوز نمودن از گناه من پس بتحقیق كه غرق شده ام من در دریای
الظّلم لنفسی وركبتنی مظالم كثیرة
ستم كردن بنفس خود وغلبه كرده است مرا مظلمهای بسیار برای
لخلقك علی صلّ علی محمّد وال محمّد واسترنی
آفریدگان تو بر من رحمت فرست بر محمّد وآل محمّد وپنهان كن مرا
منهم واعتقنی من النّار واجعلنی من عتقائك
ازیشان وآزاد گردان مرا از آتش جهنّم وبگردان مرا از آزاد كرده شدهای خود
وطلقائك من النّار فی مقامی هذا
ورها ساخته شدهای خود از آتش درین محل كه ایستاده ام من در آن بسبب
بمنّك یا منّان الهی واسألك باسمك
بخشش تو ای منّت كننده ای خدای من وسؤال میكنم ترا بنام تو

الذی دعاك به عبدك ونبيك عيسى بن
که خوانده است ترا بان نام بنده تو وپیغمبر تو عیسی پسر
مريم عليه السلام اذ ايدته بروح القدس
مریم که بر او باد سلام در وقتی که قوی گردانیدی اورا بروح پاک
وانطقته فی المهد فاحيا به الموتى وابرأ
وگویا ساختی اورا در گهواره پس زنده گردانید برکت آن نام مرده را وخلاص
به الاكمه والابرص باذنك وخلق
کرد بسبب آن اسم کور مادر زاد را وپیس را باذن تو وساخت
من الطين كهيئة الطير فصار طيرا
از گل مانند صورت مرغ پس گردید مرغ زنده
باذنك وكنت منه قريبا يا قريب ان تصلی
باذن تو وبودی تو باو نزدیک ای نزدیک بهمه کس اگر رحمت فرستی
على محمد وال محمد وان تفرغنی لما خلقت
بر محمد وبر آل محمد وانکه فارغ سازی مرا برای آنچه آفریده شده ام

له ولا تشغلنی بما تكفلته لی و
من برای آنچیز ومشغول نگردانی مرا بتحصیل آنچه ضامن شدی تو او را برای من و
تجعلنی من عبادك وزهادك فی الدنيا
آنکه بگردانی مرا از عبادت کنندگان خود واز پارسایان خود در دنیا
وممن خلقته للعافية فيها وهنأته
واز جمله کسانی که آفریده آنهارا برای سلامتی در دنیا وگوارا ساخته باو نها
بها مع كرامتك يا كريم يا علی يا عظيم
زندگانی دنیارا باو بخشش تو ای بخشنده ای بلند مرتبه ای بزرگ
الهی واسألك باسمك الذی دعاك به
ای خدای من وسؤال میکنم ترا بنام تو که خوانده است ترا بآن
اصف بن برخيا على عرش ملكة سبا
نام آصف پسر برخیا بر تخت پادشاه زاده شهر سبا
فكان اقل من لحظ الطرف حتى كان مصورا
پس بود کمتر از چشم بر هم زدنی تا آنکه شد آن تخت حاضر

بَیْنَ یَدَیْهِ فَلَمَّا رَاٰتْهُ قِیلَ اَهٰکَذَا عَرْشُكِ

در پیش روی او پس چون دید آنرا بلقیس گفته شد باو که آیا چنین است تخت تو

قَالَتْ کَاَنَّهُ هُوَ فَاسْتَجَبْتَ دُعَآءَهُ وَکُنْتَ

گفت بلقیس گویا همانست آن پس اجابت کردی دعاء او را و بودی تو

مِنْهُ قَرِیبًا یَا قَرِیبُ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ

باو نزدیک ای نزدیک بهمه کس رحمت فرست بر محمد و بر آل

مُحَمَّدٍ وَکَفِّرْ عَنِّی سَیِّاٰتِی وَتَقَبَّلْ مِنِّی

محمد و بپوشان از من گناهان مرا و قبول کن از من

حَسَنَاتِی وَتَقَبَّلْ مِنِّی تَوْبَتِی وَتُبْ عَلَیَّ وَ

نیکوییهای مرا و قبول کن از من توبه مرا و بگیر گناهان مرا بر من و

تُغْنِیَ فَقْرِی وَتَجْبُرَ کَسْرِی وَتُحْیِیَ

بی نیاز گردان درویشی مرا و درست کن شکستگی مرا و زنده گردان

فُؤَادِی بِذِکْرِكَ وَتُحْیِیَنِی فِی عَافِیَةٍ

دل مرا بیاد آوری تو و زنده کن مرا در سلامتی از عذاب

وَتُمِیتَنِی فِی عَافِیَةٍ اِلٰهِی وَاَسْئَلُكَ

و بمیران مرا در سلامتی از عقوبت ای خدای من و سؤال میکنم ترا

بِاسْمِكَ الَّذِی دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِیُّكَ

بنام تو که خوانده است ترا بآن نام بنده تو و پیغمبر تو

زَکَرِیَّآءُ عَلَیْهِ السَّلَامُ حِینَ سَاَلَكَ

زکریا که بر او باد سلام در هنگامی که سؤال کرد ترا

دَاعِیًا لَكَ رَاجِیًا لِفَضْلِكَ فَقَامَ فِی

دعا کننده مر ترا امید دارنده مر زیادتی احسان ترا پس ایستاد در

الْمِحْرَابِ یُنَادِی نِدَآءً خَفِیًّا فَقَالَ رَبِّ

محراب و خواند ترا بندا پنهان پس گفت ای پروردگار من

هَبْ لِی مِنْ لَدُنْكَ وَلِیًّا یَرِثُنِی وَیَرِثُ

ببخش بمن از نزد خود فرزندی دوست که میراث برد از من وارث برد

مِنْ اٰلِ یَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِیًّا

از آل یعقوب و بگردان او را ای پروردگار من پسندیده که خشنود باشی

فوهبت له يحيى واستجبت له دعاءه

ازآن پس بخشيدى تو باو يحيى را واجابت نمودى تو براى او دعا او را

وكنت منه قريبا يا قريب ان تصلى

وبودى تو باو نزديك اى نزديك بهمه مهمان آنكه رحمت فرستى

على محمد وآل محمد وان تبقى لى اولادى

بر محمد وبر آل محمد وآنكه باقى وپاينده كذارى فرزندان مرا

وان تمتعنى بهم وتجعلنى واياهم مؤمنين

وآنكه بهره مند كردانى مرا بسبب ايشان وبكردانى مرا وايشانرا ايمان آورندكان بتو

لك راغبين فى ثوابك خائفين من

بتو خواهش داشته كان در ثواب تو ترسندكان از

عقابك راجين لما عندك آيسين

عذاب تو اميد دارندكان بآنچه در نزد تست مايوس وناميد شدكان

مما عند غيرك حتى تحيينا حيوة طيبة

ازآنچه در نزد غير تست تاآنكه زنده دارى مارا زندكانى نيكو

وتميتنا ميتة طيبة انك فعال لما

وبميرانى مرا مردنى نيكو بدرستى كه تو نيكو كننده هرچه راكه

تريد الهى واسئلك بالاسم الذى

خواهى اى خداى من وسؤال ميكنم ترا بآن نام كه

سألتك به امراة فرعون اذ قالت رب

سؤال كرد ترا بآن نام زن فرعون وقتى كه كفت اى پروردكار من

ابن لى عندك بيتا فى الجنة ونجنى

بناكن براى من در نزد خود خانه را در بهشت وخلاصى ده مرا

من فرعون وعمله ونجنى من القوم

از فرعون وكردار او ورهائى ده مرا از كروه

الظالمين فاستجبت دعاءها وكنت

ستمكاران پس اجابت كردى دعا او را وبودى تو

منها قريبا يا قريب ان تصلى على محمد

باو نزديك اى نزديك بهمه كس آنكه رحمت فرستى بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُقِرَّ عَيْنِي بِالنَّظَرِ

وبر آل محمد وانکه روشن سازی چشم مرا بنگاه کردن

اِلَى جَنَّتِكَ وَاَوْلِيَائِكَ وَوَجْهِكَ الْكَرِيمِ

بسوی بهشت وبسوی دوستداران تو وبملاحظهٔ ذات تو که بخشنده است

وَتُفَرِّجَنِي بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتُؤْنِسَنِي بِهِ وَبِآلِهِ

وخوشحال سازی مرا بدیدن محمد و آل او وهمنشین سازی مرا باانحضرت وبآل او

وَبِمُصَاحَبَتِهِمْ وَمُرَافَقَتِهِمْ وَتُمَكِّنَ

وبهم صحبت بودن ایشان وبرفیق بودن باایشان وجا دهی

لِي فِيهَا وَتُنَجِّيَنِي مِنَ النَّارِ وَمَا اُعِدَّ لِاَهْلِهَا

مرا دربهشت ورهائی دهی مرا از آتش واز آنچه مهیا گشته است براهل آن

مِنَ السَّلَاسِلِ وَالْاَغْلَالِ وَالشَّدَائِدِ وَالْاَنْكَالِ

از زنجیرها وغلها وسختیها وعقوبتهای رسوا

وَاَنْوَاعِ الْعَذَابِ بِعَفْوِكَ يَا كَرِيمُ اِلٰهِي

وازاقسام عقوبتها بسبب درگذشتن تو از گناهان ای بخشنده ای خدای من

واسئلك

وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَتْكَ بِهِ

وسؤال میکنم ترا بنام تو که خوانده است ترا بآن نام

اَمَتُكَ وَصِدِّيقَتُكَ مَرْيَمُ الْبَتُولُ وَاُمُّ

کنیز تو وراست گوی تو مریم بریده شده از شوهر ومادر

الْمَسِيحِ الرَّسُولِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ اِذْ قُلْتَ

عیسی پیغمبر برایشان باد سلام درهنگامی که فرمودی تو

وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي اَحْصَنَتْ فَرْجَهَا

که مانند مریم دختر عمران را که نگاه داشت عورت خود را

فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ

پس دمیدیم در دهن او از روحی که آفریده بودیم وقبول نمود واعتقاد کرد بسخنان

رَبِّهَا وَكُتُبِهِ وَكَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ

پروردگار خود وکتابهای او وبود مریم از جملهٔ فرمان برداران وخدمت کنندگان

فَاسْتَجَبْتَ لَهَا دُعَاءَهَا وَكُنْتَ مِنْهَا

پس اجابت کردی دعای او را وبودی تو باو

قريبا يا قريب ان تصلي على محمد وال

نزديكا اي نزديك بهمه كس انكه رحمت فرستي بر محمد و بر آل

محمد وان تحصنني بحصنك الحصين

محمد وانكه نگاهداري مرا بحصار و قلعهٔ خود كه محكم است

وتحجبني بحجابك المنيع وتحرزني بحرزك

و پنهان داري مرا به پردهٔ خود كه منع كننده است و محافظت كني مرا بنگاهداشتن خود

الوثيق وتكفيني بكفايتك الكافية

كه معتمد است و كفايت كني مرا بكارگزاري خود كه سودمند است

من شر كل طاغ وظلم كل ظالم وبغي

از شر هر سركشي و ستم هر ستم كننده و دشمني

كل باغ ومكر كل ماكر وغدر كل

هر خروج كنندهٔ و حيلهٔ هر مكر كننده و فريب هر

غادر وسحر كل ساحر وجور كل سلطان

فريب دهندهٔ و سحر هر سحر كنندهٔ و ظلم هر پادشاه

جائر

جائر بمنعك يا منيع الهي واسئلك

ظالمي بسبب منع تو اي منع كننده اي خداي من و سؤال ميكنم ترا

باسمك الذي دعاك به عبدك و

بنام تو كه خوانده است ترا بآن نام بنده تو و

نبيك وصفيك وخيرتك من خلقك و

پيغمبر تو و برگزيدهٔ تو و انتخاب كرده شدهٔ تو از ميان آفريدگان تو

امينك على وحيك ورسولك الى خلقك

و امين تو بر وحي تو و فرستادهٔ تو بسوي آفريدگان تو

وبعثك الى بريتك محمد خاصتك

و برانگيختهٔ تو بسوي مخلوقات تو كه محمد است مخصوص است بتو

وخالصتك صلى الله عليه واله فاستجبت

و خالص است براي تو رحمت خدا باد براو و بر آل او پس اجابت كردي تو

له دعاءه وايدته بجنود لم يروها

براي او دعاء او را و قوي گردانيدي او را بسپاهي از فرشتگان كه نديدند آنها را

وَجَعَلْتَ كَلِمَاتَكَ الْعُلْيَا وَكَلِمَةَ

وگردانیدی سخن خودرا بلند وسخن آنجماعتی را

الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا

که کافرشده بودند پست وبودی تو بآنحضرت نزدیک

يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

ای نزدیک بهمه آنکه رحمت فرستی بر محمد وبر آل محمد

صَلَوٰةً زَاكِيَةً طَيِّبَةً نَامِيَةً بَاقِيَةً

رحمتی پاکیزه پاک نموکننده که باقی

مُبَارَكَةً كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى أَبِيهِمْ إِبْرٰهِيمَ

وبابرکت باشد همچنانکه رحمت فرستاده بر پدر ایشان حضرت ابراهیم

وَآلِ إِبْرٰهِيمَ وَبَارِكْ عَلَيْهِمْ كَمَا بَارَكْتَ

وبر آل ابراهیم وبرکت نمائی برایشان همچنانکه برکت داده

عَلَيْهِ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ كَمَا سَلَّمْتَ عَلَيْهِ

برابراهیم ودرود فرست برایشان همچنانکه درود فرستاده برابراهیم

وَزِدْهُمْ فَوْقَ ذٰلِكَ كُلِّهِ زِيَادَةً مِنْ

وزیاده بده بایشان بالاتر ازاینها همه زیادتیکه باشد از

عِنْدِكَ وَاخْلِطْنِي بِهِمْ وَاجْعَلْنِي مِنْهُمْ

نزد تو وداخل گردان مرا بایشان وبگردان مرا از ایشان

وَاحْشُرْنِي مَعَهُمْ وَفِي زُمْرَتِهِمْ حَتَّى تَسْقِيَنِي

وزنده گردان مرا در حشر بایشان ودر سلک ایشان تاآنکه آب دهی مرا

مِنْ حَوْضِهِمْ وَتُدْخِلَنِي فِي جُمْلَتِهِمْ وَتَجْمَعَنِي

از حوض ایشان وداخل کنی مرا درجرگه ایشان وجمع کنی مرا

وَإِيَّاهُمْ وَتُقِرَّ عَيْنِي بِهِمْ وَتُعْطِيَنِي بِهِمْ

وایشان را بایکدیگر وروشن گردانی چشم مرا بسبب دیدن ایشان وبخشی بمن ببرکت ایشان

سُؤْلِي وَتُبَلِّغَنِي آمَالِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَ

مطلب مرا وبرسانی بمن آرزوهای مرا در دین من ودنیای من و

آخِرَتِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي وَتُبَلِّغَهُمْ سَلَامِي

آخرت من وزندگانی من ومردن من وآنکه برسانی بایشان سلام مرا

وَتَرُدَّ عَلَيَّ مِنْهُمُ السَّلَامَ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ

وردكنی برمن از جانب ايشان سلامرا وبرايشان باد سلام

وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ إِلٰهِي أَنْتَ الَّذِي

ورحمت خدا وبركتهای خدا ای خدای من تویی آنكسی كه

تُنَادِي فِي انْتِصَافِ كُلِّ لَيْلَةٍ هَلْ مِنْ سَائِلٍ

ندا ميكنی در نصفهای هرشب آیا هست از سؤال كننده

فَأُعْطِيَهُ أَمْ هَلْ مِنْ دَاعٍ فَأُجِيبَهُ أَمْ هَلْ

تا بخشايش نمايم اورا آيا هست از دعاكننده تا اجابت كنم دعاء اورا آيا هست

مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ أَمْ هَلْ مِنْ رَاجٍ فَأُبَلِّغَهُ

از طلب آمرزش كننده تا بيامرزم اورا آيا هست از اميد داری تا برسانم اورا

رَجَاءَهُ أَمْ هَلْ مِنْ مُؤَمِّلٍ فَأُبَلِّغَهُ أَمَلَهُ

باميد او آيا هست از آرزو كننده پس برسانم اورا بآرزوی خود

هَا أَنَا سَائِلُكَ بِفِنَائِكَ وَمِسْكِينُكَ

اينك منم سؤال كننده از تو بدر سرای تو ودرويش طلب كننده ام از تو

نفنائك

بِفِنَائِكَ وَضَعِيفُكَ بِبَابِكَ وَفَقِيرُكَ

بساحه فضای تو وناتوان ايستاده ام بدر خانه تو ومحتاج متوسلم بتو

بِبَابِكَ وَمُؤَمِّلُكَ بِبَابِكَ أَسْئَلُكَ

بدر سرای تو واميد دارم از تو وچشم دلنهادم بتو از درت رحمت تو سؤال ميكنم از تو

نَائِلَكَ وَأَرْجُو رَحْمَتَكَ وَعَفْوَكَ وَأَلْتَمِسُ

بخشش ترا واميد دارم رحمت ترا ودر گذشت ترا از گناهان والتماس ميكنم

غُفْرَانَكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ

آمرزش ترا پس رحمت فرست بر محمد وبر آل محمد و

أَعْطِنِي سُؤْلِي وَبَلِّغْنِي أَمَلِي وَاجْبُرْ

ببخش بمن سؤال مرا وبرسان بمن آرزوی مرا وعوض كن بتوانگری

فَقْرِي وَارْحَمْ عِصْيَانِي وَاعْفُ عَنْ

درويشی مرا ورحم كن گناه مرا ودر گذر از

ذُنُوبِي وَفُكَّ رَقَبَتِي مِنْ مَظَالِمِ لِعِبَادِكَ

گناهان من ورها كن گردن مرا از مظلمها از برای بندگان تو

رکبتني وقوّ ضعفي واغن مسکنتي

که سوار شوند مرا . وقوی کردان سستی مرا وبتوانگری بدل کن درویشی مرا

وثبّت وطاتي واغفر جرمي وانعم بالي

وثابت کهدان قدم مرا وبیامرز کناه مرا ونعمت ده دل مرا

واکثر من الحلال مالي وخر لي في

وزیاده کردان از حلال مال مرا وخوبی ده بمن در

جميع اموري وافعالي ورضّني بها و

همه کارهای من وکردارهای من وخشنود کردان مرا بآنها و

ارحمني ووالديّ وما ولدا من المؤمنين

رحم کن بمن وبه پدر ومادر من وبآنچه زاییده اند اورا از مردان مؤمن

والمؤمنات والمسلمين والمسلمات

وزنان مؤمنه ومردان مسلمان وزنان مسلمه

الاحياء منهم والاموات انّك سميع

زندکان از ایشان ومردکان ایشان بدرستی که تو شنونده

الدّعوات والهمني من برّهما ما استحق

دعاهائی وبیندازد بدل من از نیکو کردن با والدین آنچه را که سزاوار کردم

به ثوابك والجنّة وتقبّل حسناتهما

بسبب آن ثواب ترا وبهشت ترا وقبول کن نیکوئیهای ایشانرا

واغفر سيّاتهما واجزهما باحسن ما

وبیامرز کناهان ایشانرا وعوض ده بایشان به بهتر از آنچه

فعلا بي ثوابك والجنّة الهي وقد علمت

کرده اند ایشان بمن ثواب خود را وبهشت خود را ای خدای من وبتحقیق که میدانم

يقينا انّك لا تامر بالظّلم ولا ترضاه

من بیقین اینکه تو امر نمیکنی بظلم وراضی نیستی تو بآن

ولا تميل اليه ولا تهواه ولا تحبّه

ومیل نمیکنی بسوی آن وخواهش نداری آنرا ودوست نمیداری آنرا

ولا تغشاه وتعلم ما فيه هؤلاء القوم

ونمیپوشی آنرا ومیدانی تو آنچه را که در او بیند این کروه

من ظلم عبادك وبغيهم علينا و
از ستم کردن بندگان تو وظلم نمودن ایشان برما و
تعديهم بغير حق ولا معروف بل ظلما
از حد بیرون رفتن ایشان بغیر حق وبغیر شرع وطریقه بلکه از روی ظلم
وعدوانا وزورا وبهتانا فان كنت
ودشمنی ودروغ وتهمت پس اگر باشی تو
جعلت لهم مدة لا بد من بلوغها او
گردانیده از برای ایشان مدتی را که ناچار است از رسیدن آن مدت یا آنکه
كتبت لهم اجالا لا ينالونها فقد قلت
مقرر کرده برای ایشان موعدی را که برسند ایشان بآن موعد پس بتحقیق که گفته تو
وقولك الحق ووعدك الصدق يمحو الله
وگفتار تو درست است ووعده تو راست است آنکه محو میکند خدا
ما يشاء ويثبت وعنده ام الكتاب
آنچه را که میخواهد وثابت میکند آنچه را که میخواهد ونزد اوست اصل کتاب

فانا

فانا اسئلك بكل ما سالك به
پس من میطلبم از تو بحق هر آنچه طلب نموده اند ترا بآن
انبياؤك ورسلك واسئلك بما
پیغمبران تو ورسولان تو وسؤال میکنم ترا بآنچه
سالك به عبادك الصالحون وملئكتك
سؤال کرده اند ترا بآن بندگان تو که نیکوکارانند وفرشتگان تو
المقربون ان تمحو من ام الكتاب ذلك
که نزدیکانند آنکه محو کنی از لوح محفوظ آنرا
وتثبت لهم الاضمحلال والمحق حتى
وثابت گردانی برای ایشان نابود شدن را وبرطرف شدن را تا آنکه
تقرب اجالهم وتقضى مدتهم و
نزدیک سازی اجلهای ایشانرا وبسر آوری مدت ایشانرا و
تذهب ايامهم وتبتر اعمارهم وتهلك
برطرف کنی روزهای ایشانرا وقطع کنی عمرهای ایشانرا وهلاک کنی

فُجّارَهُمْ وَتُسَلِّطَ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ حَتّى

ناقصان ایشانرا و غالب کردانی بعض ایشانرا ربعضی تا آنکه

لاتُبْقِيَ مِنْهُمْ اَحَدًا وَلاتُنْجِيَ مِنْهُمْ

باقی نکذاری از ایشان احدی را و خلاصی ندهی از ایشان

اَحَدًا وَلاتُخَلِّصَ مِنْهُمْ اَحَدًا اَبَدًا وَ

کسی را و رها نکنی از ایشان یکی را هرگز و

تُفَرِّقَ جُمُوعَهُمْ وَتُكِلَّ سِلاحَهُمْ

پراکنده سازی جمعیت ایشانرا و کند کنی یراق جنگ ایشان را

وَتُبَدِّدَ شَمْلَهُمْ وَتُقَطِّعَ اٰجالَهُمْ وَتُقَصِّرَ

و متفرق سازی قوم ایشان را و آنکه ببری مدتهای عمر ایشانرا و کوتاه کردانی

اَعْمارَهُمْ وَتُزَلْزِلَ اَقْدامَهُمْ وَتُطَهِّرَ

عمرهای ایشانرا و بلرزانی قدمهای ایشانرا و پاک سازی

بِلادَكَ مِنْهُمْ وَتُظْهِرَ عِبادَكَ عَلَيْهِمْ

شهرهای خودرا از ایشان و آنکه غالب کردانی بندکان خودرا بر ایشان

فقد

فَقَدْ غَيَّرُوا سُنَّتَكَ وَنَقَضُوا عَهْدَكَ

پس بتحقیق که تغییر دادند روییه و طریقهٔ ترا و شکستند پیمان ترا

وَهَتَكُوا حَرِيمَكَ وَاَتَوْا ما نَهَيْتَهُمْ

و دریدند پردهٔ حرمت ترا و بجای آوردند آنچه را که منع کردی تو ایشانرا

عَنْهُ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا وَضَلُّوا

از او و سرپیچی کردند سرپیچی بزرگ و گمراه شدند

ضَلالًا بَعِيدًا فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

گمراه شدن دور پس رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد

وَاْذَنْ لِجَمْعِهِمْ بِالشَّتاتِ وَلِحَيِّهِمْ

و مقرر فرمای مرجمعیت ایشانرا به پراکندگی و مرزندگی ایشانرا

بِالْمَماتِ وَلِاَزْواجِهِمْ بِالنَّهَباتِ وَخَلِّصْ

بمردن و مرزنان ایشان را بغارت و اسیری و نجات ده

عِبادَكَ مِنْ ظُلْمِهِمْ وَاقْبِضْ اَيْدِيَهُمْ عَنْ

بندکان خودرا از ستم ایشان و بگیر و کوتاه کن دست ایشانرا از

هضمهم وطهر ارضك منهم واذن

از شکستن بندگان و پاک کن زمین خود را از کثافت ایشان و امر کن

بحصد نباتهم واستيصال شافتهم و

بدرویدن درخت عمر ایشان و از بیخ برکندن اصل زندگانی ایشان و

شتات شملهم وهدم بنيانهم يا ذا

پراکندگی جمعیت ایشان و خراب کردن بناهای زندگانی ایشان ای صاحب

الجلال والاكرام واسالك يا الهي و

بزرگی و بخشش و سؤال ترا ای خداوند و

اله كل شيء وربي ورب كل شيء و

و خدای هر چیز و پروردگار من و پروردگار هر چیز و

ادعوك بما دعاك به عبداك ورسولاك

میخوانم ترا بآنچه خوانده اند ترا بآن دو بندهٔ تو و دو رسول تو

ونبياك وصفياك موسى وهرون

و دو پیغمبر تو و دو برگزیدهٔ تو موسی و هرون

عليهما السلام حين قالا داعيين لك

که بر ایشان باد سلام در وقتی که گفتند در حالا که خوانندگان بودند ترا

راجيين لفضلك راضيين بقضائك

و امید داشتند مر احسان ترا و خشنود بودند بحکم تو

ربنا انك اتيت فرعون وملاه زينة

ای پروردگار ما بدرستی که تو دادهٔ بفرعون و گروه او زینت

واموالا في الحيوة الدنيا ربنا ليضلوا

و مال بسیار را در زندگانی دنیا ای پروردگار ما پس گمراه نمودند مردم را از

عن سبيلك ربنا اطمس على اموالهم

از راه تو ای پروردگار ما برطرف کن مالهای ایشان را

واشدد على قلوبهم فلا يؤمنوا حتى يروا

و بند گذار بر دلهای ایشان پس ایمان نیاوردند تا اکه دیدند

العذاب الاليم فمننت وانعمت عليهما

عقوبت دردناک ترا پس منت گذاردی و انعام کردی بر موسی و هرون

بالاجابة لهما الى ان قرعت سمعهما

باجابت کردن دعای ایشان را تا انکه کوفتی تو گوش ایشان را

بامرک اللهم فقلت رب قد اجیبت

بامر وفرمان خود خداوندا پس گفتی تو ای پروردگار من بتحقیق که بر آورده شد

دعوتکما فاستقیما ولا تتبعان

حاجت شما پس راستی گیرید و پیروی مکنید

سبیل الذین لا یعلمون ان تصلی علی محمد و

راه آن جماعتی که نمیدانند حق را انکه رحمت فرمایی بر محمد و

ال محمد وان تطمس علی اموال هؤلاء

آل محمد و انکه ناچیز کردانی مالهای این جماعت

الظلمة وان تشدد علی قلوبهم وان تخسف

ستمکاران را و انکه بند محکم نهی بر دلهای ایشان و انکه فرو بری

بهم برک وان تغرقهم فی بحرک فان

ایشان را در بیابان خود و انکه غرق کنی ایشان را در دریای خود پس بدرستی که

السموات والارض وما فیهما لک وار

آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست از برای توات و بما

الخلق قد دنک فیهم و بطشتک علیهم

بخلایق قدرت و توانایی خود را درباره ایشان و شدت قهر خود را بر ایشان

فافعل ذلک و عجل ذلک لهم یا خیر

پس بکن این را و شتاب نمای این را برای ایشان ای بهترین

من سئل و خیر من دعی و خیر من تذللت

کسی که سؤال کرده شده از او است وای بهترین کسی که خوانده شده است وای بهترین کسی که خواری نموده

له الوجوه و رفعت الیه الایدی و دعی

اند برای او رویها و برداشته شده است بسوی او دستها و خوانده شده است

بالالسن و شخصت الیه الابصار وامت

بزبانها و حیران مانده اند بسوی او چشمها و قصد کرده اند

الیه القلوب و نقلت الیه الاقدام

بسوی او دلها و حرکت داده شده اند بسوی او قدمها

وَيُحُوكِمَ إِلَيْهِ فِي الْأَعْمَالِ إِلٰهِي فَأَنَا

ومحاکمه وحساب کرده میشود بسوی او در کردارها ای خدای من پس

عَبْدُكَ وَأَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمَائِكَ بِأَبْهَاهَا

من بنده توام وسؤال میکنم ترا از نامهای تو به نیکوترین آنها

وَكُلُّ أَسْمَائِكَ بَهِيٌّ بَلْ أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ

وهمه نامهای تو نیکوست بلکه سؤال میکنم ترا بنامهای تو

كُلِّهَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

همه آنها آنکه رحمت فرستی بر محمد وبر آل محمد

وَأَنْ تُرْكِسَهُمْ عَلَى أُمِّ رُؤُسِهِمْ فِي زُبْيَتِهِمْ

وآنکه سرنگون سازی دشمنان را بر مغز سر ایشان در خودشان

وَتُرْدِيَهُمْ فِي مَهْوَى حُفْرَتِهِمْ وَارْمِهِمْ

وآنکه بیندازی ایشان را در تنگ گوی که کنده اند آن را ایشان وبزن ایشان را

بِحَجَرِهِمْ وَذَكِّهِمْ بِمَشَاقِصِهِمْ وَاكْبُبْهُمْ

بسنگ خودشان وذبح کن وبکش ایشان را به پیکانهای تیر خودشان وبروی انداز ایشان را

عَلَى مَنَاخِرِهِمْ وَاخْنُقْهُمْ بِوَتَرِهِمْ وَارْدُدْ

بر بینیهای ایشان وخفه کن ایشان را بزه کمان خودشان وبرگردان

كَيْدَهُمْ فِي نُحُورِهِمْ وَأَوْبِقْهُمْ بِنَدَامَتِهِمْ

دشمنی ایشان را در گودیهای سینه ایشان وهلاک گردان ایشان را به پشیمانی ایشان

حَتَّى يَسْتَخْذِلُوا وَيَتَضَاءَلُوا بَعْدَ نَخْوَتِهِمْ

تا آنکه بی یار ومددکار باقی مانند وحقیر گردان بعد از تکبر ایشان

وَيَخْشَعُوا بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِمْ أَذِلَّاءَ مَأْسُورِينَ

وپست بگردند بعد از گردن کشی ایشان در حالتی که خوار وذلیل باشند واسیرگان

فِي رِبَقِ حَبَائِلِهِمُ الَّتِي كَانُوا يُؤَمِّلُونَ

در ریسمان وحلقه دامهای خودشان که بودند آنکه امید دارند

أَنْ يَرَوْنَا فِيهَا وَتُرِيَنَا قُدْرَتَكَ فِيهِمْ وَ

آنکه ببینند ما را در آن دامها وسؤال میکنم ترا آنکه بنمائی بما توانائی خود را در باره ایشان و

سُلْطَانَكَ عَلَيْهِمْ وَتَأْخُذَهُمْ أَخْذَ الْقُرَى

شدت قهر خود را بر ایشان وفراگیری تو ایشان را مثل گرفتن تو اهل شهرها را

وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَكَ الْأَلِيمُ الشَّدِيدُ

وحال آنکه بودند آنها ستم کننده بدرستی که گرفتن تو بدرد آورنده وسخت است

وَتَأْخُذُهُمْ يَا رَبِّ أَخْذَ عَزِيزٍ مُقْتَدِرٍ

وآنکه بگیری ایشانرا ای پروردگار من گرفتن شخص غلبه کننده بسیار توانا

فَإِنَّكَ عَزِيزٌ قَدِيرٌ شَدِيدُ الْعِقَابِ شَدِيدُ

پس بدرستی که تو غلبه کننده که سخت است عقوبت تو وسخت است

الْمِحَالِ اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

حیله تو خداوندا ورحمت فرست بر محمد وبر آل

مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ إِيرَادَهُمْ عَذَابَكَ الَّذِي أَعْدَدْتَهُ

محمد وتعجیل کن وارد ساختن دشمنانرا بعقوبت خود که مهیا کرده تو آنرا

لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَمْثَالِهِمْ وَالطَّاغِينَ مِنْ نُظَرَائِهِمْ

برای ستم کنندگان از مانندهای ایشان وبرای یاغیان از شبیهای ایشان

وَارْفَعْ حِلْمَكَ عَنْهُمْ وَأَحْلِلْ عَلَيْهِمْ

وبردار حلم خودرا از ایشان وفرود آور بر ایشان

غَضَبَكَ الَّذِي لَا يَقُومُ لَهُ شَيْءٌ وَأْمُرْ فِي

خشم خودرا که مقاومت نمیکند بآن چیزی وفرمان ده در

تَعْجِيلِ ذَلِكَ بِأَمْرِكَ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُؤَخَّرُ

شتاب کردن این عقوبت بفرمان خود که بر نمیگردد وپس افکنده نمیشود

فَإِنَّكَ شَاهِدُ كُلِّ نَجْوَى وَعَالِمُ كُلِّ

پس بدرستی که تو حاضر هر راز پنهانی ودانای هر

فَحْوَى وَلَا يَخْفَى عَلَيْكَ مِنْ أَعْمَالِهِمْ خَافِيَةٌ

ستری وپنهان نیست برتو از کردای ایشان هیچ پنهانی

وَلَا يَذْهَبُ عَنْكَ مِنْ أَفْعَالِهِمْ خَائِبَةٌ

وغایب نمیشود از تو از کارهای ایشان هیچ مستور وپوشیده

وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ عَالِمٌ بِمَا فِي الضَّمَائِرِ وَ

وتوئی دانای امور پنهان ودانائی بآنچه در خاطرها و

الْقُلُوبِ وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ وَأُنَادِيكَ

دلهاست وسؤال میکنم ترا خداوندا ومیخوانم ترا

بما ناداك به سيدي اللهم نوح اذ قلت
بآنچه خوانده است ترا آن مولای من بارخدایا نوح چونکه گفت تو
تباركت وتعاليت ولقد نادانا نوح فلنعم
که بزرگی تو وبلندی تو که بتحقیق که خوانده است ما را نوح پس هرآینه
المجيبون اجل اللهم انت نعم المجيب ونعم
جواب دهنده کان بلی خداوندا توئی نیکو جواب دهنده ونیکو
المدعو ونعم المسؤل ونعم المعطي انت الذي
خوانده شده ونیکو سؤال کرده شده ونیکو بخشنده توئی آنکه
لا تخيب سائلك ولا ترد راجيك ولا تطرد
ناامید نمیسازی سؤال کننده خود را و بر نمیگردانی امیدوار خود را و منع نمیکنی
الملح عن بابك ولا ترد دعاء سائلك ولا
تو ابا اید را از درگاه خود و بر نمیگردانی تو دعا طلب نماینده از ترا و
تمل من دعاء من املك ولا تتبرم بكثرة
غمگین نمیشوی از دعا کسی که امید داشته باشد از تو و دلگیر نمیگردی بسبب زیادتی

حوائجهم اليك ولا بقضائها لهم فان
حاجتهای ایشان بسوی تو ونه بسبب برآوردن حاجتها برای ایشان پس
قضاء حوائج جميع خلقك اليك في اسرع
بدرستی که برآوردن حاجتها همه آفریدگان تو در نزد تو زودتر است
من لحظ الطرف واخف عليك واهون
از نگاه بگوشه چشم وسبکتر است بر تو وآسان تر است
عندك من جناح بعوضة وحاجتي اليك
نزد تو از پر پشه وحاجت من بسوی تو
يا سيدي ومولاي ومعتمدي ورجائي
ای آقای من ومولای من ومحل اعتماد من وامید من
ان تصلي على محمد وال محمد وان تغفر لي
آنست که رحمت فرستی بر محمد وآل محمد وآنکه بیامرزی برای
ذنبي فقد جئتك ثقيل الظهر بعظيم
من گناه مرا پس بتحقیق که من آمدم ترا در حالی که سنگین است پشت من ببزرگی

مَا بَارَزْتُكَ بِهِ مِنْ سَيِّئَاتِي وَرَكِبَنِي مِنْ

انچه ظاهر ساخته ام بتو انرا از گناهان خو وانچه سوار شده است مرا از

مَظَالِمِ عِبَادِكَ مَا لَا يَفُكُّنِي وَلَا يُخَلِّصُنِي

مظلمهای بندکان تو . انقدر که نکاه میدارد مرا ورها نمیکند مرا

مِنْهُ غَيْرُكَ وَلَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ وَلَا يَمْلِكُهُ

ازاو . غیر تو وقدرت ندارد براو ... ومالک نیست آنرا

سِوَاكَ فَامْحُ يَا سَيِّدِي كَثْرَةَ سَيِّئَاتِي

سوای تو پس زایل کن ای مولای من بسیاری گناهان مرا

بِيَسِيرِ عَبَرَاتِي بَلْ بِقَسَاوَةِ قَلْبِي وَجُمُودِ

بکمی اشک چشم من بلکه بسختی ... دل من وخشکی

عَيْنِي لَا بَلْ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ

چشم من نه بسبب انکه گفتم بلکه بسبب رحمت تو که فراگرفته است هر

شَيْءٍ وَأَنَا شَيْءٌ فَلْتَسَعْنِي رَحْمَتُكَ يَا رَحْمٰنُ يَا

چیزی را وحال انکه من چیزم پس باید که فراگیرد مرا رحمت تو ای بخشنده ای

رَحِيمُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَلَا تَمْتَحِنِّي بِشَيْءٍ مِنَ

مهربان ای رحم کننده ترین رحم کنندکان وآزمایش مکن مرا بچیزی از

الْمِحَنِ فِي هٰذِهِ الدُّنْيَا وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ

بلاها در این دنیا ومسلط مگردان برمن کسی را که

لَا يَرْحَمُنِي وَلَا تُهْلِكْنِي بِذُنُوبِي وَعَجِّلْ

رحم نکند برمن . وهلاک مکن مرا بسبب گناهان من وشتاب نمای

خَلَاصِي مِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَادْفَعْ عَنِّي كُلَّ

درنجات من از هر ناخوشی ودورکن ازمن هر

ظُلْمٍ وَلَا تَهْتِكْ سِتْرِي وَلَا تَفْضَحْنِي يَوْمَ

ستمی را وپاره مکن پرده مرا ورسوا مکن مرا درروز

جَمْعِكَ الْخَلَائِقَ لِلْحِسَابِ يَا جَزِيلَ الْعَطَاءِ وَ

جمع کردن تو مخلوقات را برای حساب - ای کسی که بزرگست بخشش و

الثَّوَابِ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

ثواب تو سؤال میکنم ترا انکه رحمت فرستی برمحمد وبر آل

محمدٍ وان تحيينى حيوة السعداء وتميتنى

محمد وانكه زنده دارى مرا زندگى نيك بختان ومبيرانى مرا

ميتة الشهداء وتقبلنى قبول الاوداء و

مردن شهيدان وقبول كنى مرا قبول كردن دوستان و

تحفظنى فى هذه الدنيا الدنية من شر

انكه نگاهدارى مرا دراين دنيا پست از شر

سلاطينها وفجارها وشرارها ومحبيها

پادشاهان ظالم وانو فاسقهار آن وازبدان آن از دوستداران دنيا

والعاملين لها وفيها وقنى شر طغاتها

وازكاركنندگان ازبراى دنيا ودر دنيا ونگاهدار مرا از بدى ياغيان در دنيا

وحسادها وباغى الشرك فيها حتى تكفينى

ورشك برندگان در آن واختيار كنندگان شرك در دنيا تاانكه نگاهدارى مرا

مكر المكرة وتفقا عنى اعين الكفرة

ازحيله مكاران وانكه كور كنى از ديدن من چشمهاى كافران را

وتفحم

وتفحم عنى السن الفجرة وتقبض لى

وساكت وگنگ گردانى ازمن زبانهاى فاسقان را وبه بندى ازبراى من

على ايدى الظلمة وتوهن عنى كيدهم و

بردستهاى ستمكاران وخوار كنى ازمن دشمنى ايشان را وانكه

تميتهم بغيظهم وتشغلهم باسماعهم

بميرانى ايشان را بخشم خودشان ومشغول گردانى ايشان را بگوشهاى ايشان

وابصارهم وافئدتهم وتجعلنى من ذلك

وبچشمهاى ايشان وبدلهاى ايشان وانكه بگردانى تو مرا از اينها

كله فى امنك وامانك وحجتك و

همه درسلامتى ازجانب خود وامان خود ودر دليل خود و

سلطانك وكنفك وحجابك وعياذك

درپادشاهى تو ودرنگاهداشتن تو ودرپرده تو ودرپناه تو

وجوارك من جار السوء وجليس السوء

ودرهمسايگى تو وازشر همسايه بد وازهمنشين بد

إنك على كل شيء قدير إن وليي الله

برستی که تو بر همه چیز توانائی براستی که دوست من خداست

الذي نزل الكتاب وهو يتولى الصالحين

که فرو فرستاده است قرآن را و دوست میدارد صالحان را

اللهم بك أعوذ وبك ألوذ ولك

خداوندا بتو پناه میبرم و بتو التجا میبرم و از برای تو

أعبد وإياك أرجو وبك أستعين وبك

عبادت و بندگی میکنم و از تو امید دارم و از تو طلب یاری میجویم و بتو

أستكفي وبك أستغيث ومنك

طلب کارگزاری میکنم و از تو طلب فریادرسی میجویم و از تو

أسأل فصل على محمد وآل محمد ولا تردني

سؤال میکنم پس رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و برمگردان مرا

إلا بذنب مغفور وسعي مشكور

بسوی آخرت مگر بگناه آمرزیده و سعی در عمل مقبول و

تجارة لن تبور وأن تفعل بي ما أنت أهله

و سوداگری که زیان نکند و آنکه بجا آوری با من آنچه را که تو سزاوار آنی

ولا تفعل بي ما أنا أهله فإنك أهل

و نکنی بمن آنچه را که من لایق آنم پس بدرستی که تو سزاوار

التقوى وأهل المغفرة وأهل الفضل و

بآنکه پرهیزکاری نمایند برای تو مردمان و سزاوار آمرزش و سزاوار احسان

الرحمة إلهي وقد أطلت دعائي وأكثرت

و بخشش ای خدای من و بتحقیق که دراز کرده ام دعا خود را و بسیار کرده ام

خطابي وضيق صدري حداني على ذلك

مناجات و کلام خود را و تنگی سینهٔ من خوانده است مرا براین درلابزی

وحملني عليه علماً مني بأنه يجزئك منه

و باز داشته است مرا بر آن از جهت دانستن من بآنکه کافیست ترا از دعا

قدر الملح في العجين بل يكفيك عزم

بقدر نمک در خمیر بلکه کافیست ترا قصد

اِرادَةٍ وَاَنْ يَقُولَ الْعَبْدُ بِنِيَّةٍ صادِقَةٍ

ارادت وانیکه بگوید بنده به نیت درست

وَلِسانٍ صادِقٍ يا رَبِّ فَتَكُونَ عِنْدَ

وزبانی راست که ای پروردگار من پس هستی تو حاضر و دانا نزد

ظَنِّ عَبْدِكَ بِكَ وَقَدْ ناجاكَ بِعَزْمِ الْاِرادَةِ

گمان بندهٔ خود بتو و بتحقیق که راز گفته است ترا بقصد ارادت خود

قَلْبِي فَاَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

دل من پس سؤال میکنم ترا آنکه رحمت فرستی تو بر محمد و آل محمد

وَاَنْ تَقْرُنَ دُعائِي بِالْاِجابَةِ مِنْكَ وَ

وانکه متصل سازی حاجت مرا به برآوردن از جانب تو و

تُبَلِّغَنِي ما اَمَّلْتُهُ فِيكَ مِنَّةً مِنْكَ وَ

برسانی بمن آنچه بآنکه امید دارم آنرا در نزد تو از روی منت از جانب تو و

طَوْلًا وَقُوَّةً وَحَوْلًا لا تُقِيمَنِي مِنْ مَقامِي

احسان و توانایی و قدرت تو و آنکه برنخیزانی مرا از مقام من

هٰذا اِلَّا بِقَضاءِ جَمِيعِ ما سَاَلْتُكَ فَاِنَّهُ

این مقام مگر به برآوردن همه آنچه سؤال نموده ام ترا پس بدرستی

عَلَيْكَ يَسِيرٌ وَخَطَرُهُ عِنْدِي جَلِيلٌ

که این بر تو آسانست و شان آن نزد من بسیار

كَبِيرٌ وَاَنْتَ عَلَيْهِ قَدِيرٌ يا سَمِيعُ يا بَصِيرُ

و بزرگست و تو برآن توانائی ای شنوا ای بینا

اِلٰهِي وَهٰذا مَقامُ الْعائِذِ بِكَ مِنَ النّارِ وَ

ای خدای من و این مقام من محل ایستادن پناه برنده بتو از آتش و

الْهارِبِ مِنْكَ اِلَيْكَ وَالتّائِبِ مِنْ ذُنُوبٍ

گریزنده از تست بسوی تو و توبه کننده از گناهانست

قَدْ تَهَجَّمَتْهُ وَعُيُوبٍ فَضَحَتْهُ فَصَلِّ

بتحقیق که هجوم آور شدند او را و از عیبهائی است که رسوا کرده اند او را پس رحمت

عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَانْظُرْ اِلَيَّ نَظْرَةً رَحِيمَةً

فرست بر محمد و بر آل محمد و نگاه کن بسوی من نگاهی از روی مهربانی

أَفُوزُ بِهَا إِلَى جَنَّتِكَ وَأَعْطِفْ عَلَى عَطْفَةً

که برسم من بسبب آن بسوی بهشت تو و مهربانی کن بر من مهربانی را که

أَنْجُو بِهَا مِنْ عِقَابِكَ فَإِنَّ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ

خلاص شوم بسبب آن از عقوبت تو پس بدرستی که بهشت و دوزخ

لَكَ وَبِيَدِكَ وَمَفَاتِيحُهُمَا وَمَغَالِيقُهُمَا

برای تست و بدست قدرت تست و کلیدهای آنها و قفلهای آنها

إِلَيْكَ وَأَنْتَ عَلَى ذَلِكَ قَادِرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ

بسوی تست و تو بر این توانائی و آن بر تو

هَيِّنٌ يَسِيرٌ فَافْعَلْ بِي مَا سَأَلْتُكَ يَا قَدِيرُ

سهل و آسان است پس بکن بمن آنچه را که سؤال کردم از تو ای توانا

وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

و نیست حرکتی و نه توانائی مگر بخدا بلند مرتبهٔ بزرگ

وَحَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَصَلَّى

و کافیست ما را خدا و نیکو وکیل است و رحمت فرستد

اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خدا بر مهتر ما محمد و بر آل او که پاکانند

این مناجاترا بجهت برطرف شدن ظلم و ستم باید خواند

اَللّٰهُمَّ إِنَّ ظُلْمَ عِبَادِكَ قَدْ تَمَكَّنَ فِي

خداوندا بدرستی که ظلم و ستمکاری بندگان تو بتحقیق که قرار گرفته است در

بِلَادِكَ حَتَّى أَمَاتَ الْعَدْلَ وَقَطَعَ السُّبُلَ

شهرهای تو تا آنکه میرانده است عدالت را و بریده است راههای شرع را

وَمَحَقَ الْحَقَّ وَأَبْطَلَ الصِّدْقَ وَأَخْفَى الْبِرَّ

و برطرف کرده است درستی را و باطل کرده است راستگوئی را و پنهان کرده است نیکوئی را

أَظْهَرَ الشَّرَّ وَأَخْمَدَ التَّقْوَى وَأَزَالَ الْهُدَى

آشکار نموده است شر و بدی را و خاموش ساخته است پرهیزکاری را و زایل کرده است راه نمائی را

وَأَزَاحَ الْخَيْرَ وَأَثْبَتَ الضَّيْرَ وَأَنْمَى الْفَسَادَ

و برطرف کرده است نیکی را و ثابت نموده است ضرر را و زیاده گردانیده است فتنه و فساد را

وَقَوِيَ الْعِنَادُ وَبَسَطَ الْجَوْرَ وَعَدَّى الطَّوْرَ

وقوت دلیر است دشمنی را و پهن کرده است میل از حق را و تجاوز نموده است حد را

اَللّٰهُمَّ يَا رَبِّ لَا يَكْشِفُ ذٰلِكَ اِلَّا

خداوندا ای پروردگار من برطرف نمیکند این ظلم را مگر

سُلْطَانُكَ وَلَا يُجِيرُ مِنْهُ اِلَّا امْتِنَانُكَ اَللّٰهُمَّ

قدرت و پادشاهی تو و پناه نمیدهد از آن مگر منت گذاردن تو بآن خداوندا

رَبِّ فَابْتُرِ الظُّلْمَ وَبُتَّ حِبَالَ الْغَشْمِ وَاَخْمِدْ

ای پروردگار من پس قطع کن ستم را و ببُر ریسمان ظلم را و فرونشان

سُوقَ الْمُنْكَرِ وَاَعِزَّ مَنْ عَنْهُ يَنْزَجِرُ وَاحْصُدْ

رواج بازار قبیح را و عزیز گردان کسی را که از ظلم باز ایستاده و قطع کن

شَافَةَ اَهْلِ الْجَوْرِ وَاَلْبِسْهُمُ الْحَوْرَ بَعْدَ

بیخ و اصل اهل ظلم و ستم را و بپوشان بایشان برگشتن بنقصان را بعد از

الْكَوْرِ وَعَجِّلِ اللّٰهُمَّ اِلَيْهِمُ الْبَيَاتَ وَ

زیاد شدن ظلم ایشان و شتاب کن خداوندا بسوی ایشان عقوبت را در شب و

اَنْزِلْ عَلَيْهِمُ الْمَثُلَاتِ وَاَمِتْ حَيٰوةَ الْمُنْكَرِ

فرود آور بر ایشان عقوبتها و بلاها را و بمیران زندگی امر قبیح را

لِيُؤْمَنَ الْمَخُوفُ وَيَسْكُنَ الْمَلْهُوفُ وَ

تا آنکه ایمن شود ترسیده شده و آرام گیرد ستم رسیده و تا

يَشْبَعَ الْجَائِعُ وَيُحْفَظَ الضَّائِعُ وَيَأْوِيَ الطَّرِيدُ

آنکه سیر شود گرسنه و نگاهداشته شود ضایع و تا آنکه برگردد بیرون رفته

وَيَعُودَ الشَّرِيدُ وَيُغْنَى الْفَقِيرُ وَيُجَارَ

و رجوع نماید گریخته و تا آنکه توانگر گردد درویش و پناه یافته شود

الْمُسْتَجِيرُ وَيُوَقَّرَ الْكَبِيرُ وَيُرْحَمَ الصَّغِيرُ وَ

پناه ترسنده و تا آنکه تعظیم کرده شود مرد بزرگ و رحم کرده شود طفل کوچک و تا

يُعَزَّ الْمَظْلُومُ وَيُذَلَّ الظَّالِمُ وَيُفَرَّجَ الْمَغْمُومُ

آنکه عزیز شود ستم رسیده و خوار شود ستم کننده و تا آنکه نجات داده شود اندوهناک

وَتَنْفَرِجَ الْغَمَّاءُ وَيَسْكُنَ الدَّهْمَاءُ

و برطرف شود اندوه آن و فرونشیند حادثه و بلا

ويموت الاختلاف ويعلوا العلم ويشمل

و تا آنکه بمیرد مخالفت شرع و حق . و بلند شود دانش . و شامل شود

السلم ويجمل الثبات ويجمع الشتات و

سلامتی و امنیت . و نیکو گردد ثبات در ایمان . و مجتمع گردد تفرق و

ينمو النبات ويحضر المشاهد ويعمر المساجد

بروید گیاه . و منعقد گردد مجالس حکومت . و معمور شود مسجدها

ويقوى الايمان ويتلى القران انك انت

و تا آنکه قوت داده شود ایمان . و خوانده شود قرآن . بدرستی که تو تویی

الديان المنعم المنان

جزا دهنده اعمال . و انعام دهنده و بخشنده

اللهم ارسل على سجال رزقك مدرارا

خداوندا . بفرست . بر من . دلوهای بخشش روزی از جانب خود در حالی که بسیار ریزان

وامطر على سحائب افضالك غزارا وادم

و بباران . بر من . ابرهای احسان خود را در حالی که باشد بسیار نفع دهنده و دایم بدار

غيث نيلك الى سجالي واسبل مزيد

باران خیر خود را بسوی من ریزنده و بخشنده . و بریزان . زیاده

نعمك على خلتي اسبالا وافقرني بجودك

نعمت خود را بر بسیاری احتیاج من ریختنی بسیار . و محتاج گردان مرا بکرم خود

اليك واغنني عمن يطلب ما لديك و

بسوی خودت . و بی نیاز گردان مرا از کسی که طلب میکند آنچه را که در نزد تست . و

داو داء فقري بدواء فضلك وانعش

علاج و مداوا کن درد احتیاج مرا بدوای احسان خود . و بلند گردان

صرعة عيلتي بطولك وتصدق على اقلالي

بخاک افتادگی از جهت کثرت احتیاج مرا به بخشش خود . و تصدق کن و رحم نمای بر بیچیزی من

بكثرة عطائك وعلى اختلالي بكريم

بسبب بسیاری بخشش تو . و بر اختلال احوال من به بزرگ و عزیز

حبائك وسهل رب سبيل الرزق الي و

از انعام تو . و آسان و هموار گردان ای پروردگار من راه روزی را بسوی من و

ثَبِّتْ قَواعِدَهُ لَدَیَّ وَبَجِّسْ لِی عُیُونَ سَعَتِهِ

ثابت و محکم گردان اساسهای مبانی روزی را در نزد من و بشکاف برای من چشمهای فراخی ورزی

بِرَحْمَتِكَ وَفَجِّرْ أَنْهارَ رَغَدِ الْعَیْشِ قِبَلِی بِرَأْفَتِكَ

برحمت خود و روان ساز نهرهای وسیع تعیش در نزد من برای پیش من بشفقت خود

وَأَجْدِبْ أَرْضَ فَقْرِی وَأَخْصِبْ جَدْبَ

و خشک و قحط کن زمین درویشی و بی چیزی مرا و ارزان و فراوان گردان خشک و قحط

ضُرِّی وَاصْرِفْ عَنِّی فِی الرِّزْقِ الْعَوایِقَ وَ

ضرر و آزار مرا و دور گردان از من در روزی مانعها را و

اقْطَعْ عَنِّی مِنَ الضِّیقِ الْعَلایِقَ وَارْمِنِی مِنْ سَعَةِ

ببر از من از تنگی و درویشی اسباب آن را و بینداز بجانب من از فراخی

الرِّزْقِ اللّٰهُمَّ بِأَخْصَبِ سِهامِهِ وَاحْبُنِی

روزی خداوندا بفراوان ترین تیرهای آن و ببخش بمن

مِنْ رَغَدِ الْعَیْشِ بِأَکْثَرِ دَوامِهِ وَاکْسُنِی

از وسیع و فراخی تعیش و زندگانی بدایم ترین روزی و بپوشان بمن

اللّٰهُمَّ سَرابِیلَ السَّعَةِ وَجَلابِیبَ الدَّعَةِ

خداوندا پیراهنهای فراخی روزی و معیشت را و جامهای رفاهیت و نعمت را

فَإِنِّی رَبِّ مُنْتَظِرٌ لِإِنْعامِكَ بِحَذْفِ التَّضْیِیقِ

پس بدرستی که من ای پروردگار من انتظار کشنده ام مر نعمت ترا به برطرف کردن تنگی معاش ارزق

وَلِتَطَوُّلِكَ بِقَطْعِ التَّعْوِیقِ وَلِتَفَضُّلِكَ

و مر احسان نمودن ترا به برطرف کردن و به منع کردن از روزی را و تو و مر زیادتی بخشش ترا

بِإِزالَةِ التَّقْتِیرِ وَلِوُصُولِ حَبْلِی بِکَرَمِكَ

بزایل ساختن درویشی و بی چیزی را از من و مر رسیدن وسیله من بسبب کرم تو

بِالتَّیْسِیرِ وَأَمْطِرِ اللّٰهُمَّ عَلَیَّ سَماءَ رِزْقِكَ

بآسانی ... و بباران خداوندا بر من آسمان روزی از جانب خود را

بِسِجالِ الدِّیَمِ وَأَغْنِنِی عَنْ خَلْقِكَ بِعَوایِدِ

ببارانهای بخشش دیمه دایمی خود و بی نیاز گردان تو مرا از آفریدگان خود بعطیهای

النِّعَمِ وَارْمِ مَقاتِلَ الْإِقْتارِ مِنِّی وَاحْمِلْ کَشْفَ

نعمتهای خود و دور گردان کشندهای از درویشی و بی چیزی را از من و بار کن برطرف شدن

الضُّرَّ عَنِّی عَلٰی مَطَایَا الْاِعْجَالِ وَاصْرِفْ عَنِّیَ

آزار و مشقت را از من بر پشت شتران شتاب کننده و برگردان از من

الضِّیْقَ بِسَیْفِ الْاِسْتِیْصَالِ وَاتْحِفْنِیْ

تنگی معاش را بشمشیر از بیخ برنده و تحفه فرست بمن

رَبِّ مِنْکَ بِسَعَةِ الْاِفْضَالِ وَاَمْدِدْنِیْ

ای پروردگار من از جانب خود فراخی و بسیاری احسان خود را و اعانت کن مرا

بِنُمُوِّ الْاَمْوَالِ وَاحْرُسْنِیْ مِنْ ضِیْقِ الْاِقْلَالِ وَ

بزیاد شدن مالهای من و پاسبانی و نگاهداری کن بمن از تنگی درویشی و بیچیزی

اقْبِضْ عَنِّیْ سُوْءَ الْجَدْبِ وَابْسُطْ لِیْ بِسَاطَ

ببستان از من بدی قحط و غلا را و بگستران برای من فرش

الْخِصْبِ وَاسْقِنِیْ مِنْ مَاءِ رِزْقِکَ غَدَقًا وَ

ارزانی و فراوانی را و سیراب گردان مرا از آب روزی از جانب خود در حالی که باشد بسیار و

انْهَجْ لِیْ مِنْ عَمِیْمِ بَذْلِکَ طُرُقًا وَفَاجِئْنِیْ

واضح گردان برای من از بخشش عام خود راههای بسیار را و برسان بمن بدون اطلاع

بالثر

بِالثَّرْوَةِ وَالْمَالِ وَانْعَشْنِیْ بِهِ مِنَ الْاِقْلَالِ

توانگری و مال را و بلند گردان مرا بسبب مالداری از مذلت و خواری درویشی

وَصَبِّحْنِیْ بِالْاِسْتِظْهَارِ وَمَسِّنِیْ بِالتَّمَکُّنِ

و داخل در صباح گردان مرا که متلبس باشم باعانت و امداد توانگری و داخل در شام گردان بقدرت

مِنَ الْیَسَارِ اِنَّکَ ذُو الطَّوْلِ الْعَظِیْمِ وَالْفَضْلِ

از مالداری بدرستی که تو صاحب احسان و انعام بزرگی را و صاحب عطا و بخشش

الْجَسِیْمِ وَاَنْتَ الْجَوَادُ الْکَرِیْمُ شرح دعای

بسیار و عظیمی و تویی بخشنده صاحب کرم

حضرت ادریس علیه السلام که مسمی است بدعای سحر است

ابن طاوس علیه الرحمة گوید که یافتم منقول از

حسن بصری آنکه چون فرستاد خدای تعالی ادریس را

علیه السلام بقوم خود تعلیم نمود باو این نامها را و وحی

کرد باو که بگوید این نامها را آهسته و در نفس خود و

ظاهر نکند آنها را برای قوم خود و بخواند خدا را
باین نامها را و ببرکت این دعا بود که برد خدای تعالی
او را باسمان بمکانی بلند پس بعد از آن تعلیم نمود این دعا
را بموسی و بعد از آن بحضرت محمد مصطفی صلی الله
علیه و آله و آنحضرت خواند این دعا را در جنگ
احزاب حسن بصری گوید که من از ترس حجاج پنهان
بودم و این دعا را خواندم پس نگاه داشت خدای تعالی
شر او را از من و هر آینه داخل شد بر من کسان او
شش مرتبه و خواندم من این دعا را پس ندیدند مرا و
پوشانید خدای تعالی چشمهای ایشان را از دیدن من
راوی گوید که بخوان این دعا را جهت طلبیدن آمرزش
همه گناهان پس سؤال کن حاجت خود را از مطلب دنیا

وآخرت پس بدرستی که بر آورده میشود حاجت تو انشاء الله

و دعای مسمی بدعای چهل اسم اینست

بسم الله الرحمن الرحیم

اسم اول سُبحانَكَ لا اِلهَ اِلّا اَنتَ یا رَبَّ كُلِّ
منزهی تو نیست خدایی مگر تو ای پروردگار هر
شَيءٍ وَوارِثَهُ دوم یا اِلهَ الآلِهَةِ الرَّفیعَ
چیز و وارث برنده از هر چیز ای خدای همه پرستیده شدگان که بلند است
جَلالُهُ سیم یا اَللهُ المَحمودُ فی كُلِّ
بزرگی او ای خدای ستایش کرده شده در همه
فِعالِهِ چهارم یا رَحمنَ كُلِّ شَيءٍ وَراحِمَهُ
کارهای او ای بخشنده هر چیز و رحم کننده بر او
پنجم یا حَيُّ حینَ لا حَيَّ فی دَیمومَةِ مُلكِهِ وَ
ای زنده در هنگامی که نیست زنده در همیشه بودن پادشاهی او

بقائه ششم یا قیوم فلا شیء یفوت علمه

در ابقاء بودن آن ... ای بخود برپای پس نیست چیزی که برطرف شود از آن علم

ولا یؤوده هفتم یا واحد الباقی اول کل

و نه رنجه اندازد او را علم او ... ای یگانه باقی که اول هر

شیء وآخره هشتم یا دائم بلا فناء ولا زوال

چیز و آخر آنست ... ای همیشه که برطرف نمیشود و نیست زوالی

لملکه نهم یا صمد من غیر شبیه

برای پادشاهی او ... ای بی نیاز از غیر آنکه باشد مانندی برای او

ولا شیء کمثله دهم یا بارئ فلا شیء

و نیست چیزی مثل او ... ای خلق کننده پس نیست چیزی

کفوه ولا امکان لوصفه یازدهم یا کبیر

همسر او و نیست امکانی برای تعریف او ... ای بزرگ

انت الذی لا تهتدی القلوب لوصف عظمته

تویی آنکسی که راه نمی یابند دلها برای تعریف کردن بزرگی او

هژدهم

دوازدهم یا بارئ النفوس بلا مثال خلا

ای خلق کننده نفسها ... بدون نمونه که مشروع شود

من غیره سیزدهم یا زاکی الطاهر من کل

از غیر او ... ای پاکیزه و پاک از هر

مدنسة بقدسه چهاردهم یا کافی الواسع

چرک و کثافت بسبب منزه بودن او ... ای کارگذار احاطه کننده

لما خلق من عطایا فضله پانزدهم یا نقی من

مر آنچه آفریده است از بخششهای زیادتی احسان خو ... ای پاک از

کل جور لم یرضه ولم یخالطه فعاله

هر ظلمی که نیست خوشنود از آن و داخل نشده است آن ظلم کارهای او

شانزدهم یا حنان انت الذی وسعت کل شیء

... ای مهربان تویی آنکسی که فرا گرفته تو هر چیز را

رحمة وعلما هفدهم یا منان ذا الاحسان

از روی رحمت و دانایی ... ای بخشنده صاحب نیکویی

قَدْ عَمَّ الْخَلَائِقَ مَنُّهُ هژدهم يَا دَيَّانَ الْعِبَادِ

تحقیق که شامل است همه آفریدگان را بخشش او ای جزا دهنده بندگان

كُلٌّ يَقُومُ خَاضِعًا لِرَهْبَتِهِ نوزدهم يَا

همه ایشان بپای می ایستند در حالی که زاری کننده اند از جهت ترس او ای

خَالِقَ مَنْ فِي السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكُلٌّ

آفریدگار هر کس که هست در آسمانها و زمین و همه ایشان

إِلَيْهِ مَعَادُهُ بیستم يَا رَحِيمَ كُلِّ صَرِيخٍ وَ

بسوی او است بازگشت آنها ای رحم کننده هر فریادرس طلب کننده و

مَكْرُوبٍ وَغِيَاثَهُ وَمَعَاذَهُ بیست و یکم

اندوهناکی و فریادرس او و پناه او

يَا تَامًّا فَلَا تَصِفُ الْأَلْسُنُ كُلَّ جَلَالِهِ وَمُلْكِهِ

ای آنکه تمام است در همه صفتها پس تعریف نمیتوانند زبانها هیچ چیز از بزرگی او و از پادشاهی او را

وَعِزِّهِ بیست و دوم يَا مُبْدِعَ الْبَدَائِعِ لَمْ يَبْغِ

و عزت او را ای پدید آورنده تازه ها نطلبید

۶

فِي إِنْشَائِهَا عَوْنًا مِنْ خَلْقِهِ بیست و سیم

در آفرینش آنها از آفریدگان خود

يَا عَلَّامَ الْغُيُوبِ فَلَا يَؤُودُهُ شَيْءٌ مِنْ حِفْظِهِ

ای بسیار داننده امرهای پنهان پس سنگینی نمیکند او را چیزی از نگاهداشتن او آنچیز را

بیست و چهارم يَا حَلِيمُ ذَا الْأَنَاةِ فَلَا يَعْدِلُهُ

ای بردبار صاحب مدارا پس همتا نمیشود و همسری نمیکند او را

شَيْءٌ مِنْ خَلْقِهِ بیست و پنجم يَا مُعِيدَ مَا

چیزی از آفریدگان او ای بر گرداننده آنچه را

أَفْنَاهُ إِذَا بَرَزَ الْخَلَائِقُ لِدَعْوَتِهِ مِنْ مَخَافَتِهِ

که بر طرف کرده است آنرا در وقتی که ظاهر شوند آفریدگان برای خواندن او و در قیامت از ترس او

بیست و ششم يَا حَمِيدَ الْفِعَالِ ذَا الْمَنِّ عَلَى

ای ستوده شده است کارهای او که صاحب بخشش است بر

جَمِيعِ خَلْقِهِ بِلُطْفِهِ بیست و هفتم يَا عَزِيزُ

همه آفریدگان خود بشفقت خود ای صاحب عزت

المنيع الغالب على امره فلا شيء يعادله

و قوست. كه غلبه كننده است بر فرمان خود پس نيست چيزى كه برابرى و همتايى او

[بيست و هشتم] يا قاهر ذا البطش الشديد انت

اى قهر كننده صاحب خشم بسيار سخت توئى

الذى لا يطاق انتقامه [بيست و نهم] يا قريب

آنكسى كه طاقت و قدرت ندارد مهمان عقوبت او را   اى نزديك

المتعالى فوق كل شيء ارتفاعه [اسم]

بلند مرتبه كه بالاتر از همه چيزهاست بلندى او

[سى ام] يا مذل كل جبار بقهر عزيز سلطانه

اى خوار كننده هر متكبرى بسبب قهر غلبه پادشاهى خود

[سى و يكم] يا نور كل شيء وهداه انت

اى روشنى ده هر چيزى و راهنماى آن توئى

الذى فلق الظلمات نوره [سى و دوم] يا قدوس

آنكسى كه شكافته است تاريكيها را روشنى او   اى پاكيزه

الطاهر من كل سوء فلا شيء يعازه

پاك از هر بدى پس نيست چيزى كه غلبه نمايد او را

من خلقه [سى و سيم] يا قريب المجيب المتدانى

از آفريدگان او   اى نزديك بر آورنده حاجتها كه نزديك است

دون كل شيء قربه [سى و چهارم] يا عالى

نزد هر چيزى نزديكى او   اى بلند

الشامخ فوق كل شيء علو ارتفاعه [سى و پنجم]

بسيار بلند كه بالاتر از هر چيزى است بلندى رفعت او

يا مبدع البدايا ومعيدها بعد فنائها

اى تازه بديد آورنده تازه ها و بر گرداننده آنها بعد از بر طرف شدن آنها

بقدرته [سى و ششم] يا جليل المتكبر على

بتوانائى خود   اى بزرگ صاحب بزرگى بر

كل شيء فالعدل امره والصدق وعده

هر چيزى پس عدالت فرمان اوست و راستى وعده اوست

سی و یکم یا مجید فلا یستطیع الاوهام کل
ای صاحب شرف پس قدرت ندارند وهمها یافتن همه
شانه ومجده سی و دوم یا کریم العفو ذا العدل
صفتها و بزرگی و شرف اورا ای بخشنده در گذشتن از گناهان ای صاحب عدالت
انت الذی ملا کل شیء عدله سی و سیوم
تو ای آنکسی که پر کرده است هر چیزی را عدالت او
یا عظیم ذا الثناء الفاخر والعز والمجد و
ای بزرگ صاحب ستایش بلند و صاحب غلبه و شرف و
الکبریاء فلا یذل عزه سی و چهارم یا عجیب
بزرگواری پس خوار نشود غلبه او ای آنکه عجیب است آورد
فلا تنطق الالسنة بکل آلائه وثنائه یا غیاثی عند
پس گویا نمی توانند شد زبانها به همه نعمتها او و ستایش او ای فریادرس نزد
کل کربة ویا مجیبی عند کل دعوة اسالك
هر اندوهی و ای اجابت کننده دعای من نزد هر خواندنی سؤال میکنم ترا

اللهم یا رب الصلوة علی نبیك محمد صلی
خداوندا ای پروردگار من آنکه رحمت فرستی بر پیغمبر خود که محمد است رحمت فرستد
الله علیه وآله وامانا من عقوبات الدنیا
خدا بر او و بر آل او و آنکه امان دهی مرا از عذابهای دنیا
والاخرة وان تحبس عنی ابصار الظلمة المریدین
و آخرت و آنکه ببندی از من چشمهای ستمکاران قصد کنندگان
بی السوء وان تصرف قلوبهم عن شر ما
مرا به بدی و آنکه برگردانی دل ایشان را از شر آنچه
یضمرون الی خیر ما لا یملکه غیرك اللهم هذا
در خاطر دارند ایشان بسوی بهترین آنچه مالک نیست آنرا غیر تو خداوندا این است
الدعاء ومنك الاجابة وهذا الجهد وعلیك
حاجت من و از تست بر آوردن آن و این است نهایت سعی من و بر تو است
التکلان ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
اعتماد من و نیست حرکتی و نه توانائی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ

الله

از دعای حضرت موسی علیه السلام است در هنگامی که رفت نزد
فرعون پس بعد از انکه
موسی علیه السلام خواند این دعا را او داخل شد بر فرعون
پوشانید خدای تعالی باو سپری را که نگاه داشت
او را از آنکه برسد باو ضرر و قهر و شدت سطوت
پادشاهی فرعون بعون الله تعالی و دعا این است

اَللّٰهُمَّ بَدِيعَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرَضِينَ الَّذِي
خداوندا ای تازه پدید آورنده آسمانها و زمینها آنکه
نَوَاصِي الْعِبَادِ بِيَدِكَ فَاِنَّ فِرْعَوْنَ وَجَمِيعَ
موی پیش سر بندگان بدست تست پس بدرستی که فرعون و همه
اَهْلِ السَّمٰوَاتِ وَاَهْلِ الْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا
اهل آسمانها و اهل زمین و آنچه در میان این هر دو است
عَبِيدُكَ وَنَوَاصِيهِمْ بِيَدِكَ تُصَرِّفُ
بندگان تواند و پیش سرهای ایشان بدست تست و تو بر میگردانی
الْقُلُوبَ حَيْثُ شِئْتَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ
دلها را هر کجا که میخواهی خداوندا بدرستی که پناه میبرم

بحرا

بِخَيْرِكَ مِنْ شَرِّهِ وَاَسْئَلُكَ بِخَيْرِكَ مِنْ
به نیکویی تو از بدی او و سؤال میکنم ترا بسبب نیکویی تو از
خَيْرِهِ عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَلَا اِلٰهَ
نیکویی او عزیز است کسی که باشد در پناه تو و بزرگست ستایش تو و نیست خدای
غَيْرُكَ كُنْ لَنَا جَارًا مِنْ فِرْعَوْنَ وَجُنُودِهِ
بغیر از تو باش تو از برای ما پناه دهنده از شر فرعون و سپاه او

دعای مسمی بدعای جلیل القدر ظاهر الاثر فیض و برکات

در روایت صحیح آمده از ابن مسعود زاهد طبرسی
که او گفت شخصی بود در بلاد روم سی سال
اسیر بند و حبس بود و در عذاب سخت و اصلا
او را رهایی حاصل نمیشد پس نذر کرد با خدای تعالی
که هر گاه از این بند خلاص شود در میان سال حج بجای

آورد پس در شب در خواب دید که مرغی سفید
بر دریچهٔ زندان آمد و بنیاد خواندن کرد
و این دعا را میخواند بزبان فصیح پس او فهمید و فرا
گرفت و تا سه شب این دعا میخواند پس خدای عزّ
و جلّ فرشته را فرستاد و او را از آن بند بیرون
آورد و بمنزل خویش رسانید و او از منزل ارادهٔ
حج نمود و بعهد خود وفا نمود و در طواف خانهٔ کعبه
این دعا را خواند و مردی این دعا را از او شنید
و از پی او آمد و گفت ای بندهٔ خدا این دعا را از
کجا آموختهٔ که حدیث کرد برای من پدرم از
جدّم از حضرت رسول خدا صلّی الله علیه و آله

ک

که این دعای مرغ سفید رومی است که در بلاد
روم در قسطنطنیّه میباشد و این دعای فرج است
پس گفت که بدرستی که من این دعا را از آن مرغ
شنیده ام و قصّهٔ خود را تمام باو نقل کرد پس
هر کس که باین دعا مداومت نماید مرادات و مقصودات
او حاصل شود و هر امر صعبی که بوده باشد بر او آسان
گردد و دعا این است بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ یا مَنْ لا تَراهُ الْعُیُونُ وَلا
تُخالِطُهُ الظُّنُونُ وَلا یَصِفُهُ الْواصِفُونَ وَلا
تُغَیِّرُهُ الْحَوادِثُ وَلا تَغْشی عَلَیْهِ الدُّهُورُ اَنْتَ
تَعْلَمُ مَثاقِیلَ الْجِبالِ وَمَکاییلَ الْبِحارِ وَعَدَدَ

قطرات الامطار وعدد ورق الاشجار وما
اظلم عليه الليل وما اشرق عليه النهار ولا
توارى عنك سماء سماء ولا ارض ارضا
ولا جبال ما فى وعورها ولا بحار ما فى قعورها
انت الذى سجد لك سواد الليل ونور النهار
وشعاع الشمس وضوء القمر ودوى الماء و
حفيف الشجر انت الذى نجيت نوحا من الغرق
وعفوت عن داود ذنبه وكشفت عن
ايوب ضره ونفست عن يونس كربته فى بطن
الحوت ورددت موسى من البحر على امه وصرفت
عن يوسف السوء والفحشاء وانت الذى فلقت

البحر لبنى اسرائيل حين ضربه موسى بعصاه
فانفلق فكان كل فرق كالطود العظيم
حتى مشى عليه وشيعته وانت الذى صرفت
قلوب سحرة فرعون الى الايمان بنبوة موسى
حتى قالوا امنا برب العالمين رب موسى وهرون
وانت الذى جعلت النار بردا وسلاما على
ابرهيم وارادوا به كيدا فجعلتهم الاخسرين
يا شفيق يا رفيق يا جارى اللزيق يا ركنى الوثيق
اللصيق
يا مولاى بالتحقيق صل على محمد وال محمد
وخلصنى من كرب المضيق ولا تحملنى اعالج
ما لا اطيق انت منقذ الغرقى ومنجى الهلكى

وجليس كل غريب وانيس كل وحيد و
مغيث كل مستغيث صل على محمد وال محمد
وفرج عني الساعة الساعة الساعة فلا صبر لي
على حلمك يا لا اله الا انت ليس كمثله
شئ وانت على كل شئ قدير ولا حول ولا
دعای مشهور قوة الا بالله العلي العظيم [illegible]
كه از ائمهٔ صادقين عليهم السلام روايت شده
است يعنی دعائی كه هر گاه كسی اين دعا را بخواند
پس گويا بر اطراف خود شهری و حصاری بنا
كرده و چنانكه كسی هر گاه در ميان شهر و حصار
باشد از شر دشمنان بيرونی ايمن ميباشد و كسی

كه اين دعا را بخواند از همهٔ شرور و آفات و بلاها
محفوظ و ايمن ميگردد و اين دعا چنين است كه
راست بايست يا سجده كن در حالتی كه با طهارت
باشی بگو اللهم اني احتجب اليك بنور
وجهك الكريم الجليل القديم الرفيع
العظيم العلي الرحيم القائم بالقسط لا اله الا
انت العزيز الحكيم وبمحمد واله صلواتك
عليه وعليهم اجمعين وبملائكتك المقربين
رضوانك عليهم اجمعين وببيتك المعمور
وبالسبع المثاني والقران العظيم وبكل
من يكرم عليك من خلقك اجمعين لا نفس

اهل بيت محمد صلواتك عليه وعليهم
ولاديانهم ولجميع ما ملكتهم وتتفضل
به عليهم ولانفسنا ولاديانا ولجميع
ما ملكتنا وتتفضل به علينا من شرور
جميع ما قضيت وقدرت وخلقت ومن
شرور جميع ما تقضي وتقدر وتخلق ما احييتنا
وبعد وفاتنا ببسم الله الرحمن الرحيم
قل هو الله احد الله الصمد لم يلد ولم يولد
ولم يكن له كفوا احد كذلك الله
ربنا وبسم الله الرحمن الرحيم قل هو الله
احد الله الصمد لم يلد ولم يولد ولم يكن

له كفوا احد كذلك الله ربنا و
ببسم الله الرحمن الرحيم قل هو الله احد
الله الصمد لم يلد ولم يولد ولم يكن له
كفوا احد كذلك الله ربنا عن فوقهم
وعن فوقنا وبسم الله الرحمن الرحيم قل هو
الله احد الله الصمد لم يلد ولم يولد ولم يكن
له كفوا احد كذلك الله ربنا وبسم الله
الرحمن الرحيم قل هو الله احد الله الصمد لم
يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد كذلك
الله ربنا وبسم الله الرحمن الرحيم قل هو الله احد
الله الصمد لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد
كذلك الله ربنا عن ايمانهم وعن ايماننا

وببسم الله الرحمن الرحيم قل هو الله احد
الله الصمد لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا
احد كذلك الله ربنا وببسم الله الرحمن
الرحيم قل هو الله احد الله الصمد لم يلد ولم
يولد ولم يكن له كفوا احد كذلك الله
ربنا وببسم الله الرحمن الرحيم قل هو الله احد
الله الصمد لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا
احد كذلك الله ربنا عن يسارهم وعن
يسارنا وببسم الله الرحمن الرحيم قل هو الله
احد الله الصمد لم يلد ولم يكن له كفوا ولم يولد
احد كذلك الله ربنا وببسم الله الرحمن
الرحيم قل هو الله احد الله الصمد لم يلد ولم

يولد

يولد ولم يكن له كفوا احد كذلك
الله ربنا وببسم الله الرحمن الرحيم قل هو
الله احد الله الصمد لم يلد ولم يولد ولم يكن
له كفوا احد كذلك الله ربنا عن امامهم
وعن امامنا وببسم الله الرحمن الرحيم قل هو
الله احد الله الصمد لم يلد ولم يولد ولم يكن
له كفوا احد كذلك الله ربنا وببسم الله
الرحمن الرحيم قل هو الله احد الله الصمد لم يلد
ولم يولد ولم يكن له كفوا احد كذلك الله
ربنا وببسم الله الرحمن الرحيم قل هو الله
احد الله الصمد لم يلد ولم يولد ولم يكن له
كفوا احد كذلك الله ربنا عن حواليهم

وَعَنْ حَوالَينا عِصْمَةً وَحِصْنًا وَحِرْزًا لَهُمْ
وَلَنا مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَضُرٍّ وَمَكْرُوهٍ وَمَخُوفٍ
وَمَحْذُورٍ وَشَقاءٍ ما عِشْنا وَبَعْدَ ما مُتْنا
بِقُدْرَةِ رَبِّنا اِنَّهُ عَلى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ وَصَلَّى
اللهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعِينَ بجهت دفع دشمنان
این دعا مرویست از حضرت امام رضا علیه الصلوة
والسلام وآنرا ابوجعفر بن بابویه علیه الرحمة از
مشایخ خود روایت نموده و گفته است که حضرت
امام رضا علیه السلام در شهر مرو بود و موازی
سیصد و شصت نفر از شیعیان که از شهرهای
متفرق آمده بودند در خدمت آنحضرت میبودند
پس دشمنان آن حضرت مامون الرشید علیه

اللعنه

اللعنه خبر دادند که حضرت امام رضا علیه السلم
تهیهٔ خروج کردن نموده و مردمان ازینجهت این
مقصد جمع مینماید پس مامون الرشید فرمان داد
که اصحاب و اتباع آنحضرت را از در خانهٔ حضرت دور
کنند و آنحضرت بدینجهت بغایت غمگین و اندوهناک
گردید پس غسل کرد و بابی الصلت که از اصحاب و مخصوصان
آنحضرت بود امر کرد و فرمود که برو و ببالای بام و نظر کن
که ازین جماعت چه چیز ظاهر میشود تا من دو رکعت
نماز گذارم پس آنحضرت دو رکعت نماز گذارد و در حال
قنوت دستهای خود را بجانب آسمان بلند کرد و گفت
اَللّٰهُمَّ يا ذَا الْقُدْرَةِ الْجامِعَةِ وَالرَّحْمَةِ الْواسِعَةِ
وَالْمِنَنِ الْمُتَتابِعَةِ وَالْآلاءِ الْمُتَوالِيَةِ وَالْاَيادِي

الجميلة والمواهب الجزيلة يا من لا يوصف
بالتمثيل ولا يمثل بنظير ولا يغلب بظهير
يا من خلق فرزق والهم فانطق وابتدع فشرع
وعلا فارتفع وقدر فاحسن وصور فاتقن واحتج
فابلغ وانعم فاسبغ واعطى فاجزل ومنح فافضل
يا من سما في العز ففات خواطف الابصار و
دنا في اللطف فجاز هواجس الافكار يا من
تفرد بالملك فلا ند له في ملكوت سلطانه و
توحد بالكبرياء فلا ضد له في جبروت شانه
يا من حارت في كبرياء هيبته دقيق لطائف
الاوهام وانحسرت دون ادراك عظمته
خطائف ابصار الانام يا عالم خطرات قلوب

العالمين وشاهد لحظات ابصار الناظرين
يا من عنت الوجوه لهيبته وخضعت الرقاب
لعظمته وجلالته ووجلت القلوب من خيفته
وارتعدت الفرائص من فرقه يا بدئ يا بديع يا
قوي يا منيع يا علي يا رفيع صل على من شرفت
الصلوة بالصلوة عليه وانتقم لي ممن ظلمني
واستخف بي وطرد الشيعة عن بابي واذقه
مرارة الذل والهوان كما اذاقنيها واجعله
طريد الارجاس وشريد الانجاس راوی گوید که چون
حضرت از خواندن این دعا فارغ گردید مردمان بر مامون
الرشید شورش و غوغا کردند و در دور خانهٔ او بجدی
اجتماع نمودند که مامون الرشید را از بودن او در آن

شهر منع کردند وبدین جهت از آن شهر بیرون رفت

شرح دعای توسل بهر یک از چهارده معصوم علیهم السلام

در بعضی از کتب معتبره روایت کرده اند از ابو الوفاء
شیرازی که گفت در زندان ابو العباس محبوس بودم
در کرمان در نهایت تنگی و شدت پس بسیار شکایت
کردم واستغاثه کردم بموالیان خود صلوات الله
علیهم اجمعین وبعد از آن بخواب رفتم در خواب دیدم
مولای خود رسول خدا صلی الله علیه وآله را و فرمودند
که چرا شفیع نمیکردانی در درکاه خدا من ودو فرزندم
حسن وحسین علیهم السلام را از برای حاجات دنیا
وآخرت وحضرت امیر المؤمنین علیه السلام از برای
تو انتقام میکشد از دشمنانت کفتم یا رسول الله

چکونه از برای من انتقام میکشد از دشمنانم که
اورا بمسجد کشیدند از برای بیعت ابوبکر وحقش
را غصب کردند وقدرت بر دفع آن نبود وانتقام
نکشید پس حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم
از روی تعجب بر من نظر کرد وفرمود که آن از عجز نبود
بلکه از برای وصیتی بود که من با او کرده بودم عمل بوصیت
من کرد اما علی بن الحسین علیهما السلام از برای نجات
از شر سلاطین وشیاطین وامام محمد باقر وامام جعفر
صادق علیهما السلام از برای امور آخرت وتوفیق
طاعات وامام موسی کاظم علیه السلام از برای
طلب عافیت وبیماریها وجمیع مکروهات وامام رضا
علیه السلام از برای طلب سلامتی در سفرها و

صحراها ودریاها وامام محمد تقی ازبرای طلب روزی
وامام علی نقی علیه السلام ازبرای توفیق برادای فرایض
ونیکی برادران مؤمن ومثل آن ازطاعات وامام حسن
عسکری علیه السلام ازبرای امور آخرت وامام صاحب
الزمان علیه السلام ازبرای کفایت هرمهم و
مطلب وغم واندوهی که باشد پس هرگاه که کارد
بگلوی تو برسد استغاثه بآن حضرت بکن وبگو
یا صاحب الزمان ادرکنی پس درخواب فریاد
کردم که یا صاحب الزمان اغثنی یا صاحب الزمان
ادرکنی پس بیدار شدم دیدم که موکلان بندها از
دست وپای من برمیدارند وازاینست دعائی که
متضمن توسل بهر یک از چهارده معصوم علیهم السلام است

دعائی که بحضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
وبحضرت فاطمه زهرا وحضرت امام حسن وحضرت
امام حسین علیهم السلام متوسل میشوند بجهت حاجات دنیا وآخرت

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

ابتدا میکنم بنام خدای بخشایندهٔ مهربان

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفٰى وَعَلٰى ابْنَتِهِ

خداوندا رحمت بفرست بر محمد برگزیده ودبر دختر او

وَعَلٰى ابْنَيْهَا وَاَسْئَلُكَ بِهِمْ اَنْ تُعِينَنِى

وبر دو پسر دختر او وسؤال میکنم از تو بحق ایشان که یاری کنی مرا

عَلٰى طَاعَتِكَ وَرِضْوَانِكَ وَتُبَلِّغَنِى بِهِمْ

بر طاعت خود وخوشنودی خود ورسانی مرا بحق ایشان

اَفْضَلَ مَا بَلَّغْتَ اَحَدًا مِنْ اَوْلِيَائِكَ اِنَّكَ

بهترین آنچیزی که رسانیدهٔ تو یکی از دوستان خود را بدرستی که تو

جَوَادٌ كَرِيمٌ

بخشندهٔ صاحب کرمی

دعائی که بحضرت امیرالمؤمنین علیه السلام توسل میجویند بجهت انتقام از دشمن اینست

اللهم انی اسئلک بحق ولیک امیر

خداوندا بتحقیق که سوال میکنم از تو بحق دوست تو امیر

المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام

مؤمنان علی پسر ابو طالب بر او باد سلام

الا انتقمت لی به ممن ظلمنی وغشمنی

مگر که اینکه انتقام بکشی از برای من بسبب آنحضرت از کسی که ظلم کند بمن وحرب نماید با من

واذانی وانطوی علی ذلک وکفیتنی به

وآزار دهد مرا ونیت ظلم کردن بر من داشته باشد وکفایت کنی مرا بسبب آنحضرت علیه السلام

مؤنة کل احد یا ارحم الراحمین

مشقت هر کسی را ای رحم کننده تر از جمیع رحم کنندگان

دعائی که توسل میجویند بحضرت سید الساجدین
امام زین العابدین علیه السلام برای
نجات از شر شیاطین و سلاطین اینست

اللهم انی اسئلک بحق ولیک علی بن

خداوندا بتحقیق که من سوال میکنم از تو بحق دوست تو علی پسر

الحسین

الحسین علیهما السلام الا کفیتنی به

حسین بر ایشان باد سلام مگر که اینکه کفایت کنی از من بسبب آنحضرت علیه السلام

مؤنة کل شیطان مرید وسلطان عنید

مشقت وتعب هر شیطان عاصی که سر از اطاعت پیچیده است و پادشاه صاحب عنادی که

یتقوی علی ببطشه وینتصر به علی بجنده

خواهد زیادتی کند بر من بسبب سطوت خود وانتقام بکشد آن بر من بسبب لشکر خود

انک جواد کریم

دعائی که توسل میجویند بحضرت امام محمد باقر و

بدرستی که تو بخشنده وصاحب کرمی

امام جعفر صادق علیهما السلام برای امور آخرت و توفیق طاعات اینست

اللهم انی اسئلک بحق

خداوندا بتحقیق که من سوال میکنم از تو بحق

ولیک محمد وابنه جعفر علیهما السلام

دوست تو محمد باقر و پسر او جعفر صادق بر ایشان باد سلام

الا اعنتنی بهما علی امر اخرتی انک فعال

مگر اینکه اعانت و یاری کنی بمن بسبب ایشان بر امر آخرت من بدرستی که تو میکنی

لِمَا تُرِيدُ

دعائی که توسل میجویند بحضرت امام موسی کاظم علیه السلام بجهت حصول عافیت از بیماریها و جمیع مکروهات اینست

آنچیزی را که میخواهی

اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ بِحَقِّ وَلِیِّكَ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو بحق دوست تو موسی کاظم پسر جعفر

عَلَیْهِمَا السَّلَامُ اِلَّا عَافَیْتَنِی بِهٖ فِی جَمِیعِ جَوَارِحِی

بر ایشان باد سلام مگر اینکه عافیت بخشی بمن بسبب آنحضرت در تمام اعضای من

مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ یَا جَوَادُ یَا كَرِیمُ

آن چیزی که ظاهر باشد از آن اعضا و آنچیزی که پنهان باشد ای بخشنده ای صاحب کرم

دعائی که توسل میجویند بحضرت امام رضا علیه السلام برای سلامتی سفر صحراها و دریاها اینست

اَللّٰهُمَّ اِنِّی

خداوندا بدرستی که من

اَسْئَلُكَ بِحَقِّ وَلِیِّكَ الرِّضَا عَلِیِّ بْنِ مُوسٰی

سؤال میکنم از تو بحق دوست تو رضا علی پسر موسی

عَلَیْهِ السَّلَامُ اِلَّا سَلَّمْتَنِی بِهٖ فِی الْبَرَارِی

بر او باد سلام مگر اینکه سالم داری مرا بسبب آنحضرت علیه السلام در صحراها

والبحار

وَالْبِحَارِ وَالْجِبَالِ وَالْقِفَارِ وَالْاَوْدِیَةِ وَ

و دریاها و کوهها و بیابانها و رودخانها و

الْغِیَاضِ مِنْ جَمِیعِ مَا اَخَافُ وَاَحْذَرُهُ اِنَّكَ

نیستانها از تمام آن چیزی که من از آن میترسم و حذر میکنم از آن بدرستی که تو

رَؤُفٌ رَحِیمٌ

دعائی که توسل میجویند بحضرت امام محمد تقی علیه السلام بجهت زیادی شدن رزق اینست

مهربانی و صاحب رحمی

اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ بِحَقِّ وَلِیِّكَ مُحَمَّدِ بْنِ

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو بحق دوست تو محمد پسر

عَلِیٍّ اِلَّا جُدْتَ عَلَیَّ مِنْ فَضْلِكَ وَتَفَضَّلْتَ

علی مگر اینکه بخشی بر من از فضل خود و تفضل کنی

بِهٖ عَلَیَّ مِنْ وُسْعِكَ وَوَسَّعْتَ عَلَیَّ رِزْقَكَ وَ

بسبب آنحضرت علیه السلام بر من از فضل وسیع خود و فراخ گردانی بر من رزق خود را و

اَغْنَیْتَنِی عَمَّنْ سِوَاكَ وَجَعَلْتَ حَاجَتِی اِلَیْكَ

بی نیاز گردانی مرا از هر کسی غیر خود و بگردانی حاجت مرا بسوی خود

وَقَضَاءَ هَا عَلَيْكَ اِنَّكَ لِمَا تَشَاءُ قَدِيرٌ

وبرآمدن آن حاجت را لازم بر خود بدرستی که تو بهر چیزی که میخواهی توانائی

دعائی که توسّل میجویند بحضرت امام علیّ نقی علیه السلام برای توفیق یافتن برادای فرایض ونیکی برادران مؤمن و مثل آن از طاعات اینست

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ

خداوندا بتحقیق که من سؤال میکنم از تو بحق دوست تو علی پسر محمد

اِلّا اَعَنْتَنی بِرُّ عَلیٰ تَادِيَةِ فَرْضِكَ وَبِرِّ اِخْوانی

مگر اینکه یاری کنی مرا بسبب آنحضرت علیه السلام برادا و بجا آوردن امر واجب ونیکی کردن برادران

الْمُؤْمِنِينَ وَسَهِّلْ ذٰلِكَ لی وَاقْرِنْهُ بِالْخَيْرِ وَ

مؤمنان و آسان گردانی این را از برای من و مقرون کردانی این را بخیر و

اَعِنّی عَلیٰ طَاعَتِكَ بِفَضْلِكَ يَا رَحِيمُ

یاری کنی مرا بر طاعت خود بفضل خود ای صاحب رحم

دعائی که توسّل میجویند بحضرت امام حسن عسکری علیه السلام از برای امور آخرت اینست

اَللّٰهُمَّ

خداوندا

اِنّی اَسْئَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ الْحَسَنِ بْنِ

بدرستی که من سؤال میکنم از تو بحق دوست تو حسن پسر

عَلِیٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ اِلّا اَعَنْتَنی بِرُّ عَلیٰ

علی بر ایشان باد سلام مگر اینکه یاری کنی مرا بسبب آنحضرت علیه السلام بر

اَمْرِ اٰخِرَتی بِطَاعَتِكَ وَرِضْوَانِكَ وَ

امر آخرت من باینکه طاعت ترا بجای آورم و خوشنودی تو از برای من باشد و

سَرَرْتَنی فی مُنْقَلَبی بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

خوشحال گردانی مرا در وقتی که بازگشت بسوی تو کنم برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

دعائی که توسّل میجویند بحضرت صاحب الزمان علیه السلام از برای کفایت مهمّ و مطلب و غمّ و اندوهی که باشد اینست

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ وَ

خداوندا بتحقیق که من سؤال میکنم از تو بحق دوست تو و

حُجَّتِكَ صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

حجت تو صاحب این زمان بر او باد سلام

اِلَّا اَعَنْتَنِی بِهٖ عَلٰی جَمِیعِ اُمُورِی وَکَفَیْتَنِی
مگر اینکه یاری کنی تو مرا بسبب آنحضرت علیه السلام بر تمام امرهای من وکفایت کنی مرا
بِهٖ مَؤُنَةَ کُلِّ مُؤْذٍ وَطَاغٍ وَبَاغٍ وَاَعَنْتَنِی
بسبب آنحضرت مشقت هر آزار رسانندهٔ وهر طغیان کنندهٔ وهر ظلم کنندهٔ ویاری کنی مرا
بِهٖ فَقَدْ بَلَغَ مَجْهُودِی وَکَفَیْتَنِی
بسبب آنحضرت پس تحقیق که بنهایت رسیده مشقت من وکفایت کنی از برای من
کُلَّ عَدُوٍّ وَهَمٍّ وَدَیْنٍ وَوُلْدِی وَ
شر هر دشمنی وهر همی وقرضی را که از برای من باشد وکفایت کن از برای فرزندان من و
جَمِیعَ اِخْوَانِی وَمَنْ یَعْنِینِی اَمْرُهُ وَخَاصَّتِی
تمام برادران من واز هر کسی که باز میدارد مرا امر او واز هر مخصوصان من
اُزِدُعَایِت اٰمِینَ یَا رَبَّ الْعَالَمِینَ بجهت نجات یافتن
وخلاص شدن اجابت کن دعای مرا ای پروردگار عالمیان از حبس
این دعاییست جلیل الشان که از حضرات ائمهٔ طاهرین
علیهم السلام روایت شده است حسین بن محمد بن عامر
گفته است که خبر داد مرا احمد بن محمد واو از پدر خود

ادعیه

روایت کرده که هفت کس از اهل یکشهر در یک مکان
در حبس بنی امیه بودند پس روزی یکی از ایشان با
زنجیری که داشت مفقود گردید وهر چند تفحص
نمودند او را نیافتند ونه خبر او مطلع نگردیدند
وبدین جهت بغایت متعجب بودند وبعد از یکسال
شش کس دیگر را از حبس مرخص نمودند وآن شش
نفر چون بشهر خود باز گردیدند آن شخص مفقود را
دیدند که در وطن ومنزل خود است از او پرسیدند که
چگونه از حبس بیرون آمدی وبمنزل خود رسیدی
جواب گفت که دعائی را حفظ نموده بودم در شب وروز
آنرا میخواندم پس شبی خوابیدم ودر آن شب هفتاد بار این دعا را
خواندم وبخواب رفتم چون بیدار شدم خود را در منزل خود ودر میان
اهل واولاد وقبیلهٔ خود دیدم اَسْتَلْطِفُ اللّٰهَ اللَّطِیفَ لِمَا
طلب لطف میکنم از خداوندی که لطف فرماینده است هر چیزی
یَشَآءُ لِتَیْسِیرِ مَا اَخَافُ تَعْسِیرَهُ فَاِنَّ
را که خواهد از برای آسان کردن هر چیزی را که میترسم دشواری او را پس بدرستیکه
تَیْسِیرَ الْعَسِیرِ عَلَی اللّٰهِ یَسِیرٌ وَاِنَّ
آسان کردن هر دشواری بر خدا آسان است وبدرستی که

اللهُ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

خدا بر همه چیز توانا است خداوندا رحمت بفرست

عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَالْطُفْ لِي فِي اَمْرِي

بر محمد و آل محمد و لطف کن مرا در کار من

فَاِنَّكَ لَطِيفٌ لِمَا تَشَاۤءُ بجهت آمدن مهمات

پس بدرستی که تو لطف میکنی هرچه را که میخواهی هرگاه کسی را حاجتی

بسوی خدای تعالی داشته باشد سورهٔ مبارکه فاتحة

الکتاب وسورهٔ توحید با این دعا باین روش که مذکور

میشود بخواند و چون بلفظ بَيْنِي وَبَيْنَ حَاجَتِي میرسد مطلب را

بخواهد که زودی بر آورده شود بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۞ اَلرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۞ مَالِكِ يَوْمِ

الدِّينِ ۞ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ۞ بِسْمِ اللهِ

الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۞ قُلْ هُوَ اللهُ اَحَدٌ ۞ اَللهُ الصَّمَدُ ۞ لَمْ يَلِدْ

وَلَمْ يُولَدْ ۞ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً اَحَدٌ ۞ اَللّٰهُمَّ

كَمَا جَمَعْتَ بَيْنَ صِفَاتِكَ وَاَسْمَاۤئِكَ وَاَفْعَالِكَ

فَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ حَاجَتِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اِهْدِنَا الصِّرَاطَ

الْمُسْتَقِيمَ ۞ صِرَاطَ الَّذِينَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ

عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّاۤلِّينَ ۞ در بیان فضیلت تحمید است و انواع محامد

بسند معتبر منقولست که از حضرت صادق علیه السلام

پرسیدند که کدام عمل نزد خدا بهترین اعمال است فرمود

که حمد او کردن و از حضرت علی بن الحسین صلوات الله

علیه منقولست که هر که بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ شکر جمیع

نعمتهای خدا را ادا کرده است و بسند معتبر از حضرت

امام رضا علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی

الله علیه واله فرمود که هر که را خدا نعمتی کرامت فرماید حمد

الهی بکند و هر که روزی او دیر برسد استغفار بکند و

هر که را اندوهی روی دهد یا کار دشواری پیش آید لَا حَوْلَ

وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ بگوید و بسند معتبر دیگر از حضرت امام

رضا علیه السلام منقولست که چون حضرت رسالت پناه

صلی الله علیه وآله را امری رو میداد که موجب سرور بود

میفرمود که اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ و چون

امری رو میداد که موروث الم بود میفرمود که اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلىٰ

كُلِّ حَالٍ و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام

منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله هر روز حمد

الهی میکردند سیصد و شصت مرتبه بعدد رگهای بدن

باین حمد که اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَثِيراً عَلىٰ كُلِّ حَالٍ

و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که

چون کسی را ببینی که ببلائی مبتلا گردیده است سه مرتبه

این تحمید را آهسته بخوان که او نشنود که اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي

عافانی مما ابتلاک به ولو شاء فعل بعد از این فرمود
که هر که در این حال این دعا را بخواند هرگز بآن نوع
از بلا مبتلا نشود و بسند معتبر از حضرت صادق علیه
السلام منقولست که هر که بگوید الحمد لله کما هو اهله
کاتبان اعمال از نوشتن باز میمانند و میگویند خداوندا
ما غیب را نمیدانیم یعنی حمدی که تو سزاواری ثواب آنرا نه
میدانیم حق تعالی در جواب ایشان میفرماید که آنچه بندهٔ من
گفته است شما بنویسید و ثوابش بر منست و بسند معتبر
دیگر از آنحضرت علیه السلام منقولست که هر که هر روز
هفت مرتبه بگوید الحمد لله علی کل نعمة کانت او
هی کائنة شکر نعمتهای گذشته و آینده را بجا آورده است
و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه
علیه منقولست که فقرا بخدمت حضرت رسول صلی الله
علیه و آله آمدند و عرض کردند که یا رسول الله اغنیا را
مالی هست که بآن بندهٔ را آزاد کنند و ما نداریم و ایشان را
مالی هست که بآن حج کنند و ما نداریم و ایشان را مالی هست
که بآن تصدق کنند و ما نداریم و ایشان را مالی هست که بوسیلهٔ
آن در راه خدا جهاد کنند و ما نداریم حضرت فرمود که هر که صد
مرتبه الله اکبر بگوید بهتر است از صد بنده آزاد کردن
و هر که صد مرتبه سبحان الله بگوید بهتر است از صد شتر
با خود بردن بحج که بکشند آنها را از برای خدا و هر که صد مرتبه

الحمد

الحمد لله بگوید بهتر است از صد اسب که زین و لجام
کرده مردم را سوار کنند و بجهاد فرستند و هر که صد مرتبه
لا اله الا الله بگوید کسی از او در آن روز عملش بهتر نباشد
مگر کسی که زیاده از صد مرتبه بگوید پس چون خبر باغنیا
رسید ایشان نیز این اعمال را بجا آوردند فقرا بخدمت
آنحضرت آمدند و عرض کردند که اغنیا این کارها را نیز
کردند حضرت فرمود که این از فضل خداست بهر که
میخواهد عطا میفرماید و بسند معتبر از حضرت امام رضا
علیه السلام منقولست که حق تعالی بر خود واجب کرده است
است که هر مؤمنی صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه
الحمد لله و صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه لا اله
الا الله بگوید و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد

بفرستد پس بکوید اَللّهُمَّ زَوِّجْنی مِنَ الْحُورِ الْعِینِ
البتّه حق تعالی حوریّهٔ در بهشت باو کرامت فرماید و
این پانصد کلمه مهر آن حوریّه باشد پس از اینجهت حق تعالی
بحضرت رسول صلّی الله علیه و آله وحی فرمود که مهر
زنان مؤمنه را پانصد درهم سنّت کرداند و بسند معتبر
از حضرت صادق علیه السّلام منقولست که حضرت رسول
صلّی الله علیه و آله روزی با اصحاب خود التفات نموده
فرمودند که برای خود سپرها آماده کنید و مهیّا باشید
صحابه عرض کردند که مکر دشمنی رو بما آورده است که سپر
از برای دفع ایشان مهیّا باید کرد فرمودند که نه ولیکن از
برای دفع آتش جهنّم از خود بکوئید سُبْحانَ اللهِ وَالْحَمْدُ
لِلّهِ وَلا اِلهَ اِلّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ و بسند معتبر از حضرت

امام محمّد باقر علیه السّلام منقولست که هر که بکوید
سُبْحانَ اللهِ نه از روی تعجّب حق تعالی از آن تسبیح مرغی خلق
فرماید که آن مرغ را زبانی بوده باشد و در میان ملئکه
سبحان تسبیح الهی کند تا روز قیامت و همچنین است اَلْحَمْدُ
لِلّهِ وَلا اِلهَ اِلّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ و از حضرت رسول
صلّی الله علیه و آله منقولست که حق تعالی بحضرت موسی
علیه السّلام خطاب فرمود که اکر اهل آسمانها و ساکنان
آنها و زمینهای هفتکانه در یک کفّهٔ ترازو باشد و لا اِلهَ
اِلّا اللهُ در کفّهٔ دیکر باشد این کلمه بر آنها زیادتی
میکند و حضرت رسول صلّی الله علیه و آله فرمود که تلقین
کنید مردهای خود را در وقت جان کندن لا اِلهَ اِلّا
اللهُ که کناهان را درهم میشکند و خراب میکند صحابه کفتند

یا رسول الله کسی که در حال صحت بگوید چون است حضرت
فرمود که این بیشتر باعث درهم شکستن و برطرف شدن
گناهان میشود بدرستیکه لا اِلٰهَ اِلّا الله مونس مؤمن است
در حال حیات و نزد مردن و در هنگام مبعوث شدن
بدرستی که جبرئیل بمن گفت که یا محمد در قیامت جمعی را خواهی
دید که از قبرها روسفید مبعوث میشوند و باواز بلند لا
اِلٰهَ اِلّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ میگویند و جمعی روسیاه مبعوث
میشوند و فریاد میکنند که یا وَیلاه یا ثُبُوراه و بسند دیگر
از آنحضرت منقولست که هر که لا اِلٰهَ اِلّا الله بگوید برای
او درختی در بهشت بکارند از یاقوت سرخ که ریشه اش از
مشک سفید باشد و میوه اش از عسل شیرین تر و از برف
سفیدتر و از مشک خوشبوتر باشد و در آن درخت میوه ها

باشد بشکل پستان دختران باکره که چون شکافته
شود هفتاد حلّه از میان آن بیرون آید و از حضرت
امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست که هر بندهٔ مسلمانی که
لا اِلٰهَ اِلّا الله بگوید آن کلمه البته بالا رود و هر سقفی
را بشکافد و بهر گناهی از گناهان او که برسد محو نماید تا چون
بحسنات برسد قرار گیرد ازدعاییست بجهت خوف وهرکه بهمد
مرویست که حضرت رسول خدا صلّی الله علیه و آله بحضرت امیر
المؤمنین علیه الصلوة و السلام خطاب نمود و فرمود که یا علی
هرگاه ترا چیزی بهول اندازد و از آن چیز خوف نمایی پس بگو
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَسْاَلُكَ
بِالْكَلِماتِ الَّتی تَلَقّاها آدَمُ مِنْ رَبِّهِ پس حضرت امیرالمؤمنین
علیه السلام از آنحضرت سؤال نمود و فرمود که یا رسول الله

کدام است آن کلماتی که حضرت آدم علیه السلام از پروردگار
خود آموخت و خواند و توبهٔ او قبول شد پس حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه و آله فرمود که یا علی بدرستی که حق تعالی فرود
آورد آدم را بزمین هند و حوا را بزمین جده و مار را بزمین
اصفهان و ابلیس را بزمین ملتان و در بهشت هیچ صورت حیوانی
نیکوتر از مار و طاوس نبود و مار را چهار دست و پا بود مانند
چهار دست و پای شتر و ابلیس بجوف مار رفت و داخل
بهشت گردید و آدم را فریب داد پس حق تعالی مار را غضب کرد
و چهار دست و پای او بیفتاد و با و فرمود که گردانیدم روزی
ترا از خاک و چنین کردم ترا که بر شکم خود راه روی پس حق تعالی
رحم نکند بر کسی که بر تو رحم کند و حق تعالی طاوس را غضب کرد
و آواز او را و پاهای او را از او گرفت بجهت آنکه راهنمایی کرده

بو

بود ابلیس را بر درختی که حق تعالی نهی از خوردن آن نموده
بود و آدم در زمین هند صد سال مکث نموده بود و سر خود را
در آن مدت بجانب آسمان بلند نکرد و پیوسته دست خود
را بر سر خود گذاشته بود و بر خطیئه و گناه خود میگریست
و با حزن و اندوه نشسته بود تا آنکه حق تعالی جبرئیل علیه
السلام را بجانب او فرستاد پس جبرئیل آمد و گفت ای آدم
بدرستی که پروردگار تو سلام میرساند بتو و میفرماید که ای آدم
آیا من خلق نکردم ترا بدست خودم و ندمیدم در تو روح خود
را و برای تو سجده نفرمودم فرشتگان خود را و سکنی ندادم ترا
در بهشت خودم پس این گریه برای چیست حضرت آدم جواب
داد که ای جبرئیل چرا نگریم و حال آنکه اخراج کرده شدم از
جوار و همسایگی پروردگار خودم پس جبرئیل علیه السلام

کفت که این کلمات را بخوان پس بدرستی که حق تعالی توبه
ترا قبول میکند پس حضرت آدم این کلمات را خواند و کلمات
اینست سُبحانَكَ لا اِلهَ اِلّا اَنتَ عَمِلتُ سُوءً اَو ظَلَمتُ
نَفسی فَاغفِرلی وَارحَمنی وَاَنتَ خَیرُ الغافِرینَ سُبحانَكَ
لا اِلهَ اِلّا اَنتَ عَمِلتُ سُوءً اَو ظَلَمتُ نَفسی فَارحَمنی
وَاَنتَ خَیرُ الرّاحِمینَ شرح آیة الکرسی علی التنزیل در کتاب عروس
روایت کرده است از حضرت امام حسین علیه السلام که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله کفت که آیة الکرسی در آسمان بر لوحی
از زمرد سبز نوشته است بمدادی که مخصوص خداست و در هر
روز جمعه آن لوح بر پیشانی حضرت اسرافیل میخورد پس اسرافیل میکوید
سُبحانَ مَن لا یَنبَغِی التَّسبیحُ اِلّا لَهُ وَلا العِبادَةُ وَالخُشوعُ اِلّا لِوَجهِهِ
ذالِكَ اللهُ القَدیرُ الواحِدُ العَزیزُ پس چون این تسبیح را میخواند

در حدیث آمده که هیچ ملک مقربی و پیغمبر مرسلی نمیماند
الّا وانکه دعا میکند برای کسی که آیة الکرسی علی التنزیل
بخواند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که علی بن
الحسین علیهما السلام سوکند یاد میکرد که هر که
پیش از زوال آفتاب هفتاد مرتبه آیة الکرسی بخواند
که مرتبه هفتادم متصل بزوال کردد حق تعالی کناهان
کذشته و آینده او را بیامرزد و اکر در آن سال بمیرد
کناهانش آمرزیده شود و در قیامت او را حساب نکنند
و از عبدالله بن الحسن روایت کرده است که کفت مادرم
دختر حضرت امام حسین علیه السلام کفت که حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله را شبی در خواب دیدم
کفت ای دختر ترازوی عمل خود را سبک مکردان و

سنکین کن آنرا بخوانند آیة الکرسی که هیچیك از
اهل من نمیخواند این آیه را مگر انکه اهل آسمانها و زمین
با ملئکه بخروش می آیند و صدا بتسبیح و تقدیس و تهلیل
و تمجید بلند میکنند و برای او دعا میکنند که خدای تعالی
گناهان او را بیامرزد و آیة الکرسی علی التنزیل این است
الله لا اله الا هو الحی القیوم لا تاخذه سنة ولا
نوم له ما فی السموات وما فی الارض وما بینهما
وما تحت الثری عالم الغیب والشهادة فلا یظهر علی
غیبه احدا من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه یعلم
ما بین ایدیهم وما خلفهم ولا یحیطون بشیء من
علمه الا بما شاء وسع کرسیه السموات والارض
ولا یؤده حفظهما وهو العلی العظیم لا اکراه

فی الدین قد تبین الرشد من الغی فمن یکفر بالطاغوت
ویؤمن بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی
لا انفصام لها والله سمیع علیم الله ولی الذین
امنوا یخرجهم من الظلمات الی النور والذین کفروا
اولیاؤهم الطاغوت یخرجونهم من النور الی
الظلمات اولئك اصحاب النار هم فیها خالدون
وبروایت علی بن ابرهیم کلینی آیة الکرسی علی التنزیل چنین است
له ما فی السموات وما فی الارض وما بینهما وما
تحت الثری عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم
من ذا الذی تا هم فیها خالدون وبعد از آن والحمد لله
رب العالمین بهر یك از این دو روش که خواهد بخواند اما
[illegible] در تلاوت مصحف بروش مشهور بخوانند [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لمن جعل الدعاء منهاجا لصلاح

امنائه و اصفیائه و مفتاحا لفلاح عباده و امائه و الصلوة علی نبیه النبی الذی جعله

الداعی الیه و بشیرا و نذیرا و سراجا منیرا و آله الطیبین الذین اذهب الله عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا

اما بعد چون شغل مواظبت و مداومت بر ادعیه منقوله از خاندان عصمت و تعقیبات

ائمه هدی رسالت صلوات الله علیهم اجمعین موجب مزید توفیقات و منح صلات مقاصد و حاجات و مهمات

و باعث رفع درجات دنیوی و اخروی میباشد و عالی مقدار فرزند کامکار گرامی

مرتبت خجسته اخلاق فلک رفعت و دریا مکرمت و سپهر همت و کمال عزت و صحیفه

اقبال انکه از خلوص عقیدت سرشته طینت او سلسله جلیله درین

ایام بر قرائت ادعیه حصول مطلب آمال مهیا و از صفای سجیه کیش حبلی موید

سعادت است بر دعا بر پیش مدد حال ضعفا و اغنیای اعنی معلی رفعت مکان منقبت

کثیر الخیر و الاحسان و الامتنان محمد قلی خان ادام الله ظلاله

الی الله آخر الزمان که خلاصه اوقات خجسته ساعات زندگانی

صرف

صرف تحصیل و تصحیح نسخ ادعیه و اذکار شریفه منیفه و درین

باب بشوق بیش از بیش کمال سعی و اهتمام مبذول میفرمایند بنا علیه

از داعی از نهایت اخلاص و عقیدت تمنای تحریر و تصحیح دعوات مستجابات

که از کتب معتبره مرویه صحیحه انتخاب و بعد از مقابله آنها جمع نموده

و چون در سلک کمترین داعیان و الاثنا مقاصد معانی منتظم ساخت

امید که از ادعیه کتب مسطوره ماثوره جمع نموده ذات آن کامکار بهمان

از بلندی همت و الا نهمت محظوظ شود و دو جهان ابواب فتوحات بر روی دارد

ابدالآباد از فواید بهره مند گردد به محمد و آله و انا العبد اقل الاحقر راقم

المؤمنین المتمسک باذیال الائمة المعصومین صلوات الله علیهم

اجمعین احمد التبریزی سلام فیضه الشامل و لطفه الکامل جعلها

وسیلة لمطالب الدارین بالنجاح و ذریعة لما بین النشاتین بالفوز و الفلاح فی شهر

جمادی الثانیه من شهور سنه ۱۱۲۶ فی دار السلطنه اصفهان صانها الله عن الحدثان

محمد خان ...
ممهور ... است

والله اعلم بالصواب

[illegible] این دعوات حفظ [illegible]

طول الله عمره [illegible] نصیب [illegible] العادة [illegible]

وقلادت [illegible] الطاهرین [illegible] المغفرت

[illegible] الجمعة [illegible] شهر رمضان المبارک [illegible] ۱۳۰۱ [illegible]

[illegible] انا اعطیناک بخواند وبعد از سلام [illegible] از عهده حقوق والدین برآمده [illegible]

الرکعتین علی روح ابی وامی

[illegible]

دعا التربت

بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم رب هذه التربة المبارکة الطاهرة

ورب النور الذی انزل فیه ورب الجسد

الذی سکن فیه ورب الملائکة الموکلین به صل

علی محمد وآل محمد واجعل هذا الطین شفاء من کل داء

وامانا من کل خوف وعافیة من کل سوء وغنی من کل فقر

[illegible] با حفظ [illegible] برجای خود گذارده [illegible] دیگر بر تربت بخواند

[illegible] بوسیده برجای خود گذارده [illegible]